

احتیاط نکنید. اصل عمده مسئله خواب ماندن است. بعد یکمقدار علف که داشت کوچی را راه دادند و این علفها را که این به فکر این به دهن

وطن! آمد بهار آمانه بینم گل به دامان
نیاید نفقه شادی زمرغان غزل خ
به جای موج خون می جوشد
به جای لاله روید داغ از جوشد

زندان و بازگشت به وطن
محصول در حوزه عملیه قم آن هم در سالها
میری بت شکن زمان رهبر فقید جهان
تمام ادامه داشت، شخه
بیشتر پیدا کرده
تصمیم

زندان و بازگشت به وطن
محصول در حوزه عملیه قم آن هم در سالها
میری بت شکن زمان رهبر فقید جهان
تمام ادامه داشت، شخه
بیشتر پیدا کرده
تصمیم

مزارعی

سرباز انقلاب اسلامی

یادنامه اولین سالگرد شهادت شهید مزاری



به میت کابل مرز و جمرانی تر شده می روم
و قوماندانها تصویب کرده بودند
را تغییر داده و به نقطه دیگر
می از مسولین و فرماند

خون مطهر مزاری

یا اسارت است، یا شهادت

مبارزه سیاسی سازمان یافته
شد فعالتهای سیاسی استاد شهید از
ای که آیین حوادث بی
قطر از بنیان گذا

آباداش یک عمر مبارزه و جهاد علیه شرک و کفر



ما از ملت مسلمان

و دیر افغانستان

کامل پشتیبانی

می کنیم.

امام خمینی

مسئله افغانستان

مسئله منطقه است و همه کسانی که به سرکوشش

مردم افغانستان علاقه مند هستند

باید به این مسئله بکف کنند.

دلی امرتیلین

فهرست مطالب

- ۲ سفن آغاز
۴ زندگینامه
۱۲ اطلاعیه وزارت امور خارجه

دیدگاهها

- ۱۳ دیدگاه آقای علاء الدین بروجردی
۱۶ دیدگاه آقای حاج مومن رفیق دوست
۱۸ دیدگاه آقای حاج اسدالله بادامچیان
۲۶ دیدگاه آیت الله امامی کاشانی
۲۷ دیدگاه مجله الاسلام مسیح مهاجری

از زبان یار

- ۲۷ استاد عرفانی
۲۹ آقای مصطفی ممدی
۳۷ آیت الله صالحی
۴۴ آقای سرور دانش
۴۹ آقای واعظی شهرستانی
۵۲ آقای ناصری میدانی
۵۴ آقای شفایی
۵۶ آقای ناصری اورزگانی
۵۹ آقای محمد ناطقی
۶۳ آقای استاد فیاض
۶۶ آقای سید محمد سمادی
۷۳ آقای ممسنی

گفتگو با بیت شهید

- ۷۷ گفتگو با مادر شهید
۷۹ گفتگو با همسر شهید
۸۰ گفتگو با خواهر شهید

از نگاه دیگران

- ۸۳ از نگاه آقای ژنرال عبدالرشید دوستم
۸۴ از نگاه آقای گلبدین حکمتیار
۸۵ از نگاه آقای صیحت الله مجددی

مزارى

سرباز انقلاب اسلامى

يادنامهٔ اولين سالگرد شهادت استاد شهيد عبدالعلي مزارى اسفند ۱۳۷۴

* * *

تشکر و قدردانى:

بدینوسیله از مساعدتهای صمیمانه جناب آقای بروجردی معاون محترم آسیا و اقیانوسیه و برادران گرامی جناب آقای فروزانفر، ناصری اورزگانی و دیگر عزیزانی که بذل مساعدت فرمودند و نیز از همکاری موسسه محترم فرهنگی آفرینه در قم تشکر و قدردانی می‌گردد.

ستاد پشتیبانی افغانستان

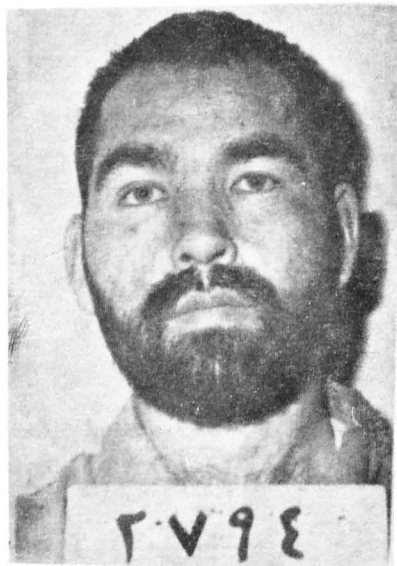
چاپ: فروردین
تیراژ: ۲۰۰۰
قیمت: ۳۵۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن آغاز

تک تک مسلمانان زنده گردانید و سبب شد که آنان به اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) به مثابه مقدس‌ترین اعتقاد گرایش پیدا کرده و از نو در پی احیاء دین باشند. در این بین شاگردان و دست پروردگان و دلباختگان حضرت امام خمینی (ره) در سراسر جهان با الگوگیری از امام و رهروی راه رهبر خود، سعی در بسط و حاکمیت اندیشه‌های حضرت امام در نزد جامعه مسلمان خود داشته و در این راه به بالاترین سعادت‌ها (شهادت) نایل گردیدند. افرادی نظیر شهید آیت‌الله العظمی محمد باقر صدر در عراق، علامه شهید سید عارف حسین حسینی در پاکستان، علامه شهید سید عباس موسوی و شهید شیخ راغب حرب

گستره پرخروش تاریخ مبارزات اسلامی شاهد جولان مبارزان و اندیشمندانی بوده است که اندیشه‌های سیاسی آنان از مرزهای جغرافیائی و سیاسی فراتر رفته و دیگر مسلمانان را در ورای مرزهای قراردادی کنونی تحت تأثیر قرار داده است. در رأس این بزرگان و اندیشمندان بدون هیچ شک و شبهه‌ای حضرت امام خمینی (ره) قرار می‌گیرد که با تکیه بر الطاف بیکران الهی و با درایت و خردمندی و نبوغ ذاتی خود، اسلام ناب محمدی را مجدداً احیا کرده و اولین حکومت سراسر اسلامی را در جهان بنیانگذاری کردند. این رخداد بزرگ سیاسی باعث احیای مجدد اسلام شد و دوباره روح عظمت و اتکاء به نفس را در نفوس



در لبنان، شهید دکتر فتحی شقاقی در فلسطین و شهید استاد عبدالعلی مزاری در افغانستان از این دسته افراد هستند. هر کدام از این بزرگان تجسم عینی مراد خود حضرت امام و حلقه‌های اصلی نهضت اسلامی در میان ملت‌های خود بودند که به دست دشمنان اسلام و تشیع به شهادت رسیدند و جایگاهی بس رفیع را در نزد مردم خود دارا شدند. این افراد شاخه‌های شجره طیبۀ انقلاب اسلامی هستند که ملت‌های مسلمان خود را به ام القری نهضت جهانی اسلام (ایران) پیوند دادند.

در این میان استاد شهید عبدالعلی مزاری به عنوان حلقه اتصال ملت مظلوم افغانستان با انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. وی شاگرد و دل‌باخته حضرت امام خمینی (ره) بود که بسان یک در درخشنده جلوه‌گری میکرد. عشق و علاقه وافر

او به پیر و مراد خود حضرت امام خمینی (ره) و نیز شجاعت و بیباکی و صفا و علو طبع و قناعت و ... این شهید زبانزد عام و خاص است. بدون تردید تاریخ افغانستان فاقد چنین بزرگمردی بوده است و بسیار دور است که چنین شخصیتی را در آینده نیز به خود ببیند. وی مبارزی بود که خود را در چارچوب قیود ناسیونالیستی و ملی‌گرایی محدود نکرد و درد مسلمین را به طور واقعی حس کرد و در هر جبهه‌ای که توانایی آن را داشت به مبارزه برخاست.

اینک در آستانۀ اولین سالگرد شهادت این بزرگمرد و به منظور ادای دین به مقام شامخ این شهید والامقام اقدام به تهیه و انتشار این یادنامه نمودیم.



به مدیریت کل اداره هشتم ۸۳۳



نخست فیزی
سازمان اطلاعات امنیت کشور

شماره ۷۸۴۸۷۲۱۲

تاریخ ۲۸/۱۰/۵۵

پیوست در بر

از سازمان اطلاعات و امنیت قم

درباره: عبدالمعلی فرزند خداورد معروف به مرادی طلبه افغانی مقیم قم مد رس سعادت

در اجرای امریه شماره ۷۳/۲۵۳۱۲ - ۲۵/۱۰/۳۵ اداره کل سوم نامبرده بالا در تاریخ ۲۶/۱۰/۳۵ دستگیر و توسط ما^۱ مورین شهربانی قم بمركز (کمیته مشترك ضد خرابکاری) اعزام گردیده است .
اینک یک برگ فتوکپی صورتجلسه مبارزی و دو برگ اوراق بازجویی و یک جلد گذرنامه شماره ۱۲۱۵۱/۱۲۰ صادره از سفارت افغانستان در تهران در تاریخ ۸/۱۲/۵۲ یک قطعه عکس و یک جلد دفترچه اقامت شماره ۳۲ شهربانی قم بمعرض میرساند که مشارالیه با اخذ رواید در تاریخ ۲۰/۸/۳۵ از طریق مرز بازرگان ایران رابمقصد عربستان سعودی ترك و گویا در تاریخ ۲۴/۱۰/۳۵ از طریق مرز خسروی بایران مراجعت نموده است. ضمناً در برگ ۲ گذرنامه عکس اتومبیل مشهود است که نامبرده از چگونگی درج آن اظهار بی اطلاعی مینماید .

مقرر فرمائید باتوجه بمطالب و اینکه اکثر طلاب بیگانه مقیم قم قبلاً در عراق اقامت داشته اند ترتیبی اتخاذ گردد تا در صورت امکان خروج این قبیل طلاب که به ظاهر جهت تحصیل علوم دینی بایران وارد میشوند بخارج از کشور محدودتر شده تا این قبل بیگانگان نتوانند در پوشش این مسافرخانه اقدام بمفعالیت ضد ایران نمایند . مضافاً اینکه شهربانی محل نیز هر ساعت که بیگانگان مورد بحث تصمیم بخروج از ایران رابنمایند با خروج آنان موافقت بعمل میآورد .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم

خیابان معرمانه

زندگینامه



شهادت رسید.

شهید مزاری از همان اوان کودکی به علت شعور بالا محرومیت‌های اعمال شده بر مسلمانان افغانستان خصوصاً شیعیان را درک نمود و در مسیر مبارزه بر علیه حکومت‌های استبدادی ظاهرشاه و داود خان قرار گرفت و در این مرحله رهنمودهای علامه شهید بلخی فرا روی او قرار داشت. وی بنابر توصیه شهید بلخی خدمت نظام را انجام داد و با رفتن به مناطق دوردست و عقب افتاده به فقر همه جانبه خصوصاً فقر فرهنگی مردم افغانستان پی‌برد، براین اساس اولین مرحله از تلاش‌ها و فعالیت‌های خود را ارتقاء رشد فرهنگی مردم افغانستان قرار داد و به علت نیاز شدید جامعه‌اش به افراد تحصیل‌کرده و عالم به فراگیری علوم اسلامی روی آورد و در مدرسه شیخ سلطان مزار شریف به تحصیل مشغول گردید و همزمان فعالیت‌های سیاسی

شهید عبدالعلی مزاری در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و در بیت شهادت در ولایت بلخ در روستای نانویی چهارکنت، به دنیا آمد و پس از یک عمر سراسر مبارزه و تلاش در جهت اعتلای اسلام و شیعه در افغانستان در اسفند ماه سال ۱۳۷۳ طی یک توطئه حساب شده بین‌المللی توسط عوامل وهابیت در غرب کابل به

اتمام سطح در حوزه علمیه قم مقارن با سالهای شروع انقلاب اسلامی ایران بود، شهید جهت اداء فریضه حج عازم گردیدند اما سفارت رژیم سعودی در سوریه ویزای حج را به شهید مزاری نداد. استاد در برگشت از سوریه به عراق رفته و در نجف



با استاد و مراد خود حضرت امام (ره) و نیز بسیاری از روحانیون و بزرگان انقلاب اسلامی ایران ملاقات نموده و درباره شیوه مبارزه خود گفتگو کردند. هنگام بازگشت از عراق بعثت حمل کتب و اعلامیه‌های حضرت امام (ره) دستگیر شدند و مدت ۴ ماه تحت شکنجه‌های شدید ساواک بسر بردند.

شهید مزاری از آن دوران خاطرات زیادی دارد. آشنایی با شهید رجایی و دیگر بزرگان و ... او چنین نقل میکند:

خود را نیز سر و سامان داد. این دوره با مبارزات سیاسی حضرت امام خمینی و رحلت آیت الله حکیم و همچنین مطرح شدن مرجعیت حضرت امام توأم شده بود. از این جهت بحث بر سر این موضوع (مرجعیت حضرت امام خمینی) به افغانستان نیز سرایت کرد. در این میان افراد فعال و مبارز و نیز علمای مذهبی و انقلابی طرفدار حضرت امام خمینی (ره) که در سراسر افغانستان بطور پراکنده فعالیت داشتند، فعالیتهای خود را وحدت بخشیده و مجتمعهای متفرق خود را متفق نموده و بطور سازمان یافته فعالیتهای خود را گسترش دادند. این مبارزان در جریانات کلی انقلاب اسلامی ایران از قیام ۱۵ خرداد گرفته تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران درگیر شدند.

عزم راسخ شهید مزاری در فراگیری هرچه بیشتر علوم اسلامی باعث گردید که وی به قم هجرت کند. علت انتخاب قم را شهید در مرکزیت این شهر در مبارزات اسلامی عنوان مینمود و بر این اساس زندگی شهید مزاری فصل نوین خود را ورق زد. در مدت اقامت استاد در قم وی فعالیت شدیدی در جهت کسب علوم و معارف اسلامی و بهره گرفتن از علماء مبارز و معلمین اخلاق داشت. نکته جالب در مورد شخصیت بارز این شهید در قم و در دوران تحصیل عدم قبول شهریه و تلاش بالا در بهره‌برداری از افکار و آراء بزرگان بود. پس از

و شهید رجایی از کسانی بودیم که در پا و صورت ما علامت شکنجه بود. اول ما را به کمیته بردند و پس از چند روزی که در کمیته بودیم چون نوبت بازرسی هیئت از کمیته شد ما را به بندهای اوین برگرداندند و چند مدتی که آنجا ماندیم به زندان قصر بردند و بالاخره هیئت سازمان ملل ما را ندیدند.»

شهید مزاری پس از تحمل چهار ماه زندان و شکنجه از ایران اخراج گردید. وی به مزار شریف رفت و با جدیت مشغول فعالیتهای فرهنگی گردید.

جاذبه بالای حضرت امام خمینی بطور بسیار بارزی در شکل‌گیری شخصیت شهید مزاری اثر گذاشته بود و شهید مزاری بسان یک پاک‌باخته و بسیجی در مقابل حضرت امام خمینی (ره) بود. مادر شهید مزاری در این رابطه چنین می‌گوید:

«پس از مدتها دل نگرانی و اضطراب از زندانی بودن نور چشم شهید عبدالعلی در ایران و با وجود اینکه پدر شهید (حاجی خداداد) بسیار تلاش کردند که از شهید مزاری خبری بگیرند و حتی به ایران مسافرت کردند ولی موفق نشدند. روزی خود شهید مزاری با صورتی زخمی و وضعی رنجور به خانه آمد. او مرتب از آقا (امام خمینی) صحبت میکرد. او شفیه آقا بود. او نفر آقا بود. پس از مدتی که از آمدن او به نزد ما گذشته بود

«ما در سال ۱۳۵۴ وقتی طرف سوریه جهت مکه رفتیم، در سوریه به من ویزای مکه ندادند و از سوریه به عراق رفتیم و خدمت امام رسیدیم. در برگشت به ایران سر مرز یک مقدار کتابهای امام خمینی (ره) و نشریات داشتیم یکی از رفقای ما را در مرز گرفتند و کتابهای ما را ضبط کردند. ما به قم آمديم، پس از دو روز ساواک مدرسه سعادت را محاصره کرد و ما در رابطه با کتابهای امام خمینی (ره) دستگیر شدیم و یک مدتی در تک سلولی بودیم برای شکنجه و سوالات، بعد از اینکه شکنجه تمام شد و بیش از دو ماه طول کشید ما را در زندان کمیته آوردند و از کمیته به اوین برگرداندند و مسئول زندان گفت: این را هم به اطاق همان نمازخوانها بفرست. به اطاق رفتم در بند دو اوین که آنجا شهید رجایی و تعدادی از دوستانش بودند و آشنایی ما با ایشان از آنجا آغاز شد»

شهید در قسمتی دیگر از خاطرات خود می‌گوید:

«زمانیکه نمایندگان سازمان ملل جهت بازرسی از زندانهای ایران آمدند (زیرا از شکنجه‌های شدید در زندانهای ایران گزارشاتی دریافت کرده بودند) به این جهت هیئتی برای سرکشی از زندان به ایران آمد. از این رو مسئولین ساواک کسانی که علامت شکنجه در بدن داشت را پنهان کردند و شب را در یک زندان می‌بردند و روز را در زندان دیگری، من



آشنایی، شهید مزاری با اکثر شخصیت‌های دولتی و غیردولتی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط صمیمی و دوستانه داشت.

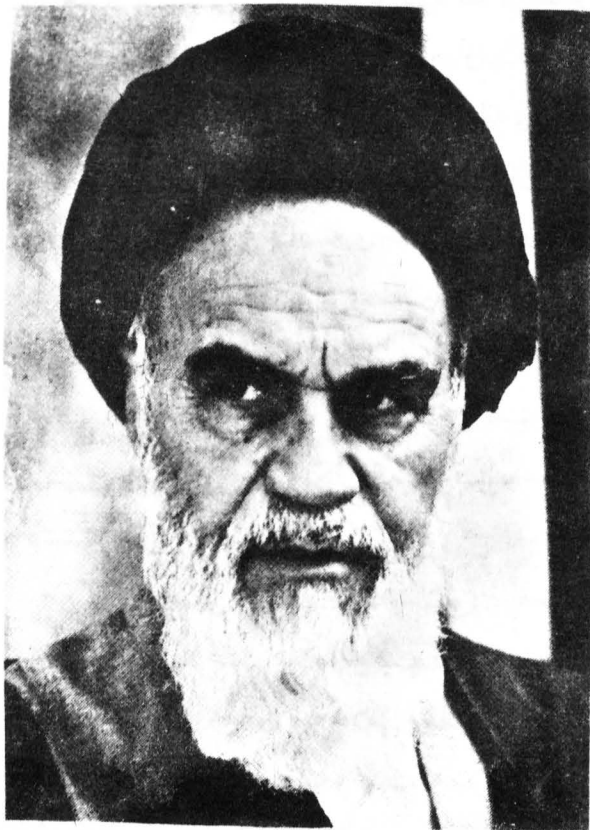
شهید مزاری علاوه بر تقلید از حضرت امام خمینی، رهبری و مقام ولایت امام را یک نعمت و رحمت الهی میدانست. علاقه شهید مزاری به امام خمینی در عالیت‌ترین درجه بود و امام را سرچشمه رحمت میدانستند و تشکیل حزب وحدت اسلامی علیرغم حجم عظیم موانع و مشکلات را از برکت سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) به حساب می‌آوردند. معروف است که در اوایل تشکیل سازمان نصر در جواب پرسش گروهی که از مرامنامه و اساسنامه این سازمان سؤال میکردند چنین میگفت:

«تحریرالوسیله امام خمینی ره برای ما هم یک

به او پیشنهاد کردم که حالا که عسکری را انجام داده‌ای و ملاهم شده‌ای بیا و ازدواج کن و تشکیل خانواده بده ولی در جواب من گفت: من سرباز آقا هستم و تا زمانی که آقا (امام) به نیرو احتیاج دارد من در کنار آقا خواهم بود.»

آشنایی و مراودت شهید مزاری با بزرگان انقلاب اسلامی ایران به دوران مبارزاتی شهید در کوران انقلاب اسلامی ایران برمیگردد او برای مدت طولانی در کنار تحصیل در حوزه علمیه قم با بزرگان حوزه و معلمین اخلاق حشر و نشر داشت. دوستی، تلمذ و مراودت او با بزرگانی نظیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی و نیز هم سلول بودن وی با بزرگانی نظیر شهید رجایی، رفیق‌دوست و ... مسئله‌ای نیست که قابل چشم‌پوشی باشد. در اثر همین سابقه همکاری و

راکه تو آغاز کردی بی‌راهرو نخواهند گذاشت، این پرچم برای همیشه در بلندترین ستیغ هستی برافراشته خواهد ماند و این مشعل برای همیشه در عمق ظلمتها و ظلمت دره‌ها روشن و پرفروغ و پرتو افکن خواهد بود و این راه



شهید مزاری در عیادت از مجروحین جنگ تحمیلی علیه ایران

راهروان و سالکان زیاد خواهد داشت که یکی پس از دیگری تا قیام قیامت این حرکت وقفه ناپذیر را ادامه خواهند داد. اماما، در ۱۴ جوزا

کتاب فقهی و حقوقی است و هم یک مرامنامه» این امر حکایت از عمق ایمان و اعتقاد راسخ ایشان به حضرت امام خمینی است.

حساسیت ایشان درباره شخص امام و مقام معظم رهبری به حدی بوده است که در هیچ شرایطی و از طرف هیچ کسی کمترین بی‌احترامی را نسبت به مقام این بزرگان تحمل نمی‌نمودند و موضع می‌گرفتند. چه بسا با نزدیکترین یاران خود نیز بر سر این امر قطع رابطه کردند. شمه‌ای از علاقه ایشان به امام خمینی (ره) را میتوان در بیانیه ایشان در خرداد ماه ۶۹، هنگامی که در رأس هیأتی از حزب وحدت اسلامی در تهران انتشار دادند ملاحظه نموده او در قسمتی از بیانیه خویش چنین می‌گوید:

«اماما، رهبر، مرشد، هرچند از میان ما رفتی و میلیونها فرزند خود را یتیم ساختی، اما همانطوریکه در وصیت سیاسی - الهی خود فرمود: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و بسوی جایگاه ابدی سفر میکنم. با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار بیارام که فرزندان و پیروان دلباخته تو در سراسر گیتی، هرگز پرچمی را که برافراشتی، افتاده بر زمین نخواهند گذاشت و مشعل جاویدانه را که تو برافروختی خاموش شدن نخواهند گذاشت و راهی

(خرداد) سال گذشته همه ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان مخصوصاً ملت مسلمان و انقلابی افغانستان در سوگ تو به ماتم نشستند، فرزندان تو در افغانستان ضجّه و اما ما سردادند و در فراق تو خون گریستند و چهل روز عزای عملی گرفتند. اما باز هم از برکت روح پرفروش تو بود که از عالم ملکوت بر ما نهیب زدی و ما را به مقاومت و به ایستادگی و به اتحاد و یکپارچگی فراخواندی و ما دعوت تو را لبیک گفته و با الهام و استمداد از روح بزرگ تو، مرزهای فاصله و جدایی را در هم شکسته و همه گروه‌ها و نیروهای مبارز شیعی را در پوشش واحد تشکیلاتی حزب وحدت اسلامی افغانستان متحد ساختیم تا با استحکام و استواری بیشتری بسوی آرمان‌ها متعالی که تو فرا راهمان هستی، گامی فراپیش نهیم»

پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان، شهید مزاری به علت علاقه خاصی که برای مقام معظم رهبری و جمهوری اسلامی ایران قایل بودند جهت اعلان تشکیل حزب وحدت به سراسر جهان در رأس یک هیئت بلند پایه به جمهوری اسلامی ایران مسافرت نمودند و در ضمن مصاحبه‌هایی اهداف سفر خود را بیان نمودند و از مهمترین اهداف این سفر دیدار با مقام معظم رهبری جهت تشریح برنامه‌های حزب وحدت اسلامی بود. بر این اساس در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۲ در زاد روز

ولادت باسعادت امام حسن مجتبی (ع) در رأس هیئت اعزامی حزب وحدت با مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دیدار و چنین گفت:

«در ابتدا از طرف خود و از طرف هیئت، رحلت جانگداز رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) را خدمت حضرت عالی تسلیت عرض میکنم و رهبری جنابعالی را که امید مستضعفین است تبریک میگویم. درباره وحدت دو سال است که تلاش شده و هیئتی فیمابین داخل و خارج مبادله شده است و اینکه منجر شد به امضای میثاق وحدت، از برکت روح امام (ره) است که سال گذشته برادران جمع شدند که رحلت حضرت امام ره پیش آمد و این مصیبتی بزرگ بود برای آن مردم و این مصیبت به حدی سنگین بود که مردم را بهت زده کرده بود ولی از حسن انتخاب مجلس خبرگان، امید تازه برای مردم پیدا شد، چهل روز در تمامی مناطق عزاداشتند، در اول که جمع شدند یکسری از قوماندانها آشتی نکرده بودند، تصمیم گرفتند هماهنگ با مردم عزاداری کنند. بعد از چهل روز آمدند با میان، دیگر هیچ کینه و کدورتی نبود و ... میثاق وحدت امضاء شد.

سپس مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تقدیر از ملت مجاهد و مسلمان افغانستان، وحدت را نه تنها بین شیعیان افغانستان

مختلف سعی در ضربه زدن به ارکان و پایه‌های اسلام انقلابی شیعه در هر نقطه از جهان را دارند شهید مزاری رهبر شیعیان افغانستان و دست پرورده اسلام ناب محمدی امام خمینی را طی یک توطئه حساب شده توسط گروه غدار طالبان نماینده وهابیت به شهادت رساندند رسوایی توطئه گران بی شرم به حدی بود که سریعاً عکسهای مربوط به شهادت شهید در روزنامه‌های سعودی تحت عنوان خبری شادی بخش به چاپ رسید.

از این جهت و به مناسبت اولین ساگرد شهادت آن بزرگ مرد تاریخ، یار وفادار امام (ره) و رهبر معظم انقلاب، این سرباز سینه چاک آقا امام زمان بسیاری از یاوران و دوستان، آشنایان و دوستداران شهید به پاس قدردانی از عظمت این شهید به ذکر گوشه‌هایی از عظمت این شهید بزرگوار احترام نموده‌اند هرچند که شهید بسان مرادش امام خمینی (ره) شناخته نشد و زمانهای متوالی می‌باید بگذرد تا شناخته شود.

بلکه بین همه مسلمین افغانستان یک ضرورت دانستند و با تأیید حزب وحدت اسلامی درباره پیروزی مسلمانان دعا فرمودند.

پشتیبانی قاطع شهید مزاری در رأس حزب وحدت اسلامی از رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین در اعلام حمایت قاطع از مرجعیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نقطه نظرات ایشان در این خصوص، دشمنان شیعه در افغانستان را ناامید کرد وی عقیده داشت که مسئله مرجعیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یک مسئله عادی مقلد و مرجع نیست بلکه در رابطه با پیوند سیاسی با نظام و حفظ نظام است. اطاعت محض وی از حق باعث ایجاد موانع و مشکلات عمده‌ای بر سر راه وی و تحمیل بیش از بیست جنگ بر وی گردید که با اتکاء او به خداوند متعال در همه این جنگها سرفراز عمل نمود.

شهید مزاری با سران و مسئولین نهضت‌های اسلامی و آزادیبخش از فلسطین و لبنان و عراق و پاکستان و ترکیه و بحرین و عربستان سعودی و ... ارتباط نزدیکی داشت و سعی وافر در نزدیک نمودن دیدگاههای نهضت‌های اسلامی با ام‌القری اسلام یعنی جمهوری اسلامی ایران داشت و بطور مرتب بر حفظ وحدت جناحهای مبارز تأکید می‌ورزید.

سرانجام از آنجا که دشمنان اسلام به انحاء

اطلاعیه

اطلاعیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت شهادت دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان
حجة الاسلام استاد عبدالعلی مزاری

بسمه تعالی

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم کردن اقداماتی که منجر به شهادت حجة الاسلام عبدالعلی مزاری دبیرکل و تنی چند از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان گردید، شهادت این مجاهد مسلمان را که در دوران طولانی سلطه کمونیسم بر افغانستان با حضور خستگی ناپذیر و مداوم در صحنه جهاد همدوش مردم و مجاهدان فی سبیل الله برای آزادی کشورش به مبارزه و جهاد پرداخت به تمامی مردم و گروههای جهادی افغانستان تسلیت می گوید.

بدون شک مسئولیت این فاجعه متوجه کسانی است که با در اختیار داشتن وی وظیفه حفظ جان او را بر عهده داشته اند.

جمهوری اسلامی ایران بار دیگر تأسف شدید خود را از اقدامات و تحرکات اخیر در افغانستان به بهانه برقراری آرامش که منجر به تشدید درگیریها، عمیق تر شدن اختلافات و از بین رفتن انسانها و شخصیتهای ارزشمندی که نقش حیاتی در جهاد رهایی بخش افغانستان و بازسازی این کشور در آینده داشته اند ابراز نموده و معتقد است ادامه و استمرار این روند بر خلاف منافع و مصالح مردم مسلمان افغانستان می باشد.

جمهوری اسلامی ایران از تمامی گروههای جهادی افغانستان انتظار دارد که هرچه سریعتر با توقف درگیریها و خونریزیها برای برقراری صلحی عادلانه و شرافتمندانه با ملحوظ نمودن حقوق همه قشرهای ملت افغانستان به گفتگو و مذاکرات مسالمت آمیز پرداخته و از عمیق تر شدن بیشتر دشمنیها و آتش افروزیها جلوگیری نمایند.

دیدگاهها

□ شهید مزاری از دیدگاه جناب آقای علاءالدین بروجردي معاون محترم آسیا و اقیانوسیه



شهید مزاری در میان رهبری گروه‌های جهادی افغانستان شخصیت منحصر بفردی بود. او مقاومت و ایستادگی مبتنی بر باورهای اسلامی جهت رهایی ملت مسلمان افغانستان و بویژه شیعیان از مشکلات کشور را بعنوان یک هدف مقدس می‌دید و در جهت تحقق این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد. مزاری بر خلاف بعضی از ذهنیت‌های ساخته شده معتقد به ولایت فقیه بود، به امام راحل و مقام معظم رهبری ارادت داشت و هیچگاه علیه جمهوری اسلامی ایران علیرغم همه تحولات صورت گرفته در صحنه موضع

گیری نکردند، مصاحبه‌ای انجام ندادند. در صورتیکه چنین امری را به کرات از دیگران سراغ داریم. یکی از ویژگی‌هایی که شهید مزاری را در میان دیگر رهبران شیعی جهادی افغانستان متمایز می‌نماید حضور او در صحنه‌های مبارزات انقلاب اسلامی ایران، ارتباط وی با

حضرت امام و فداکاری او در این راه تا آنجا که منجر به دستگیری و زندانهای طولانی شد. مزاری علیرغم اینکه یک افغانی بود و به راحتی می توانست از زیر بار شکنجه های وحشتناک ساواک شانه خالی کند و خود را رها نماید. در زندان های ساواک مردانه مقاومت نمود و شدیدترین شکنجه ها را تحمل کرد به گونه ای که آثار این شکنجه برای همیشه در سیمای مردانه اش بعنوان یک سند افتخار زندگی مبارزاتی اش باقی ماند. مزاری با پیچیدگی های صحنه سیاسی افغانستان بخوبی آشنا بود و می دانست چگونه باید عزت و قدرت شیعه را در میان دیگر گروه ها به عنوان یک تشکل سیاسی در میان دیگر گروه ها حفظ نماید و آنرا افزایش دهد و در این راه تا آنجا پیش رفت که حزب وحدت اسلامی عملاً به یک قدرت سیاسی - نظامی مطرح در صحنه تبدیل شد و این امکان پذیر نبود مگر با دلاوری ها و

مقاومت های او به عنوان تنها کسی که در سخت ترین لحظات غرب کابل در آن منطقه ایستاد و در آن دریای خروشان این کشتی را بخوبی سکانداری نمود. از ویژگی های دیگر شهید مزاری ساده زیستی و عدم توجه با مادیات بود. او برای خود هیچ چیز را نمی خواست و برای مردم مظلوم شیعه همه چیز را می خواست. و بارها پیشنهاد کمک شخصی به خود را رد نمود. مزاری معتقد بود که شیعه نباید تابعی از دیگران باشد بلکه باید استقلال خود را به مفهوم موجودیت سیاسی و نظامی حفظ کند تا بتواند تحول عمیق و اساسی در رفتار دیگران نسبت به شیعیان که در تاریخ افغانستان پیوسته توأم با تحقیر بوده است ایجاد نماید و عملاً در تحقق این هدف موفقیت های خوبی کسب نمود

شهید مزاری توطئه های دشمنان شیعه را برای شکستن صف واحد آنها بخوبی درک

مزاری بر خلاف بعضی از ذهنیت های ساخته شده معتقد به ولایت فقیه بود، به امام راحل و مقام معظم رهبری ارادت داشت و علیه جمهوری اسلامی ایران علیرغم همه تحولات صورت گرفته در صحنه موضع گیری نکردند. در صورتی که چنین امری را به کزات از دیگران سراغ داریم... در زندان های ساواک مردانه مقاومت نمود و شدیدترین شکنجه ها را تحمل کرد.

می کرد و پیوسته سعی می نمود این توطئه ها شکل نگیرد ولی متأسفانه ابعاد این توطئه ها آنقدر وسیع بود که علیرغم همه این تلاش ها به بار نشست و وحدت و یکپارچگی شیعه را به هم زد و جنگ داخلی را در میان آنها به راه انداخت.

از ویژگی های شهید این بود که

هیچگاه حاضر نبود به افراد به عنوان کمک فردی از بیت المال کمک نماید و معتقد بود که باید این امکانات صرف برنامه‌های حزب و نیازهای مردم شود.

سازش ناپذیری و عدم معامله بر سر مسایل شیعه از ویژگیهای برجسته دیگر این شهید بزرگ بود و مردم این واقعیت را به خوبی درک می‌کردند و به همین دلیل به او عشق می‌ورزیدند و این علاقه امروز بیشتر در سینه‌های مردم شعله‌ور است.

مقاومت مردانه وی در غرب کابل علیرغم اینکه او نیز می‌توانست همانند دیگر رهبرانی که فرار را بر قرار ترجیح داده‌اند از صحنه بگریزد و جان سالم بدر برد از وی یک رهبر جاودانه برای شیعیان افغانستان ساخت و به همین دلیل است که امروز شیعیان افغانستان و حتی دیگران او را به عنوان اسوه مقاومت و پایداری و سمبل رشادت و مردانگی می‌شناسند. تجلیل از او پس از

شهادت و تشییع و چند روزه او بر روی دستان شیعیان مناطق هزاره‌جات و بدرقه او با چشم اشکبار صدها هزارتن از مردم همه نشان از این عشق و علاقه دارد. بدون شک مزار او در مزار زیاردگاه همیشگی دوستداران و پیروانش خواهد بود.

توطئه شهادت او توسط مزدوران بیگانگان نه فقط خیانت به شیعیان بلکه به همه ملت افغانستان بود.

والسلام علیکم



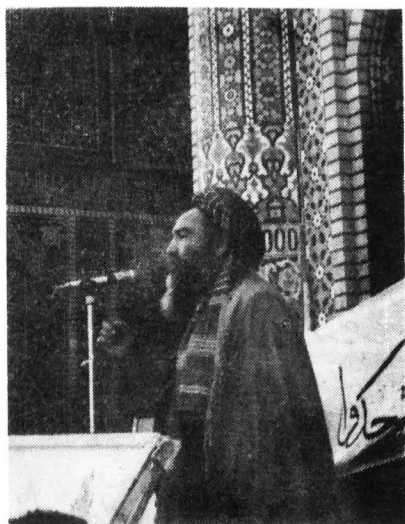
■ شهید مزاری از دیدگاه جناب آقای حاج محسن رفیق دوست

سرپرست محترم بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی ایران

آشنایی اینجانب با شهید مزاری به اوایل سال ۱۳۵۶ برمی گردد. در سال ۵۶ وقتی که من را از زندان انفرادی در اوین به عمومی انتقال دادند در آنجا با شهید رجایی مواجه شدم و یک برادری را با محاسن بلند آنجا دیدم، از مرحوم شهید رجایی سؤال کردم که او کیست؟ شهید رجایی جواب دادند که ایشان برادر افغانی ما هستند که مدتها است در اینجا زندانی می باشند. ایشان در زندان چند وقتی هم با آقای هاشمی بودند. من و شهید رجایی در زندان از لحاظ سن جز افراد بزرگسال بودیم و سنی حدود ۳۸-۳۷ داشتم.

شهید مزاری را بسیار شکنجه کرده بودند و معلوم نبود چه مدت در زندان بوده است ولیکن آثار شکنجه و داغ سیگار در صورت و پاهای او بوضوح مشاهده می شد. او آدم بسیار صبوری بود و کمتر حرف می زد و بسیار کم حرف بود. وقت صحبت کردن با او، بیشتر فکر می کرد و بعد مختصر جواب می داد. تعریف می کرد که به خاطر حمل جزوات و نوار و اعلامیه های حضرت امام او را گرفته اند و از شدت شکنجه ها اصلاً شکایت نداشت. بطور کلی مواقعی که در زندان و بعد از آن با هم بودیم او را آدم متدینی دیدم و او نسبت به مسایل مذهبی (با توجه روحانی بودن) بسیار مقید بود. چندین بار او را در هنگام نماز شب دیدم، روزه می گرفت، او صحبت می کرد و می گفت که «یک استادی داشتم که در افغانستان زندان بود و در زندان انفرادی (۱۱۰۰۰) یازده هزار بار قرآن را از اول تا آخر تلاوت کرده بود» و به تأسی از او، وی هر یک یا دو ماه یک ختم قرآن تلاوت می نمود. او در مجموع آدم بسیار خوبی بود. موقعی که آزاد شدیم تقریباً همه جا با هم بودیم. از

می‌تواند رهبر شود؟ من به او گفته بودم که آقا (مقام معظم رهبری) شرایط لازم را دارد. شهید مزاری می‌گفت می‌خواهم به این روشن‌نگری شما تبریک



بگویم. او بسیار از این امر خوشنود بود و می‌گفت بسیار خوشحال شده‌ام و در رکعت نماز شکر خوانده‌ام چرا که انقلاب جهانی اسلام کسی را پیدا کرده است که خوب پیش می‌برد و این کشتی را به ساحل خواهد رساند. خداوند انشاء الله او را رحمت کند.

کمک می‌کردیم و از آنجا که یک برادر زجر دیده روحانی متدین در رأس شیعیان افغانستان بودند خیلی خوشحال بودم و از شهادت او من خیلی متأثر شدم ولی از آنجا که ظاهراً آدم‌های خوب شهید می‌شوند او هم شهید شد. از خدا می‌خواهم که روح بلند او را با ارواح طیبه شهدا و سالار شهیدان محشور کند.

شهید مزاری اصولاً نسبت به مسئولین کشور ما علی‌الخصوص حضرت امام و رهبر معظم و جناب آقای هاشمی علاقه‌مند و ارادتمند بودند. شاید آخرین دفعه‌ای که ایشان را دیدم بعد از رحلت حضرت امام (ره) در منزل حضرت امام (ره) در تهران بود که شهید مزاری سراغ من آمد. هدف وی از این ملاقات تبریک گفتن انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به من بود علت این امر این بود که او قبل از فوت حضرت امام (ره) و عدم تعیین قائم مقام رهبری از من سؤال کرد که بعد از حضرت امام که

همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی او به افغانستان رفت و پس از اشغال افغانستان به ایران آمد و با هم به اتفاق به دیدار شهید رجایی رفتیم. او برای مدتها اصلاً در تشکیلات سپاه پیش من بود و بعداً که وزارت امور خارجه مسئول این کار شد چندین بار به ملاقات هم رفتیم و بعد از رفتن مزاری به داخل افغانستان دیگر او را کمتر دیدم ولی تا وقتی مبارزه بود و او رفت و آمد می‌کرد او را می‌دیدم و صحبت می‌کردیم.



آن مدتی که او در مبارزه با دولت شوروی بود ما هرچه از دستان بر می‌آمد از طریق سپاه



بسم الله الرحمن الرحيم

بمؤمنان
بادام چینی

آشنای من، شهید مزار در سال ۱۳۵۵ از زندان اوین، «شکفته ماه طاقوت»
در بند ۱۲ زندان اوین با این طلبه جوان آشنا شدم. او در اطاقی بود که شهید حجت الاسلام العظیم
حقانی (از شهدای مقام تیر) در آن بود. من چون با شهید حقانی ارتباط صمیمانه داشتم
در رفت و آمد به اطاق وی، متوجه شهید مزار شدم و ویژگی‌های وی مرا جذب نمود.
در اوین دیدار که از او پرسیدم کتیت؟ و چرا به زندان افتاده است؟، شرح داد که از هزاره‌های
افتادگان است. و در حوزه مشهد در سر می‌خواند.
پسیدم چرا استیغرت کرده‌اند؟، با بختی آرام جواب داد: حیدر ناپ مصطفی! داشته‌ام.
اما نه اوین دیدارهای زندان، معمولاً در طرف هم اطمینان ندارند. اما احساس می‌کردم که هر دو ما
اطمینانی نمی‌داده بود.
در دیدارهای بعد، احاسر صداقت از او کردم. بهر وجه او علاقه شدم به ویژه که فهمیدم در راه
حضرت آیت الله عسکری (ع) در مشهد حاضر شده، و از مشرفان ایشان بهره‌مند شده است، و نظریات
ایشان به شدت او حواس‌گذاشته است.
او البته در باره دیدار من با امام خمینی، رفر به عراق هیچ نگفت. شاید خیال نبود در زندان این
موضوع شایع گردد.
در سال ۱۳۵۱ به ایران آمده بود. به من تقصیر در حوزه‌های علمی، و عالم دینی شدم.
در مشهد کمی درس خوانده بود، و پیش از آنکه در راه او اجازت کند، خیرش اندکی بود.
در حقیقت انقلاب حوزه و فضلا مبارز، که بهر اثر نهفت نام پیدا کرده بود، در او ابرام و پرمخود بود.
در مدت همین آگاهی، به قم سفر کرده بود. در قم تا سال ۵۴ در حوزه بود و سپس

به مقتى زيارت عتبات ، و شور و ميلار امام به عراق رفته بود . چهار ماه در عراق بود .
 امام او را مقول ساخته بود . از هاجا احسان رسالت افتاد به و از افغانستان كرده بود .
 مكتوب حكومت اسدى (بيانات امام در باره حكومت اسدى و ...) و عتبات كند دگر از مرز
 عراق به ايران آمده بود كه ~~بصورت~~ ^{بصورت} گستر شده ، به او اين كه شكفته گاه مخوف شده بود او را

بود .
 او را هم شكفته داده بودند . با اينكه تبعه شور افغانان بود ، و طاعت با ظاهر شاه ، و اوطاقى
 داشت .
 سنجاستند ارتباطات او را با امام دبا سازين بدانند ، اما با مقاومت جدى او پيچ افغانى
 از او بديست نياورده بودند .

دنيا چار پر از هم ماه زندان ، وى را تحت الحفظ به مرز برده ، به افغانان فرستاده
 در ايران نمائند .

در زندان شرح مفصلى از وضعيت عقب مانده مردم افغانان ، و حكومت دابنه ظاهر شاه ، و
 محلات مردم ، و در عين حال از شجاعت ، و مقاومت ملت افغان ، فراهم دارد . و نسبت
 به وضع شيعيان نيز مالى نيم صحبت كرد .

در حياط بندى اوين ، به او گفتم ، تنها راه نجات ملت افغانان ، ايجاد نهضت اسلامى است
 و اگر اين حركت ايجاد شود . گاهى ، و جهاد و شور و شوق مبارزه ، مردم را از رخوت
 و غفلت آزاد مى سازد .

گفت رهبرى در آفغانيت .
 بعد ما تاسفى نيم گفت شما در ايران خيلى راداريد و مراجع و علمائى شما در مبارزه هستند .
 اما در افغانان ، رهبرى نيست ، و اكثريت علماء هم تحرر لازم ندارند .

گفتم امام مال ما كه نيست مال همه جهان اسلام است . بويژه شيعيان ، و شما ميتوانيد با استفاده
 از اين فرصت كار را شروع كنيد . و رهبر هم لازم درون مردم ميروند . شما شروع كن
 و بدان كه خداست هم ميتوانى رهبرى كنى . و يا در حين حركت ، رهبرى شايسته نصيب شود .

دی به ذکر فرورفت و گفت "اَما خَیَلِ کَنتَ اَست .

اودر زندان به مدت از منافقین بدش می آمد . سَکِیَت اینها افکار کمونیستی دارند . و شما نمیدانید که کمونیستها حَقِیر بودند .
لذا با ما که برائت "نفق قنوا" از منافقین جدا شدیم . بر دِرم ارتباط خوبی داشت .
به شهید رجایی خَیَلِ عَلاقه شدیم . بود . شهید رجایی با بهادر رجایی هیچ هم رفیق دوست و بهادر
شما هم عزت سعیدی ، با هم بودند ، و لذا مرشد مزاری با آنها هم صمیمی شدیم . بود .
به شهید حقانی هم که تنها روحانی معتبر بند بود روابط دوستانه نگاه مباحثه دینی داشت .

ما را قبل از آزادی او از آن بند بردند . لذا مدتها اوراق میزدیم . البته نمیدانستم آزاد شده است .
وقتی که در نیمه دوم سال ۵۸ آزاد شدیم . نتوانستم خبر را از او بدست بیاورم زیرا معلوم است
که در زندان های آنروز دیده نشده است . اَما خاطره او بهرام باقی مانده بود مخصوصاً اظهار
خوبی جراز افغانستان که از او شنیده بودم .

پیر از پیر در انقلاب ، در بدر سر راه او را دیدیم . سریع در یک کب ، از سر گذشت ، و خود را
به بدر سر راه رسانده بود . قدر خاطرات گفتیم . افغانستان به مدت کمونیستها اقتداره بود .
و آنها ادراکه پیر از بازگشت به افغانستان به فعالیت فرهنگی آشکار ، و بیایک پنهان به راهت پرداخت
تعقیب قرار داده بودند .
او هم سرخشته بود به عراق ، سپس سوریه ، و بعد پاکستان ، سپس از سر بطور پنهانی دار افغانستان
شده بود و حالا با پیر در انقلاب اسلامی ایران آمده بود .

صمیمت از یک مبارزه طولانی شد . دی ~~و~~ آشنوع امیدوارتر از دوران زندان بود . از عدای
افغانستان به سره شهید بلخی سخن گفت که فعال شده اند . و حواش دو سال ۵۸ - ۵۷
خَیَلِ به مردم متدین افغانستان اثر گذاشته بود .

این بار شهید مزاری اعتماد بنفس محسوب داشت. و خود را بخاطر ادارات نجیبی از مبارزه کاملاً توانا می‌دانست
و این نکته بسیار قابل توجهی بود.

α . α . α

وی به افتخارات رفیع و در سال ۵۸ به ایران آمد. در حزب جمهوری اسلامی در اطاق ۲۰ ماهم
صفت بعضی کردیم. اطلاعات امیدوارکننده‌ای داشت. اطلاعاتی که در آن زمان
در آنروزها گروه‌های مختلف افغان به دفتر حزب می‌آوردند و انتظار تأیید و مصادقه‌های مختلف

داشتند. این گروه‌ها با اطلاعات کافی به این گروه‌ها داشت. و این اطلاعات موجب شد که در وقت
به این گروه‌ها با اطلاعات کافی به‌خود درگود. به‌ویژه که آنروزها کار سیستم اطلاعاتی کشور
شکل گرفته بود.

ما در حزب به ارضی می‌کردیم. اولین پیش‌گام‌های شهریه او و بعضی خدوات هر سرپرست
به نصفت افتخارات بود در حزب چاپ شد. و روزنامه جمهوری اسلامی، کمک دیگری به
این به ایران کرد.

باید گفت که از زمان نصر، در همین اوان انجام شد. و الحق این خدمت بزرگی به نصفت اسلامی
افتخارات بود که شعیان را گردآوری کرد. آفرینش داد. و متکفل نمود، و به آنها
تجربه‌های لازم را آفرخت.

α . α . α

تأسیسات پیر از تکلیف زمان نصر، عده‌ای دیگر هم به فکر تکلیف سازمان‌های با اسم‌های دیگر آمده
و بجای این‌ها همه نبردها را تمرین کردند و علیه اعداء اله و دشمنان اشغالگر با وحدت کامل بگرفتند.
با دیدهای قوی، یا رقابتی، یا مقام‌خواهی، و البته بعضی هم با انگیزه‌های صمیم، گروه‌های تازه
تأسیس کردند و طبعاً اعتداف پیدا کرد.
اینها معمولاً به حزب مراجع می‌کردند و انتظار همه نوع کمک داشتند. و گاه هم اطلاعات می‌دادند
به آنها تقسیم می‌شد. و یکی از گران‌ها و نااحتی‌های شهید مزاری همین بود.

پیر از چند سال، با هدایت ها و تذکرات برادران ایرانی، و با علاقه مندی و محبت شهید نزاری
زمینه برای وحدت نامیده و در سال ۵۸ پیر از ماهها بحث بین گروهها، با افزوده
در مباحثات، سیاق به ماده ای وحدت، ایضا شده و حزب وحدت اسلامی افغانستان
رسمی تشکیل گردید. و شهید نزاری بعنوان دبیر کل انتخاب شد.

آندروزها، از دست و پایی کلمات غمناک بود. که چنین وحدتی دارد پدید می آید. چه به سادگی
از این وحدت راه گز از خاطر نمی برم. همراه با دو گزشتگی خاطر، که یکی دلبر داشت که
این بار سنگین را با همه شکلات نتواند به منزل برساند، و دوم اینکه "فردنگری ها"
و "خودنگری ها" و "گروه نگری ها" مبارک اندازند که وحدت، تحقق یابد.

× . × . ×

شهید نزاری در این سالها انسان کار آزموده و با صلاح "نخته ای" شده بود. و کمتر شخصیت افغان نزاری
بود که ویژگیهای او را داشته باشد. از سابقان خانراگ و پیرگزشتن در محرمیت ها، تا در
دوران مبارزه انقلابیون نهضت امام فنی، و مشاهده به خوردها و درگیری های (دولت گروها)،
و مبارزاتی در ایران، افغانستان، و آستان با سازماندهی و شکست، و تسلط به چهار
دستگاه های مبارزاتی، و شناخت عمیق از علت و کور افغانستان، و آگاهی به مسائل سیاسی و
اجتماعی و اقتصادی، و اطلاع بر توطئه ها و ترفندهای استکباری، و ارتباط با امام و معتمدین
و مسئولان ایران اسلامی، و راههای تاحین اسلام و بوجه مبارزاتی، و نقش و انتقال نیروها
و سایر مواردی که به علت اقصا هر حرف نظر می شود.

مستندین گفته این بود که او "اسلام دلاست"، "امامت است" را شناخته بود. اسدوی که
بسبب وجود "امام" از کج غمی ها، دگر دیها، و التقاطها و انحرافها، مصون می ماند،
و در غنچه های سیاسی روزگار، میتواند امت را به سر منزل مقصود، راهنما کند.

البته اینکه او تا چه حد توانست این شناخت از سمن را در عمل و در هدایت و مدیریت نیروهای
تحت فرمان خود در محیط نفوذ و جوی خود پیاده کند سمن دیگری است.

زیرا به گمانیکه آنان درگیر آبرو بارزه و اداره ادراست . نگاه واقعیاتها بر او مستلزم را
تحقیق می کنند که دلخواهترین نیست ، و یا فشارها و تحوُّها ، و اطلاعات غلط ، و تهازیه می کنند
نقطه ~~که~~ او را به میزهای می برند بر با هواست قلبی و ایده های او انطباق ندارند ، و همه
منار ~~هم~~ در دورانی انضباط بوده است .

این را هم میدانم که همواره پیراز گذشت هر جریان و عارضه آن ، عده ای محلی می کنند که اگر انضباط
نمی شد ، آنطور نمی شد ، و یا حیران انگیز را کرد ؟ و یا ...

اما این یک واقعیت است که شهید مزاری عضو خدمت ، علاقه به نکات افتخارات ،
و سعادت مند ملت همان افغان بود .

او در طول این سالها ، در پی جمع آوردن الاف و ادا نمود . ساده زیستی و زندگی در کنار همزبانان
تا آخرین لحظات عمر به شایستگی حفظ کرد . اهل خدمت و صداقتی افغانی نبود .
انسان شجاع و الودری بود . بسیار وفادار بود .

α . α . α

این ضمیمه از دست است که آنرا که بر قیاس بالائی دارد . هزاران ترجمه به ارادیت دارا می شود
اما در خطه ناکتین بر اصل ، باز در کنار همه مانی می ماند .

او وقتی که کابل در معرض خطر بود و غرب کابل از همه طرف مورد تهاجم بود به بقعه که به او
توصیه میکردند زودتر خارج شود . و خود را بجا بار بار می زد . تا آنکه کابل گرفت ؛
« من تا آخرین لحظه در کنار مردم مظلوم غرب کابل خواهم ماند و در آخر سرنوشتم با اوست
است و یا سهاوت »

این جهالت مال آن نهایی شجاع ، جهان بیگرفته است . سیاستمداران محرومان ، محافظه کاران صغیره
دنیا و جهان ، مقام طلبان ، اهل این بر نامه ها نیستند .

این روحیه ها ، مال انسانهای " بهشتی گونه " است که سهاوت ، حقوق و محبوب آنهاست ،
و بیکر و بیخ درستی ، و هیچ منافقی و ملحدی ، نمی تواند آنها را از " شکرگ " ترساند .

جانب است که شهید مزاری ، هم "اسیر" است و هم "شهید" است .
گروه طالبان او را با نامردی ، به اسارت بردند . رفتار زشتی کردند که ننگ تاریخی
و ابدی بر آفریناست .
و خداوند چه زیبا کارها دارد .

پیوندگزار

مکملهای آفرین سمات عمر مزاری را در شریات و هابیت ابریه که چاب پیر نند ،
چهره آرام ، مستی ، مظلومیت مقدرانه ، او در این مکملها ، حکایتی گفت است .
دست و پا بسته او ، نشان اینست که از این "آزاده اسیر" می هر اسیده اند .
و حقیقت "ان نهای بزرگ تاریخ" بزرگند که دشمنان آنها در حالیکه بر آنها تسلط یافته اند
باز احاسر بیم و ترس ، در بونی در مقابل آنها دارند و این از این بزرگواران است که با خداوند آفرین
این مکملها که در پایان یک عمر جهاد و فداکار گرفته شده اند ، نشان این هستند که مزاری
و مزاری ها از شهادت و بزرگ در راه خدا استقبال می کنند . و دلیل عظمت روح آنهاست .
و همچنین این مکملها ، دلیلی بر بونی و جشگری مدعیان اسلام است و چه نه آگاهانه یا ناخود
آگاهانه هدایت نبیانه امری است .

زهر خند بر لبان موجود مغکونی که گوی شهید مزاری را در حاکمیت دست و پا بسته است نشان
رساند بکتوب ، ننگ از اجمال خداوندی با مزاری است .
و شکسته مزاری ، دلیلی بر زشتی در روان رفتار دشمنان اوست .

× . × . ×

من الله مزاری را "مطلق" نمی کنم . هر آن بی فراز و نشیب دارد . شایه در این سالهای اخیر
شهید مزاری انقباضات و انقباضات را تجربه کرده که کار را به این مشکلات کشاند .
رایجیتر به تقصیلات و ریافت های خود و دولت تر شکنی گردید . اما در هر آن بی
و هر موردی باید محو که را در نظر گرفت .

در مجموع شهید مزاری ، اثر بی خند دم برد و مبارزی نشود ، و دارای توانی در بحث در

□ فرازهایی از سخنرانی حضرت آیت الله امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران در رابطه با شهادت استاد مزاری

آیت الله امامی کاشانی در خطبه دوم نماز جمعه چنین فرمودند:	اسلام و بویژه مسلمانان افغانستان می دانیم. ایشان ادامه دادند:	رهبر حزب وحدت (عبداللهی مزاری) اقدام ظالمانه بوده و ادامه دادند این اقدام دشمنان باید به
این عمل ناجوانمردانه و ظالمانه استکبار جهانی و آمریکا که به دست گروهی فاسد و مفسد انجام شد را توطئه ای علیه جهان	مردم مسلمان افغانستان باید بدانند که هدف اصلی استکبار جهانی ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی است و به شهادت رساندن	مثابه زنگ خطری برای همه مسلمانان جهان و وحدت شیعه و سنی باشد.

□ فرازهایی از سخنان حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای مسیح مهاجری مشاور رئیس جمهور

آقای مهاجری که به نمایندگی از سوی مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری و ملت شریف ایران در رأس هیأتی جهت بزرگداشت مقام شهید مزاری به مزار شریف مسافرت کرده	بودند، در جمع مردم در مدرسه سلطانیه مزار چنین گفتند: توطئه های استکبار و دشمنان پایان نیافته و رمز پیروزی بر دشمن اتحاد بین همه اقشار و گروههاست عاملین جنایت به	شهادت رسانیدن آقای مزاری بدون تردید باید مجازات شوند و تنها راه آن تشکیل حکومت اسلامی و مستقل و وحدت و یکدلی مردم است.
--	--	--

از زبان یار

دیدگاه استاد عرفانی در خصوص شخصیت شهید مزاری

استاد شهید مزاری رحمه الله علیه یکی از اهدافش تشکیل امت واحده جهان اسلام بود چنانکه برابر پرسش یکی از خبرنگاران گفته بود: «بزرگترین آرزوی من تشکیل حکومت اسلامی است» او آرزو داشت در اثر یک تغییر و تحول کلی در سطح رهبری کشورهای اسلامی، حاکمیت انقلاب اسلامی به وجود آید که وابسته به استکبار جهانی نباشد.

تماسهای وی با جنبشهای اسلامی و رهایی بخش در سطح کشورها، دلیل بر این مدعی

است. شهید مزاری همواره می فرمود: «تا زمانی که کشورهای اسلامی حالت وابستگی به بلوک استکباری داشته باشد تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد امت واحده ممکن نیست».

رهبر شهید مزاری ره در رابطه با نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مرکز انقلاب اسلامی و «ام القری» جهان اسلام می نگریست. که زمینه ساز یک تغییر اساسی در نگرش جهان بینی اسلامی باشد. او دقیقاً مرید و مقلد امام خمینی (قدس سره شریف) بود و از وی

بعنوان رهبر کبیر جهان اسلام یاد می کرد، رهبری که یک تحول اساسی و بزرگ در تاریخ معاصر بوجود آورده است.

شهید مزاری در دورانی که در حوزه علمیه قم تحصیل می کردند از یاران صمیمی و نزدیک حضرت آیه الله خامنه ای بود. علیرغم جو اختناق و پلیسی رژیم شاهنشاهی در آن روز، وی بی باکانه پاک و صادقانه همکاری داشت و به خاطر پی ریزی یک حاکمیت انقلابی جهانی فعالیت می نمود. همین ارتباط بود که بدست «ساواک» افتاد و مدتی

هم زندانی و شکنجه شد.

هر چند ویژگیهای استاد مزاری زیاد است اما من به دو ویژگی وی اشاره می‌کنم:

استاد مزاری به نظر من یک انسان استثنایی بود و خصلتهای زیادی داشت. قاطعیت، صراحت، مقاومت، مدبر و پرکار بود که با هدف مندی حرکت می‌کرد. البته من به بعضی از آن ویژگیها اشاره می‌کنم:

در شرایط کنونی افغانستان که سردمداران و رهبران احزاب بخاطر رسیدن به مقام و ریاست، اختلاف بین ملیتها را دامن می‌زنند و هر کدام ادعا دارند که ملیت و قبیله خود را نجات می‌دهند که متأسفانه این حربۀ کشنده آنچنان کارگر افتاده که ملیتهای افغانستان که اصولاً با هم برادر هستند، امروز بجان یکدیگر افتاده‌اند و همدیگر را از بین می‌برند.

استاد مزاری در چنین شرایط وحدت ملی را در افغانستان مطرح می‌کنند و تنها راه نجات کشورها را در تأمین وحدت ملی

می‌دانند. به همین خاطر او عملاً اقدام می‌کند و از مردم پشتون، ازبک، هزاره یک ملیت برادر و هماهنگ می‌سازد و برای تأمین این وحدت شورای عالی هماهنگی را عنوان می‌کنند.

او تلاش دارد که ملیت تاجیک را در این جرگه وارد کند تا وحدت ملی تأمین گردد. او اولین کسی است که برای نجات افغانستان و رهایی از بن‌بست موجود طرح چهارجانبه را مطرح می‌کند. بدین معنی که اگر از وجهه سیاسی قضیه را بررسی کنیم در افغانستان چهار حزب و گروه بیشتر مؤثر می‌باشد و می‌تواند تغییراتی اساسی ایجاد کنند. حزب وحدت اسلامی افغانستان، جنبش ملی اسلامی افغانستان، و جمعیت اسلامی افغانستان که اگر این چهار گروه متحد و هماهنگ عمل کند مسلماً می‌تواند افغانستان را نجات بدهند و اگر از نگاه ملی با قضایا برخورد نمائیم باز هم در

افغانستان چهار ملیت بزرگ وجود دارد. ملیت هزاره، ملیت پشتون، ملیت ازبک، و ملیت تاجیک. که این طرح شامل چهار ملیت و چهار حزب سیاسی می‌باشد. و این طرح از سوی بسیاری از کشورها و محافل جهانی و اکثر ملیتهای ساکن در افغانستان مورد تأیید قرار گرفت. استاد شهید مزاری با تمام وجود سعی در نجات ملت، افغانستان و پیاده کردن حکومت اسلامی به معنای واقعی را داشتند که بسیار در این راه تلاش نمودند ولی کوردلان و دشمنان عزت و سربلندی اسلام نتوانستند موفقیت‌های یک سرباز بلند آوازه اسلام انقلابی را تحمل نموده و با انواع دسایس او را به شهادت رساندند. خداوند او را قرین رحمت خویش قرار دهد. انشاءالله

از زیاده‌پار

□ دیدگاه رهبر شهید استاد مزاری در رابطه با امت واحده‌ی اسلامی، نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی ایران در گفتگو با آقای مصطفی محمدی داماد شهید مزاری

می‌باشد و ایشان نظرشانرا اینگونه بیان داشته بودند: «حضور شما عرض شود در رابطه با مسئله جنبش‌های اسلامی از اینکه ما امت واحده اسلامی هستیم و اسلام یک امت است و کفر هم یک امت است یعنی غیر از این فرقه چه شرق باشد چه غرب، یک کفر است، مسلمانها هم چه در شرق و چه در غرب یک امت است و برای تشکیل این امت واحده اسلامی را باید تشکیل بدهیم که به عقیده‌ی ما این سه راه از این قرار می‌باشد:

۱- اینکه سران کشورهای

می‌کند که بدون تفسیر و یا ابراز نظر شخصی مستقیماً دیدگاه‌های رهبر شهید را بازگو کنیم.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران امت واحده اسلامی مورد بحث و گفتگوها قرار داشته و هرکس به شکلی نظرات‌شان را بیان نموده که رهبر شهید استاد مزاری نیز راه عملی تشکیل یک امت واحد اسلامی را مناسبت‌های مختلف بیان داشته‌اند که یکی از آنها در مصاحبه‌ای با یک تن از اعضای سازمان آزادی بخش جزیره العرب به تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۵

از آنجائیکه شخصیت‌ها و قلم بدستان چیره دست باید دیدگاه‌های رهبر شهید را بررسی و ارزیابی کنند، خود را لایق آن نمی‌دانم که افکار استاد شهید را مورد بررسی قرار بدهم. اما خوشبختانه از آنجائیکه نظرات و دیدگاه‌های ایشان در زمینه، طی مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها موجود می‌باشد ما را در این امر مهم یاری می‌رساند که لااقل این نظرات را از نظر خوانندگان بگذرانیم. از طرف دیگر چون سخنان استاد مزاری به زبان ساده و همه فهم بیان شده ما را کمک

مسلمان‌ها به وجود آورد حالا بوده که رهبر شهید آشنایی بسیار



تنگاتنگ با آنها داشتند. دیدگاه‌های رهبر شهید استاد مزاری در مورد قضیه فلسطین بسیار ارزشمند بوده و عمق خواسته‌های مردم فلسطین را در شرایطی که هنوز انتفاضه به وجود نیامده بود از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. ایشان در مصاحبه با مجله حبل‌الله در سال ۱۳۶۵ اینگونه اظهار عقیده نمودند: «ما یک وقتی که یک سمینار درباره فلسطین بود در آنجا مطرح کردیم که ما فلسطین را می‌خواهیم، فلسطین قلب مسلمانهاست و آرمان

برای این نهضت‌ها چند چیز ضروری است که انجام بدهند و در نظر بگیرند...»

رهبر شهید استاد مزاری زمانی که یک مفکوره را بیان می‌داشتند دنبال آن عملاً دست به کار می‌شدند و برای تحقق آن تلاش و کوشش فراوان می‌نمودند که نزدیکی ایشان با نهضت‌های آزادی بخش لبنان، جزیره العرب، عراق، فلسطین، پاکستان، ترکیه، بحرین و اخیراً کشورهای اسلامی تازه استقلال یافته آسیای میانه و کشمیر و الجزایر و ... بیانگر همین امر

اسلامی را به وحدت دعوت کنیم و به همکاری دعوت کنیم.

۲- اینکه خود مسلمان‌ها را که یک میلیارد می‌شوند متحد کنیم.

۳- اینکه جنبش‌های اسلامی را متحد کنیم.

به عقیده ما دوتای اولی عملی نیست فقط یکی آن قابل عمل است. برای اینکه سران کشورهای اسلامی کلاً مستقل نیستند یعنی وابسته به شرق و غرب هستند و عمل ابر قدرت‌ها هستند پس اتحاد دادن اینها ثمری برای اتحاد ملت اسلامی ندارد. اما قسمت دومش، خود مردم مسلمان می‌باشد که اتحاد دادن یک

میلیارد مسلمان با زبان‌های مختلف و جغرافیای دور از هم غیر ممکن است. تنها راهش که امت اسلامی، یعنی امت واحدی تشکیل شود، حکومت جهانی اسلامی در آینده تشکیل شود، آن نهضت‌های اسلامی است، یعنی از راه نهضت‌های اسلامی می‌شود که اتحادی در بین

مسلمانهاست در صورتی که با آرمان مردم فلسطین، با آرمان مبارزین مسلمان فلسطین خود را وفق بدهند و با این طرز مبارزه بکنند و آن مسئله اسلامی بودن فلسطین است چون اگر مسئله اسلامی بودن را از فلسطین بگیریم هیچ وجه مشترکی بین فلسطینی‌ها و باقی مسلمان‌ها وجود ندارد. این مسئله است، که عظمت فلسطین این است که اسلامی بودن را در فلسطین حفظ بکنیم و مبارزه باید اسلامی باشد و عجیب اینجاست که اسرائیل که در مقابل اینها حق شانرا غصب کرده و سرزمین شانرا عصب کرده از انگیزه مذهبی استفاده می‌کند، از یهودیت که در دنیا یک اقلیت پیش نیست استفاده می‌کند ولی فلسطینی‌ها که بالاترین مقدسات اسلامی در آنجاست که قبله اول مسلمین در فلسطین است و مبارزین‌شان وقتی که آنجا مبارزه می‌کنند اعلان می‌کنند بعنوان اینکه یک حکومت غیر مذهبی تشکیل

می‌دهیم، یک حکومت دموکراتیک آزاد که پابند به مذهب نباشد و این اشتباه بزرگ است برای مبارزین فلسطینی که یاسر عرفات بود و است و ما معتقدیم که آزادی فلسطین بدست مسلمانها امکانش است و آنگاه از مبارزین فلسطینی حمایت شود و حمایت جهانی به وجود می‌آید که اینها خط مبارزه‌ی شانرا اسلامی بکنند.

فلسطینی‌ها حتی از دشمنشان درس نمی‌گیرند که آنها با این اقلیت کل یهودی‌های دنیا را بسیج می‌کنند و سرزمین فلسطین را اشغال می‌کنند ریشه‌ی مذهبی برایش درست می‌کنند ولی در مقابل یک میلیارد مسلمان دلش برای فلسطین می‌سوزد و حاضر هستند از جان و مال کمک بکنند و رهبران فلسطینی در آنجا داد می‌زنند، گاهی از عربیت و گاهی هم از حکومت غیر مذهبی، لذا شکست بزرگ برای عرفات همین است وقتی که این شکست را خورد ذلیلانه و عاجزانه گاهی

به در آن سیاست می‌زند. ما معتقدیم سرزمین که به زور اشغال شده باید دشمن به زور از آن سرزمین بیرون شود یک کسی که می‌آید به زور اشغال می‌کند سرزمین و خانه کسی را به زاری بیرون نمی‌شود این دو سه تا اشتباه بزرگ برای یاسر عرفات بوده و تمامی مجاهدین و مردم مسلمان فلسطین اگر تجدید نظر نکنند در مسئله انقلاب بجایی نمی‌رسند و حمایت مختصری هم که مسلمان‌ها از این انقلاب داشته آن هم از دست خواهد رفت.»

مسلمان با این دیدگاه رهبر شهید از انتفاضه (حرکت خود جوش مردمی) مسلمانان فلسطینی، که خواست همه مسلمانان می‌باشد منظور نظرشان بوده و انتفاضه پر و سه می‌باشد که با انگیزه اسلامی به وجود آمده که خوف صهیونیست‌ها را صد چندان نموده است.

یکی از کشورهای اسلامی که کانون بحران می‌باشد کشور مصر

است که رهبر شهید در این مورد نظرات شائرا در یک مصاحبه‌ی دیگر اینگونه بیان فرمودند: «از نظر ما چند سرزمین از ویژگی خاصی برخوردار است. با اینکه ما معتقد به تشکیل امت واحده در سطح جهان هستیم ولی اهمیت برخی نقاط را نادیده گرفته نمی‌توانیم. که این سرزمین‌ها عبارت از جزیره العرب که قبله‌ی مسلمین و بیت الحرام و اماکن مقدسه در آن واقع است، عراق که حوزه‌های علمیه مسلمین و اماکن مقدسه‌ای چون حرم امام علی (ع) و امام حسین (ع) و... در آن موقعیت دارد، فلسطین و بیت المقدس و دیگری مصر است که از نگاه فرهنگ اسلامی و حوزه‌های اسلامی در جهان اهمیت به سزایی دارد. علاوه بر اینکه علما و شخصیت‌های مبارز در این کشور دارد و روزگاری مصر پیش‌تاز مبارزه‌ی اسلامی در جهان بوده.

ما تنها راه نجات جهان اسلام

را آزاد کردن این سه منطقه‌ی متذکره می‌دانیم و برای جهان اسلام آزادی این مناطق امر حیاتی است. بنابر این مبارزات مردم مسلمان مصر از دیدگاه ما اهمیت خاصی دارد و این مبارزه را مبارزه خود می‌دانیم چه از نظر مذهبی و دینی و چه از نظر سیاسی و جهانی. ما همدردی و همکاری خود می‌دانیم چه از نظر مذهبی و دینی و چه از نظر سیاسی و جهانی. ما همدردی و همکاری خود را با مبارزین مسلمان مصری اعلام می‌داریم. بخصوص اینکه در این اخیر سیاست لاشرقی و لا غربی را علیه رژیم منحنط و دیکتاتور سادات معدوم نامبارک در پیش گرفته‌اند اگر مبارزین مصری از سوی رژیم آمریکایی مبارک ضربه می‌بیند این ضربه‌ای است که ما خورده‌ایم. ما خود را در غم و شادی ملت مصر شریک دانسته و امیدواریم این مبارزین عزیز که این حرکت را آغاز کرده‌اند به زودی پیروز گردند و

بر مخروبه‌های حکومت فرعون‌ی و این سرزمین کهن سال اسلامی نظام اصیل اسلامی را پیاده سازند و حوزه‌های علمیه اسلامی را به دست مسلمانان واقعی بسپارند.»

رهبر شهید درد مردم مسلمان لبنان را در مصاحبه خود با مجله حبل الله چنین شرح دادند: «مسئله لبنان از جهاتی حساس بوده، چه از نگاه آب و هوا، چه اینکه در وسط کشورهای عربی قرار گرفته و چه اینکه هم مرز است با کشور اشغالی فلسطین، لذا استعمارگران از دیر زمان در آنجا برنامه‌های عجیب و غریب را مطرح کردند که عبارت از حکومت آن می‌باشد که مسئله حکومت را روی پایه‌ی نژاد و مذهب پایه‌گذاری کرده، که تشکیل حکومت را اینگونه گفتند که رئیس جمهور مسیحی، نخست وزیر از برادران تسنن و رئیس مجلس هم باید از شیعه‌ها باشد، اینگونه تقسیم بندی نه از نگاه اسلامی درست است و نه هم از نگاه حکومت‌هایی که شرق و

غرب تشکیل می‌دهند. باز یک همچو حکومتی نامطلوب است. یعنی غرب امروز انتخابات و مسئله پارلمان را مطرح می‌کند. اگر به بلوک شرق نگاه کنیم در چین و روسیه و .. حزب حاکم است، باز معیاری که در لبنان مطرح است در کشورهای مارکسیستی هم نیست از نگاه اسلام که اصلاً درست نیست از نگاه اسلامی که یک همچو حکومت تقسیمی به وجود بیاید درست نمی‌باشد. در حکومت اسلامی باید معیارهای تقوا و ارزشهای اسلامی، انسانی حاکم باشد، لذا این نوع حکومت از نگاه حکومت‌های دنیا مردود و درست نمی‌باشد. بعد در اینجا ایادی شرق و غرب دست‌گذاشته و مردم را به اختلافات و جنگ می‌کشاند در لبنان تعدادی هستند که حکومت اسلامی می‌خواهند و تلاش می‌کنند. در لبنان یک اکثریت قاطع مردم مسلمان‌اند و باید مسلمانان حکومت خود شانرا انتخاب کنند که آنهم

حکومت اسلامی است.» علاوه بر کشورهای اسلامی که نظرات رهبر شهید استاد مزاری را بیان کردیم ایشان در مورد کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، الجزایر، عراق و... نظرات روشنگرانه‌ای دارند که اگر مد نظر گرفته شود تمام مشکلات منطقه حل خواهد شد. زمانیکه شهید مزاری عزم و قصد ادامه تحصیل در خارج می‌گیرند راهی ایران و عراق می‌گردند از آنجا که جو قم جوی حوزوی و سیاسی بود قم را برای ادامه تحصیل انتخاب کردند. از ابتدای ورود به حوزه قم با مسایل سیاسی به خصوص مبارزات امام خمینی آشنا گردیده و آن را برگزیدند و با علاقه‌مندی خط امام را دنبال کردند.

علاوه بر تماس با شخصیت‌های تراز اول پیروان امام در ترویج افکار و اندیشه امام خمینی به افغانستان نیز گام‌هایی برداشتند. آشنایی اینجانب با استاد شهید

مزاری نیز از این زمان شروع شد، ایشان از طریق کتابهایی که در اختیار من قرار دادند بسیار در هدایت من نقش داشتند در زمانی که استاد مزاری نام و کتابهای امام را در افغانستان تبلیغ می‌نمودند کمتر کسی این جرأت را داشت تا نام امام خمینی را بر زبان آورد اما شهید مزاری از محدود کسانی بودند که علاوه بر نمایندگی امام در افغانستان با تمام قوا در شناسائی خط امام به مردم افغانستان کوشش نمودند که در این امر موفق هم گردیدند. رهبر شهید پس از دیدار با امام در عراق در زمانی که کتب و اعلامیه‌های حضرت امام را با خود به داخل کشور حمل می‌کردند توسط ساواک شناسایی و در قم دستگیر گردیدند. و در سخت‌ترین شرایط در زندانهای رژیم منفور شاه چهار ماه گرفتار بودند از آنجایی که شهید مزاری ریش بلند و انبوه داشتند شکنجه‌گران ساواک سیگار را به صورت ایشان خاموش می‌کردند

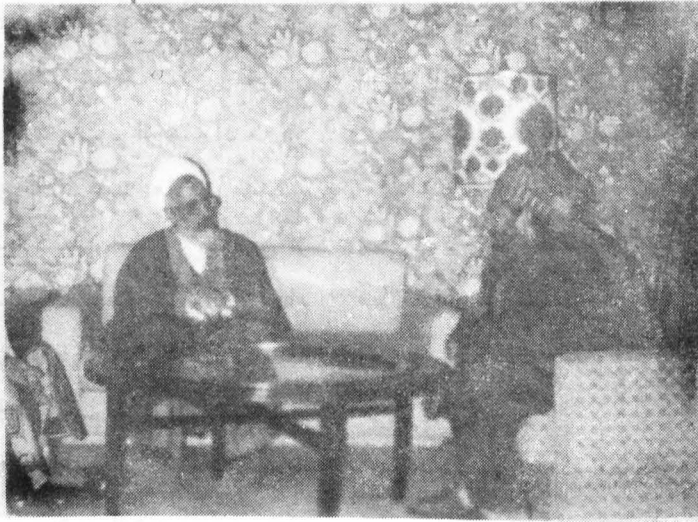
و این شکنجه به شکل یک برنامه منظم و همه روزه در آمده بود . پس از عزیمت شهید به افغانستان در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران کمونیستها و عوامل آنها پایگاههای شهید مزاری را مورد حمله قرار می دادند و می گفتند حمله کنید و بچه های (امام) خمینی را زنده نگذارید. استاد به ولایت فقیه علاقه فراوانی داشت بخاطر همین طرز تفکر اکثر بستگان به خصوص پدر محترم و برادرانش را از دست داد. ایشان در یکی از آخرین سخنرانیهای خود از تأثیر پذیری خود از امام چنین گفت: از اینکه انقلاب اسلامی به رهبری یک مرجع عالی دینی به پیروزی رسید و من در این راه زندانها و مشکلات دیده بودم در شکل گیری شخصیت من تأثیر فراوانی داشت. رهبر شهید با مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای آشنا و دوست دوران طلبگی بودند. از آنجائیکه حضرت امام خمینی (ره) مقام

معظم رهبری را در مسئله افغانستان تعیین نموده بودند و از طرفی هر روز گروههای تازه در افغانستان به وجود می آمد استاد شهید نقل می کردند که: آیت الله خامنه ای از نظر او درباره برخی احزاب و گروههای کنونی سؤال می کرده است. همه توطئه ها علیه رهبر شهید بخاطر این بود که ایشان شیعه را در افغانستان زنده و سربلند کردند. هر گاه دشمنان ما خواستند که به ما ضربه بزنند اگر شیعه در افغانستان قوی شد می گویند حزب وحدت طرفدار ایران زیرا با این گفته می خواهند آمریکا و اذنباش را بر علیه ما تحریک کنند و ما را از مرکز شیعه یعنی ایران جدا و شیعیان افغانستان را بطور همیشه در موضع ضعف نگاه دارند. ما باید هوشیار باشیم که بخاطر تبلیغات نژادی، مذهبی و ... مذهب و نژاد ما را هدف نهایی قرار ندهند چون در هر دو صورت دشمنان ما می خواهند شیعه را که در وجود اکثر هزاره های افغانستان خلاصه

می شود، هدف قرار داده و از صحنه حذف کنند.

رهبر شهید در موارد گوناگون نظرات خود را راجع به انقلاب اسلامی ایران، شخصیت امام راحل (ره)، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رابطه فرهنگی و مذهبی با ایران و ... بیان می نمودند که علت اصلی تهاجم سیاف و دولت به مواضع حزب وحدت اسلامی علاقه شدید حزب وحدت اسلامی به جمهوری اسلامی ایران و حضرت امام خمینی (ره) بوده است و چنین می گویند:

«متأسفانه در ۱۴ جوزای ۱۳۷۱ (۱۴ خرداد ۱۳۷۱) از طرف اتحاد اسلامی سیاف بالای مواضع ما حمله شد، آن هم در وقتی که ما با آقای مجددی مشوره کرده بودیم و به توافق رسیده بودیم که به دولت عمومی شرکت کنیم و این توافق با هیات شورای جهادی صورت گرفته بود ولی هنوز اعلام نشده بود که این جنگ پیش آمد و این جنگ



هم وقتی انتخاب شده بود که شما می‌دانید مردم ما با امام خمینی (ره) علاقه داشته و به عنوان رهبر جهان اسلام و رهبر سیاسی احترام می‌گذاشتند و ما می‌خواستیم سالروز رحلت امام خمینی (ره) را مراسم بگیریم، در زمان حکومت نجیب هم مردم ما این تجلیل را گرفته بودند و حکومت نجیب هم اجازه داده بود که اینها به یک رهبر مذهبی احترام قایل شوند، این بود که مردم ما آمادگی گرفته بودند که مراسم را برگزار کنند ولی آنها در همین روز حمله کردند.»

سیاف با حمله به حزب وحدت اسلامی افغانستان در سالروز مراسم رحلت امام خمینی (ره) صداقت خود به عربستان سعودی و وهابیت و آمریکا را ثابت کرد اما دیگران نیز به خاطر اینکه از قافله عقب نمانند سرسپردگی خود را توسط یک خیانت دیگر به نمایش گذاردند و با همدستی یکدیگر طرح تجاوز در افشار را به خاطر

عشق شیعه به ایران و درست در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی ۲۲ بهمن ریختند استاد مزاری با قاطعیت تمام به دشمنان گوشزد می‌کند که: از آن جادو این گونه یادآور می‌شوند: «رابطه فرهنگی ما با ایران مسئله‌ای است که کسی نمی‌تواند انکار کند و تمام مردم افغانستان در آن شریک هستند، در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جهان اسلام و ایران هماهنگی‌هایی دارند. در همین روز ۲۲ دلو (بهمن) اینها سر افشار حمله کردند و چند قوماندان خائن را خریدند و این

فجایع پیش آمد... چه آنهایی که بی طرف بودند و چه آنهایی که در بعضی تنظیم وابسته بودند اسیر شدند، غارت و چپاول شدند این مسایلی بود که بسیار دور از انصاف و دور از حریم جهاد بود و ۷۲ نفر از مردم ما را از آنجا اسیر کردند که آنها تا حال اسیر هستند»

آری دشمنان خونخوار ما روزی که بازار جنگ مذهبی گرم بود ما را به عنوان شیعه به توپ و تانک بستند و کشتند و اسیر نمودند و هستی ما را به چپاول بردند، ولی زمانی که حربه مذهبی رنگ باخت باز همین

تمام خناسان دست به دست هم دادند تا صدای حق او را خاموش کنند اما فریادهای عدالت خواهانه او هر روز زنده‌تر می‌شود و حقانیت او توأم با مظلومیتش بخصوص در ماههای اخیر عمر شریفش آشکارتر می‌گردد.

به امید روزی که اندیشه‌های نابش به تصویر کشیده شود.

شعیه را بنام یک قوم و نژاد کوبیدند و همان بلا را تکرار کردند. عجیب‌تر از همه اینکه در هر دو شکل قضیه با تنها ماندیم. رهبر شهید استاد مزاری از علاقمندان خط مبارزاتی امام خمینی (ره) بودند در این رابطه در زمان رژیم شاهی در ایران به زندان افتادند و شکنجه‌ها دیدند او از مروجین افکار انقلابی امام خمینی (ره) در افغانستان بودند اما قبل از اینکه دوستان قدر آنرا می‌شناختند دشمنان شناختند، لذا



از زبان یار

□ شهید مزاری از دیدگاه آیت الله صالحی



بهره‌مند شده و راه دشوار مبارزات بعدی خویش بر اساس و برنامه‌ای که آن بزرگوار تنظیم کرده بود دنبال کنند.

اشاره:

زندگی

در باره شخصیت، زندگانی و دیدگاه‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری (ره) می‌توان از ابعاد گوناگون و از زوایای مختلفی نظر کرد و بحث‌های قابل توجهی را ارائه کرد، ولی این مسئله وقت و حوصله زیادی را می‌طلبد و شایسته‌تر آن بود که محققین و نویسندگان و پژوهشگران به دور از گرایش‌های سیاسی و گروهی و...

سراسر مبارزه و مجاهدت‌های آن مرد بزرگ را و مسائلی را که ایشان در طول دوران جهاد و قبل و بعد از آن با آن مواجه بوده و با هزاران مشکلات و خون دل خوردن با آن دست و پنجه نرم کرده است را به بحث و رشته تحریر در می‌آوردند و تقدیم به نسل‌های آینده می‌کردند تا آنها از رشادتهای آن مرد بزرگ

امید، از خداوند آرزوی توفیق همه را در این مسیر خواسته و آرزومندم که همچون استاد بزرگ و مزاری قهرمان خالصانه و صادقانه خدمتگذار مردم خویش باشند.

پاسخ داده و باشد که مورد قبول روح بلند استاد شهید واقع گردد. این نکته را نیز یادآور شوم که برادران محترم و فرهنگیان عزیز در مورد زندگانی و مبارزات و... استاد شهید گامهائی را برداشته‌اند که جای تقدیر و باعث مسرت و

البته کارنامه سیاسی و مبارزاتی و نگرشهای فکری استاد را نمی‌شود در چند سطر کوتاه خلاصه کرد ولی از باب اینکه «آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید» به سؤالهای مطرح شده

چگونگی نگرش استاد شهید در باره اسلام و مسلمانان جهان

سخنرانی‌اش به مردم خود توصیه می‌کند که: «ما از شما تقاضا می‌کنیم که در مسجدها شبها جمع شوید احیاء بگذارید و دعا بکنید که خداوند شما را یاری بکند» از سوی دیگر استاد (ره) از وضعیت کنونی مسلمانان و جوی که بر آنها حاکم است به شدت رنج می‌برد و معتقد بود که مسلمانان جهان باید این آیه مبارکه قرآن مجید را سر مشق قرار دهند «ان هذه امتکم امة واحدة» و به آن بدرستی عمل کنند و یک حکومت اسلامی جهانی را بوجود آورند و مرزبندی‌های را که در میان

پیدا کرد، و به مکتب اسلام بعنوان مکتب رهایی بخش و تعالی دهنده نگر بسته و از چشمه سار زلال آن بهره می‌جست و مسیر مبارزاتی خود را طبق دستورات اسلام و پیامبر و ائمه اطهار (ع) تنظیم و برنامه ریزی می‌کرد و همواره خداوند را در نظر داشت و در همه جا این جمله بر زبانش بود که «کمک و یاری از خداست».

شهید بزرگوار تا آخرین روزهای زندگی‌اش در بین مردم خویش حضور داشت و همه را بسوی خدا و نیایش بدرگاه او دعوت می‌کرد چنانچه در آخرین

همانگونه که در برخوردها و دیدگاهها و گفته‌های ایشان بدست می‌آید و خود نیز شاهد بودم، او انسان پاک و معتقد به مکتب حیات بخش اسلام بود و تعصب عجیبی نیز در این مورد از خود نشان می‌داد، پای بند به تمام مسائل شرعی و اسلامی بود چنانکه ایشان «از همان دوران کنودکی به تکالیف دینی و مقررات و مراسم مذهبی، تقید کامل داشته و به دستورات اسلام مو بمو عمل می‌کردند، چه آنکه او تربیت یافته مکتب انسان ساز اسلام بود و در دامن اسلام و در حوزوات علمیه رشد و تکامل



کشورهای اسلامی بوجود آمده از میان بردارند چه آنکه مرزبندی، علمی گرائی و نژاد پرستی و... زاده استعمار بوده و می‌گوید: «من معتقدم که یک طرح استعماری و یک طرح استکباری بوده که تضادهای نژادی و حلقه‌های بنیاد گرائی میانه روی را در افغانستان تحمیل کرده... من معتقدم آمریکا و روسیه که دست داشته‌اند» و در جای دیگر می‌گوید: «استکبار جهانی برای ضربه زدن به اسلام و تضعیف مسلمانان، مسئله ملی گرائی در جوامع مسلمین بوجود آورد تا با پارچه پارچه کردن امت اسلام، بهتر به مقاصد شوم خود برسند.» ایشان بر این باور بود که همه این بدبختی که امروزه مسلمانان به آنها دچار گشته همه و همه زاییده استعمار و استکبار است و الا ملت‌های مسلمان همگی برادر و امت واحد هستند و در جایی می‌گوید: «ما معتقدیم که مسلمانان امت واحد اسلامی هستند، از هر ملت و نژادی که

باشند باید تحت لوای اسلام و مکتب و عقاید اسلامی جمع شوند». و از همه مسلمانان می‌خواهد که امت واحد اسلامی را بوجود آورده و تحت رهبری واحد حکومت بین المللی اسلامی را بوجود آورند: در این مورد می‌گوید: «طبق مبانی اسلامی، مسلمانان یک امت واحدند و دارای رهبری واحد که همان اولوالامر می‌باشد که در قرآن آمده... گمان می‌کنم که کسی از

مسلمانان پیدا نخواهد شد که به امت واحد اسلامی معتقد نباشد». از گفتار ایشان بخوبی پی می‌بریم که این مرد بزرگوار در پی آن بوده که مسلمانان جهان از تشّت و پراکندگی دست بردارند و تضادهای نژادی و منطوقی را کنار بگذارند و با یک هدف مشخص و یک آرمان در مقابل همه زورگویان و استکبار و دشمنان اسلام ایستادگی و قیام کنند و متکی بخدا و مردمش

باشند و بسوی یک امت واحده چرا که «تشکیل امت واحده
اسلامی بیش از پیش تلاش کنند اسلامی محال نیست».

□ نگرش شهید به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی

باید به این نکته توجه کرد که شهید مظلوم مزاری (ره) انقلاب اسلامی را تنها راه نجات مردم ستم دیده و زجر دیده که در بند اسارت استکبار و ایادی و دست نشانندگان آنان قرار داشت، می دانست و بدین جهت بود که نهضت آزادیخواهی را در افغانستان به راه انداخت، و ایامی را که در ایران مشغول تحصیل بودند قم را بعنوان پایگاه اسلام و مرکز مبارزه به شمار می آورد و انقلاب اسلامی را سرمشق مبارزاتی خود قرار داده بود و خود نیز تحت زعامت و رهبری حضرت امام (قدس سره) مبارزه خویش را از همین قم آغاز نمودند و از همین جمهوری اسلامی ایران بود که ایشان علم مبارزه را بر علیه روسها و ایادی آن آغاز کردند و ندای آزادی خواهی را بگوش جهانیان رساندند. وی جمهوری اسلامی ایران را تنها حکومت اسلامی در جهان می دانست و همه جنبشهای اسلامی و مسلمانان جهان را دعوت می کردند که تحت لوای حکومت اسلامی

جمع شده و ایران را بعنوان مرکز جهان اسلام و پایگاه اسلام قرار دهند. «زیرا که در گوشه ای از این جهان یک جمهوری اسلامی بوجود آمده و یک حکومت اسلامی روی کار است. ملتهای مسلمان تحت قیادت رهبری بپا خیزند و اسلام را گسترش دهند و با مبارزه و پشتکار حکومت های غیر اسلامی را ساقط ساخته و امت واحده اسلامی را تشکیل دهند».

دیدگاه استاد شهید به حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱- استاد شهید از معدود افرادی بود که علاقه شدید به امام (ره) داشت و از او بعنوان یک رهبر و پیشوای مسلمانان جهان الگو می گرفت و در راه آرمانهای امام (ره) قدم برمی داشت و مبارزات خود را بر اساس خط فکری و نهضت او بنیان گذاری و تنظیم می نمود چنانچه «در

سالهای که مبارزه اسلامی در ایران به رهبری یک شکن زمان رهبر فقید جهان اسلامی حضرت امام خمینی (ره) با شدت تمام ادامه داشت.. تصمیم گرفت که با الهام از خط مبارزاتی حضرت امام خمینی (ره) برای نجات مردم افغانستان وارد صحنه سیاسی شده و مبارزه جدی را آغاز نماید و لذا این رو با سفر به عراق با امام خمینی (ره) و برخی از شخصیت‌های دیگر مبارز ایرانی دیدار کرد و در باره اوضاع سیاسی و وظایف مبارزاتی به گفتگو می‌پرداخت...». از لحاظ عشق او به امام بود که دشمنان و ایادی استکبار بارها و بارها جنگ‌های داخلی را در مناطق شیعه و هزاره جات راه انداخته و مزاری و گروه او را بعنوان خط امامی می‌کوبیدند و مردم ما را قتل عام می‌کردند و بدلیل که عرض می‌شد که این‌ها پیرو امام خمینی (ره) هستند و خط امام را می‌خواهند در افغانستان پیاده

کنند، شهید مزاری (ره) تا آخرین مرحله از زندگی خویش با تمام دشواریها دست و پنجه نرم کرد و با همه مشکلات ساخت و در خط امام باقی ماند و راه امام را ادامه می‌داد و هرگز پیش دشمنانش سرخم نکرد، و چنین بود که استکبار جهانی نتوانستند وجود چنین مردی را تحمل کنند دست به توطئه خائنه زده و از هر سوی او را در محاصره قرار دادند و آخر الامر او را مظلومانه بدست گروهک جنایت پیشه «طالبان» به شهادت رساندند.

۲ - چنانچه از سابقه زندگی و مبارزاتی آن مرد مجاهد پیدا و آشکار است، ایشان از جمله کسانی بود که واقعاً به انقلاب اسلامی و رهبری آن عشق و علاقه وافری داشت و بارها و بارها از سخنرانی و مصاحبه‌های ایشان به کرات شنیده شد و برای هیچ فردی از مردم ما و جهانیان پوشیده نیست که در میان

شخصیت‌های افغانستانی تنها فردی که بیش از همه به رهبر معظم انقلاب نزدیک بود شخص ایشان بود و در همه موارد از محضر ایشان استفاده و کسب فیض می‌نمود (چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب) چنانچه از ایام تحصیل‌شان می‌نویسند: «غالباً در تابستانها به مراکز تبعید شخصیت‌های انقلابی آن زمان یعنی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مشکینی و علمای بزرگ دیگر که گرداننده نهضت اسلامی ایران در آن زمان بودند مسافرت کرده و متناوب نزد ایشان درس می‌خوانند».

استاد شهید به شخص رهبری بعنوان یک استاد و ره‌نما نگاه می‌کرد و همواره از دستورات عالمانه و حکیمانه رهبر معظم انقلاب الهام می‌گرفت و به فتاوی‌ای که در قطع جنگ و مسائل دیگر صادر می‌شد عمل می‌کرد و با جان و دل آنرا

می‌پذیرفت... از پشتیبانی‌های بی‌دریغ رهبری نظام جمهوری اسلامی در مورد شیعیان قدردانی می‌کرد و پیوند خویش را با رهبر معظم پیوند همیشگی و خلل‌ناپذیر می‌دانست و مقام معظم رهبری را بعنوان ولی مسلمین جهان و اوامر ایشان را برای فرد فرد مسلمین الزامی و واجب می‌پنداشت. از پشتیبانی‌های بی‌دریغ رهبری نظام جمهوری اسلامی در مورد شیعیان قدردانی می‌کرد و پیوند خویش را با رهبر معظم پیوند همیشگی و خلل‌ناپذیر می‌دانست و مقام معظم رهبری را بعنوان ولی مسلمین جهان و اوامر ایشان را برای فرد فرد مسلمین الزامی و واجب می‌پنداشت.

الاطاعة تلقی می‌کرد، و رابطه خویش را با جمهوری اسلامی ایران رابطه عمیق و انکارناپذیر می‌دانست و می‌گفت: «رابطه فرهنگی ما با ایران مسئله‌ای است که کسی نمی‌تواند انکار کند و تمام مردم افغانستان در آن شریک هستند». چرا که نهضت و انقلاب ایران و رهبری آن،

نهضتی است جهانی و رهبر آن، ولی امر مسلمین جهان است و منحصر به ایران نمی‌باشد بلکه همه مسلمانان در این انقلاب شریک هستند و نظام مقدس جمهوری اسلامی را نظام خودشان می‌دانند و برای آن احترام قائلند.

ویژگی‌های استاد شهید مزاری

درباره ویژگی‌های استاد شهید نمی‌توان سخنهای زاید را عرض کرد: چه در بعد شخصیتی، انسانی، شجاعت، پایمردی، مدیریت، صراحت و درایت، قاطعیت، حق‌طلبی، سعه صدر، فداکاری و از جان‌گذشتگی، تقوا (چه در بعد الهی آن و چه در بعد حالی آن) و خادام بودن به مردمش و... اوصافی است که استاد شهید با خود داشت و واقعاً دلش برای مردم مظلومش می‌سوخت و در این راه از هیچ تلاشی دست بر نمی‌داشت و از همه چیزش گذشت تا مردمش بحق خود برسند. این چنین تعهد و التزام به مردم و حق خواهی بود که از او بعنوان رهبر با درایت ولایت برای جامعه افغانستان خصوصاً مردم شیعه و هزاره ساخته بود و شاهد بودیم با جنگ‌های که در طرف سه سال بر مردم ما تحمیل شد چگونه از حریم مردم شیعه پاسداری کرد و تا او زنده بود هیچکس جرأت آنرا نداشت تا به مردم ما بدیده بد

نگاه نکند. استاد شهید در میان جامعه افغانستان آنقدر مطرح شده بود که دوست و دشمن از او بعنوان یک انسان دلسوز و عدالت‌خواه و یک رهبر فرزانه یاد می‌کرد و هر ملتی و قومی به مزاری بعنوان حامی طبقات محروم نگاه می‌کرد و او را تجسم عینی خواسته‌ها و آرمان‌های «برحق خود می‌دانست بعنوان مثال دوستم در پیامش چنین می‌گوید: «شهادت استاد مزاری ضایعه بزرگ و جبران

ناپذیر است که تنها به حزب وحدت اسلامی تعلق ندارد، آن خنجری که قلب پاک عبدالعلی مزاری را از حرکت بازداشت و خون مقدس او را فرش زمین ساخت قلب همه مسلمانان کشور بخصوص ملیت‌های محروم افغانستان را زخمی ساخته است».

شهید مزاری (ره) در راه ایجاد حکومت اسلامی با پایه‌های وسیع آن در افغانستان تلاش‌های بی‌وقفه و مستمری داشت، حکومتی که همه اقشار جامعه افغانستان در آن سهیم باشند و حقوق همه ملیت‌ها رعایت شود. او می‌گوید: «ما جهاد را آغاز کردیم تا اولاً این حکومت ملحد را از بین ببریم و تجاوز روسها را سرکوب کنیم و ثانیاً یک حکومت اسلامی که منافع همه مردم ما را تأمین کرده و عدالت اجتماعی را تحقق بخشد و حق پایمال شده کلیه

ملیت‌های مظلوم و محروم جامعه را اعاده نماید، در افغانستان بوجود آوریم».

استاد شهید با چنین اندیشه و وسعت نظر و حق خواهی بود که آماج توطئه‌های دوست و دشمن قرار گرفت و نگذاشتند که آن مرد بزرگ به اهداف بزرگش نائل شود و حقوق پایمال شده ملیت‌های محروم را بگیرد خصوصاً حقوق پایمال شده مردمش که سالهای سال بود که از همه مسائل محروم مانده بودند و حکومت‌های خائنین و جبار گذشته هیچ راهی را برای رسیدن به حقوق مردمش نگذاشته بود. ایشان مردمش را لحظه‌ای ترک نکرد و در کنار آنها باقی ماند تا دشمن دوباره حقوق آنها را پایمال نکند و مسئله حذف هزاره‌ها را در سر نپروارند. و خود چنین می‌گوید: «برای شما در این جا می‌گویم که من هیچ منافع غیر از منافع شما ندارم.

خواستم در کنار شما خونم زمین بریزد. در بین شما کشته شوم و در خارج از کنار شما هیچ زندگی براریم ارزش ندارد... و شما مطمئن باشید ما این جا هستیم در کنار شما و از خدا خواسته‌ایم که در زندگی خود حقوق شما را هم از همه بگیرم آن روز از خدا می‌خواهم که برای، ما توفیق بدهد، توفیق شهادت را که در بین شما به شهادت برسم... با تمام توان برای رفاه شما برای امنیت شما برای حق شما در تلاش هستیم». و این چنین بود که شهید مزاری (ره) تا آخرین دقایق از حقوق مردمش دفاع کرد و در این راه نیز جان عزیزش را فدا کرد و در شرایطی بسیار سخت و دشوار مردمش را داغدار و عزادار کرد، از خداوند بزرگ رحمت و مغفرت و علو درجات برای این شهید بزرگوار را خواهانم...

والسلام.

از زبان یار

□ نقطه نظرات حجة الاسلام والمسلمین آقای سرور دانش

با عرض تسلیت بمناسبت فرا رسیدن یکمین سالگرد شهادت مظلومانه فقید سعید، چهره سترگ جهاد و مقاومت، مجاهد کبیر استاد شهید عبدالعلی مزاری (ره)، در مورد نگرش ایشان درباره وضعیت مسلمانان جهان و نهضت جهانی اسلام باید قبلاً این نکته را تذکر دهم که شهید مزاری پیش از آنکه به جهاد و مبارزه سیاسی بپردازد، یک روحانی بود و تحصیل کرده علوم دینی در حوزات علیمه افغانستان و ایران و از این رو به سیاست

هم از زاویه دین و اعتقادات دینی می‌نگریست و چون در مسائل مذهبی، بسیار متعهد و ملتزم بود، تمام تحرکات و عملکردهای خود را با دستورات شرع عیار می‌کرد. به عبارت دیگر بعد ایدئولوژیک شخصیت استاد مزاری، غالب و مسلط بر بعد سیاسی و مبارزاتی شخصیت ایشان بود و لذا مبارزه را در تمام مراحل آن تنها در چوکات «اسلام» و خدمت به «مسلمانان» تفسیر می‌کرد و هرگز حاضر نبود باور دینی خود را در زردو

بندهای سیاسی، وجه المصالحه قرار دهد.

با توجه به نکته آن که عرض شد و با توجه به آشنائی شخصی که از افکار و اندیشه‌ای و موضع گیریهای استاد شهید داشتم می‌توانیم خلاصه دیدگاههای ایشان را در این رابطه چنین جمع‌بندی کنیم:

۱- دنیای کفر و استکبار با تمام تفاوت‌های سیاسی و جغرافیایی و نژادی و ملی خود یک قطب واحد را بر علیه مسلمانان تشکیل می‌دهند و در



این مورد اختلاف بنیادی با هم ندارند.

۲- مسلمانان نیز از هر فرقه و نژاد و سرزمینی که باشند امت واحد هستند و لوای سبز اسلام محور تجمع و انتظام تمام مسلمانان جهان می باشد.

۳- ملی گرایی و پارچه پارچه شدن جهان اسلام یک توطئه استعماری و انحراف از اصول بنیادی اسلام است و خطوط و مرزبندیهای

جغرافیایی و نژادی موجود، مشروعیت اسلامی ندارد.

۴- همه مسلمانان مخصوصاً نهضت‌های اسلام موظفند که در مقابل نظام‌های وابسته به استکبار در سرزمین خود قیام کنند و آنها را سرنگون نمایند.

۵- با تشکیل امت واحد اسلامی باید برای ایجاد حکومت واحد جهانی اسلام و رهبری واحد اسلامی تلاش شود و نهضت‌های اسلامی در این رابطه مهم ترین وظیفه را بردوش

دارند.

۶- انقلاب بزرگ امام خمینی (قده) عامل تحول مهم سیاسی و فکری در جهان اسلام بوده و جنبش‌های رهایی بخش اسلامی باید بیشترین الهام را از خط فکری امام خمینی (قده) بگیرند و نظام جمهوری اسلامی نیز به عنوان اولین نظامی که در تاریخ معاصر بر بنیاد اسلام پدید آمده و استوار گشته، می تواند نقش مؤثری را در هدایت، تکامل و پیروزی جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان ایفا کند و مسلمانان جهان را در مبارزات بر حق شان

یاری دهد. شهید مزاری واقعاً معتقد بود که کمک و همکاری جمهوری اسلامی ایران با نهضت‌های اسلامی یک «تکلیف» است بر دوش مسئولین ایران و یک «حق» است برای مسلمانان جهان.

۷- نهضت‌های اسلامی در عین همبستگی و ارتباط فعال و ارگانیک با همدیگر، از «مداخله» در امور یکدیگر پرهیز نموده و استقلال همدیگر را در تصمیم گیریها و عملکردها به رسمیت بشناسند، یعنی در عین همکاری و تلاش برای

تحقق آرمانهای مشترک، هر نهضتی باید مطابق با شرایط عینی کشور و ملت خود، تصمیمات لازم را آغاز نماید.

۸- شهید مزاری نسبت به امام خمینی (ره) و حضرت آیه الله خامنه ای با دید احترام و تقدیس و تکریم می نگریستند و لذا نه تنها تفکر سیاسی و مبارزاتی امام خمینی را الگو و الهام بخش می دانست بلکه در موضوع تقلید نیز آنطور که در تفقه و مذهب شیعه مطرح است - از امام خمینی تقلید داشت و اصرار داشت که دیگران نیز از حضرت امام (ره) تقلید داشته باشند و همچنین در زمانی که مرجعیت حضرت آیه الله خامنه ای توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام گردید شهید مزاری شخصاً از ایشان تقلید کردند.

آنچه گفته شد اجمالی است از چارچوب کلی تفکر استاد شهید مزاری در مورد جهان اسلام و نهضت‌های اسلامی که اگر بخواهیم

در مورد هر یک از موارد فوق و جزئیات دیگر، شواهدی از کلمات ایشان در سخنرانیها مصاحبه‌هایش را نقل کنیم بطول می‌انجامد.

اما ویژگیهای شخصیت استاد مزاری:

ویژگیهای شخصیت آن بزرگمرد تاریخ معاصر افغانستان آنقدر زیاد و برجسته است که در این گفتارهای مختصر نمی‌گنجد و تنها به چند مورد مهم اکتفا می‌کنم:

اولین و مهم‌ترین برجستگی در شخصیت ایشان، عشق و خلوص نسبت به هدف و ایمان تزلزل ناپذیر به آرمانها است چون به تعبیر حضرت آیه الله خامنه ای در آغاز کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی: «ایمان سکوی پرش انسان است» و در واقع کسی که ایمان به هدف و عشق و خلوص نسبت به آن ندارد، از همان آغاز کار، پایش لنگ است. استاد مزاری نسبت به

اهداف مبارزه و احقاق حق و مبارزه با ستم و بی عدالتی آنچنان عشق گدازان و ایمان اخلاص‌مندانه داشت که هیچ چیزی دیگری نمی‌توانست مانع کار ایشان شود و یا در زندگی او جاذبه ایجاد کند و اصولاً ایشان زندگی خود را وقف مبارزه کرده بود و یا به عبارت دیگر ایشان زندگی را در مبارزه جستجو می‌کرد و خاموشی مشعل مبارزه را مساوی با خاموشی فروغ و جراغ زندگی می‌دانست و از همین جا است که نه پول و نه اندوخته مادی مادی برای او ارزش داشت و نه زن و فرزند و زندگی خانوادگی و علایق عاطفی برای او جاذبه داشت و نه از نام و شهرت و ریاست لذت می‌برد. شیرین‌ترین لحظات زندگی برایش وقتی بود که یک گام به هدف نزدیک‌تر می‌شد و یا یک مانع را از سر مبارزه و خدمت به مردم بر می‌داشت.

دومین ویژگی شخصیت

ایشان. صراحت و قاطعیت و جرئت بود. حرفش را و مواضع و دیدگاههایش را صریح و عریان و بی پرده مطرح می کرد و از هیچ چیز و هیچ کس واهمه و هراس نداشت. حداقل سه سال حضور و مقاومت ایشان در کابل، به دوست و دشمن ثابت کرد که این مرد از چه جرئت و شهامت و شجاعتی برخوردار است و چه روح قوی و اندیشه خلاق و صداقت بی شایبه و اراده خلل ناپذیر دارد.

او بر خصم چون شیر می غرید و با منطق کوبنده بر فرقش می کوبید و موضع خود را با بیان رسا و استدلال متین می قبولاند. خصوصیت برجسته دیگر در ایشان وفای به عهد و عمل به قولش بود. تا از نظر باور و استدلال در باره حقانیت چیزی، اعتقاد نمی کرد، هرگز قولی نمی داد و تعهدی نمی سپرد اما اگر تعهد می داد و یا امضا می کرد، تا پای جان بر سر عهد خود

می ایستاد و واقعاً مصداق بارز (و من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه) بود. در موارد زیادی پیش می آمد که بطور مثال، اکثریت اعضای جلسه و یا مسئولین حزب، چیزی راحتی بر خلاف نظر ایشان تصویب می کردند اما وقتی که ایشان آن نظر اکثریت را هرچند بر خلاف نظر خود، امضا می کرد، دیگر جدی تر از طرفداران اصلی آن نظر، از آن دفاع و حمایت می کرد تا آنرا به اجرا گذارد و عملی کند.

استاد مزاری از نظر خصوصیات و سجایای انسانی واقعاً یک نمونه بی بدیل و کم نظیر بود و تمام خصلتهایی که در مردانگی و فرزاندگی انسان لازم است، یکجا در وجود او جمع بود و بهمین جهت، شهادت ایشان قبل از هر چیز دیگر، یک فاجعه انسانی بود و شهید کردن ایشان، شهید کردن همه کمالات و ارزشهای انسانی و مقابله با همه

مردانگیها و فرزاندگیها و غیر تمندیها و پاکیها است. من از استاد شهید خاطرات زیادی دارم و در واقع ایام و اوقات مصاحبت و همراهی و همنشینی با ایشان از بهترین شیرین ترین لحظات زندگی من بوده که هیچگاه فراموش نخواهد شد و همیشه عامل دلگرمی و صفا و شیرینی زندگی ام خواهد بود. فقط یکی دو مورد را که بیانگر همت بلند و علو طبع و وسعت نظر آن مرد فرزانه است ذکر خواهم کرد:

۱- در زمانی که ایشان در رأس هیأت بلند پایه حزب وحدت در ایران آمد و تشکیلات و نمایندگیهای حزب وحدت و از جمله شورای نمایندگی تهران را فعال ساخت، در یک مناسبتی صحبت از تعیین اولین سخنگوی حزب در خارج به میان آمد و من خطاب به ایشان گفتم که در این دوره اول مناسب ترین فرد خود شما

هستید. ایشان با تندی در جواب گفت که اولاً من در ایران ماندنی نیستم و باید بزودی به بامیان برگردم و ثانیاً اگر من سخنگویی را قبول کنم همه خواهند گفت که مزاری همه این تلاشها را برای خود کرده و این به ضرر حزب است. بعد از افراد دیگری نام برده شد و ایشان ضعفها و قوت‌های هر یک را بطور صریح و مستدل ذکر کرد و بعد، از اولین سخنگوی حزب وحدت صحبت به میان آمد ایشان با مکشی گفت: ایشان تنها فرد مورد نظر من است به چند دلیل: اول اینکه تا کنون بسیار جدی از وحدت حمایت کرده است، دوم اینکه آدم با جرئت و شجاع است و حزب وحدت در این مرحله نیاز به سخنگوی شجاع و نترس و صریح دارد. سوم اینکه همه به وحدت و صداقت ما اطمینان و اعتماد پیدا خواهند کرد و هکذا... این بیانگر این است که استاد مزاری واقعاً نسبت به حزب

وحدت و سرنوشت مردمش چقدر صمیمی و جدی است و با ایشان و از خودگذشتگی عمل می‌کند!

۲- در یک مورد مشابه دیگر، وقتی به یک مناسبتی عکس ایشان را در هفته نامه وحدت چاپ کردیم شدیداً به من اعتراض کرد و گفت: من نیاز به معرفی و چاپ عکس ندارم، کسانی که مرا شناخته‌اند، شناخته‌اند و بیشتر از آن لازم نیست. باید عکسهای سایر مسئولین و شخصیتها را چاپ کنی تا آنها معرفی شوند.

۳- در همان ایام که ایشان عازم بازگشت به بامیان بود تصمیم گرفتم که از طرف هته نامه وحدت مصاحبه مفصلی با ایشان ترتیب بدهم و منظور اصلی من این بود که در ضمن از ایشان بخواهم که زندگینامه خود را بطور مفصل شرح دهد و سوابق مبارزات خود را بیان نماید. در حدود ۲۰ سال مطرح

کردم که پنج سؤال آن مربوط به بیوگرافی و سوابق شخصی ایشان بود. در منزل ایشان رفتم و ضبط را روشن و سؤالات را مطرح کردم. ضبط را خاموش کردند و تمام سؤال‌های مربوط به بیوگرافی و سوابق مبارزات ایشان در قالب سازمان نصر و پیش از آن را خط زدند. هرچه اصرار کردم که شما مختصری از خود بگوئید تا فقط یادگار پیش من باشد و فعلاً چاپ هم نمی‌کنم، قبول نکردند و گفتند که ما این جا آمده‌ایم که مشکلات افغانستان و مردم را بگوئیم نه شرح حال خود را و زندگینامه واقعی شخص آن است که دیگران درباره او بگویند و قضاوت کنند نه خود او. برآستی چه همت بلندی داشت و چه مناعت طبعی! خدای رحمتش کند و با بلند همتان و فرزاندان تاریخ محشورش فرماید و قاتلانش را به عذاب ابدی خود گرفتار نماید. والسلام

از زبان

□ دیدگاه حضرت حجة الاسلام استاد واعظی شهرستانی

چگونگی نگرش استاد شهید مزاری به اسلام ناب محمدی و وضعیت مسلمانان جهان. ضمن تشکر از شما عرض کنم که استاد شهید نسبت با اسلام ناب محمدی سخت معتقد بود و با کسانی که در خط اسلام امریکایی بودند مبارزه‌ای پیگیر داشت و معتقد بود که تا اسلام ناب احیاء نگردد مسلمانان پیروز نخواهند شد و در این رابطه در متون اصیل اسلام مطالعات عمیق داشت و راه نجات مسلمانان را

پیروی از اسلام ناب محمدی می‌دانست نه اسلام وهابیت، اسلامی که وسیله‌ای تحکیم قدرت قدرتهای شیطانی و اعمال داخلی آنان می‌باشد او در برابر وضعیت مسلمانان جهان حساسیت خاصی داشت و مسلمانان را امت واحد می‌دانست و از اوضاع ناهنجار حاکم بر جوامع اسلامی رنج می‌برد و خود را در غم و محبت و شادی و خوشحالی بقیه‌ی مسلمانان شریک و سهمیم

می‌دانست و تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی یکی از آرزوهای دیرینه‌ی او بود و معتقد بود که تا اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان وجود داشته باشد و اسلام ناب حاکم نشود مسلمانان روی سعادت و خوشی نخواهند دید و از اختلاف شیعه و سنی سخت متنفر بود در افغانستان تمام سعی و تلاش شهید این بود که اختلاف مذهبی و نژادی را حل کند و تا سر حدی که در این راه جان عزیزش را از

دست داد.

۲- چگونگی نگرش استاد شهید مزاری به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران؟
استاد شهید از طرفداران و حامیان پر و پا قرص انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود زیرا که ایشان معتقد بود که انقلاب اسلامی منحصر به ایران نیست باید در تمام جهان انقلاب اسلامی به پیروزی برسد منتهی ملت ایران پیشگام گردیدند و انقلاب اسلامی در این کشور به پیروزی رسید که ثمره اش جمهوری اسلامی می باشد لذا باید حفظ و تقویت گردد و اگر انقلاب در ایران منجر به شکست شود اسلام حقیقی و ناب در همه جا شکست خواهد خورد. او انقلاب اسلامی در ایران را محور و مرکز همه انقلابها در جهان اسلام می دانست لذا حمایت و پشتیبانی از انقلاب اسلامی در نزد او یک وظیفه‌ی اسلامی و الهی بود و تضعیف انقلاب در

نزد استاد گناه نابخشوددنی بود.

۳- چگونگی دیدگاه استاد شهید به حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای
دیدگاه استاد شهید به حضرت امام و مقام معظم رهبری خیلی روشن بود او بعد از هجرت از افغانستان و اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و شناخت کامل از حضرت امام ره در خط مبارزاتی ایشان قرار گرفت و یکی از مقلدین صادق و مخلص حضرت امام ره بود و در سالهایی که حضرت امام ره در نجف اشرف تشریف داشتند شهید عزیز بارها از قم خدمت ایشان مشرف شده بود و از ارشادات و راهنماییهای ایشان بهره‌مند می شدند و چه بسا پیامها و دستورات انقلابی امام راحل (ره) توسط ایشان در ایران و افغانستان برای انقلابیون منتقل می شد.

و اما دیدگاه ایشان به مقام معظم رهبری: استاد شهید از قبل

از پیروزی انقلاب اسلامی با مقام معظم رهبری رابطه‌ی خیلی نزدیک داشت که رابطه اش با آقا رابطه شاگرد و استاد بود در سال ۱۳۵۸ که شهید عزیز به افغانستان رفته بود و با روسها سرگرم جهاد و مبارزه بود حقیر روزی در مجلس خبرگان با بعضی از شخصیتها در رابطه با جهاد افغانستان صحبت داشتم و خدمت مقام معظم رهبری رسیدم ایشان از احوال آقای مزاری جو یا شدند بنده گفتم به افغانستان رفته است ایشان در حق شهید مزاری بسیار لطف کردند. بعد از رحلت آیه الله العظمی اراکی و قتیکه مقام معظم رهبری بعنوان یکی از مراجع معرفی شدند خیلی خوشحال شده بود که در این رابطه حقیر شخصاً با ایشان تلفنی صحبت کردم.

ذکر ویژگیهای چند استاد شهید مزاری

شهید عزیز ویژگیهای کم نظیر داشت از جمله: قاطعیت،

صداقت، سخت کوشی، ساده زیستن، توکل بر خدا و... را می‌توان نام برد واقعاً شرائط و خصوصیات یک رهبر در استاد شهید جمع بود. مسائلی را که تشخیص می‌داد در راستای منافع مردم و اسلام ناب می‌باشد با قاطعیت روی آن می‌ایستاد و با همه صادقانه برخورد داشت و چه بسا استفاده جویان از صداقت ایشان سوء استفاده می‌کردند. و در سخت کوشی در بین اقران و دوستان نظیر نداشت و ساده زیستن او زبان زد خاص و عام بود و از همه مهم‌تر در همه مسائل و مشکلات توکل بر خداوند داشت و در اوج بحراناها و حوادث ترس، اضطراب در او راه نداشت و در همه صحنه‌ها خیلی شجاع بود.

دو مورد اشاره می‌کنم:

۱- در سال ۱۳۷۳ در کابل بودیم که خانواده‌ام از قم به من تلفن کرد که به استاد بگو برای مادرش تلفن کند که خیلی دلش برای ایشان (شهید مزاری) تنگ

شده است. حقیر موضوع را با استاد گفتم در جواب گفت اگر من تلفن کنم طبیعی است که خرج دارد و هر دقیقه ۱۱ دلار مصرف می‌شود آیا درست است که پول بیت المال را برای یک تلفن بخاطر احوال‌پرسی مصرف کنم و اینکه مادرم (به تعبیر خودشان آجبه) صحت دارد و خبر سلامتی‌اش را می‌شنوم کافی است و این نشان از نهایت دقت ایشان در مصرف بیت المال بود.

۲- در سال ۱۳۵۸ در آغاز دوران جهاد افغانستان در منطقه‌ی سید خندان تهران بر اثر تلاش استاد شهید، دفتری را برای سازمان نصر سابق افتتاح کردیم و بنا شد که برای دفتر فرش تهیه کنیم و همراه با استاد و یک برادر دیگر (حاج انصاری کجران) در بازار تهران آمدید و چندمتر موکت معمولی را برای فرش دفتر خریدیم و هوا هم خیلی گرم بود استاد فرشها را سه قسمت کرد یکی را خودش بر دوش گرفت و دو قسمت دیگر را برای

من و حاج انصاری داد که بر دوش برداریم با آنکه زمان ایشان عبا و قبا داشت و معموم بود، بنده هم معموم بودم ایشان گفت یا الله حرکت کنیم به طرف دفتر ما گفتیم مگر ممکن است که در این هوای گرم و این همه راه دور و دراز تا سید خندان و با این لباس (عبا و قبا) پیاده فرشها را در دفتر برسانیم بهتر است یک ماشین کرایه کنیم ایشان خیلی ناراحت شد و گفت مثل که علما پول دارند بعد گفت در افغانستان مجاهدین اسلحه و مهمات را بر دوش حمل می‌کنند و کیلومترها در جهات مختلف حمل می‌کنند آیا ما نمی‌توانیم که این فرش را به دفتر برسانیم؟ بالاخره ما هم جز اطاعت چاره‌ای نداشتیم و فرشها را بر دوش و با پای پیاده به سمت سید خندان حرکت کردیم و عرق ریزان بعد از چند ساعت در سید خندان رسیدیم خلاصه استاد خیلی بزرگ بود یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

از زبان یار

□ استاد شهید مزاری از دیدگاه آقای ناصری میدانی

او نیز انجام داده‌اند پس لازم است ما هم از آن تبعیت نموده یک چنین کاری را آغاز نموده و ادامه دهیم این یک نحوه برخورد و برداشت و باور است.

دوم اینکه انسان در حوادث که نسبت به تاریخ جوامع اسلامی اتفاق افتاده است مطالعه میکند و نظرش صرفاً تأثیر و انفعال پذیری نیست. بلکه مطالعه میکند تا روشن شود نقاط مثبت و منفی‌اش در کجاست که نسبت به نقاط منفی آن اعتراض و انتقاد نماید. استاد شهید تا آنجایی که من اطلاع دارم و خوب هم می‌شناختم نظرش فقط پیروی

به شخصیت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری دام عزّه‌العالی و ویژگیهای شهید مزاری به عنوان خاطره تقدیم می‌دارم بطور کلی دو نحوه برخورد نسبت بحوادثی که تحت عنوان نهضت‌های اسلامی در جهان اتفاق افتاده است وجود داشته و دارد که استاد شهید از دیدگاه دوم ب آن نگاه می‌کرد. یکی اینکه مطالعه و دنبال نمودن حوادث صرف به عنوان مسئله تقلید و پیروی نمودن انسان به رأیی که خودش قبول دارد پیروی می‌کند مثلاً بگوید چون فلان کس چنین کاری را انجام داده است و امثال

با درود فراوان و سلام پی در پی به روان پاک اولیای خداوند و امامان معصوم علیهم‌السلام و شهدای اسلام از آغاز نهضت مقدس اسلامی توسط بزرگترین و مقدسترین مرد تمام بشری پیامبر عزیز اسلام حضرت محمدابن عبدالله (ص) تا هم اکنون به ویژه رهبر سترگ و عظیم، پرچم دار عدالتخواهی حضرت امام خمینی (ره) استاد شهید عبدالعلی مزاری «دبیر کل شهید حزب وحدت اسلامی» رحمت‌الله‌علیه نکاتی را تحت عنوان شهید مزاری و نهضت‌های اسلامی. شهید مزاری و دیدگاه او

مطلق نبود او با صراحت می فرمود: مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی اگرچه فوق العاده تلاش نمود اما موفقیت چندانی نداشت و علت عدم موفقیتش در این بود که محور فعالیت خویش را روسای کشورهای اسلامی قرار داده بود. اما برخلاف آن نهضت اسلامی امام (ره) از عوامل عمده موفقیتش این بود که تمام نقاط فشار و قدرت نهضت را در انبدرون مردم فقیر و توده جامعه اش پی ریزی نمود و بالاخره هم خوب موفق گردید. بر همین اساس بارها و بارها استاد مزاری در بیانات خویش در شهر کابل به اتکاء نهضت خویش بر دوش جامعه فقیر تأکید می کرد. همیشه حرف او این بود که: به مردم راست بگویید و مردم را داشتید همه چیز از شماست، اما اگر با مردم خود راست نگفتید و درست عمل نکردید هیچ چیز نخواهید داشت.

اما در رابطه با دیدگاه ایشان

راجع به حضرت امام (ره) اولاً اینکه ایشان حضرت امام را خوب درک کرده بوده و لذا به دنبال نام و سیره عملی حضرتش کاملاً در حد تقلید و تقلید برخورد می کرد و اما درباره مقام معظم رهبری دام عزه العالی، بد نیست موضوعی را که در سال ۱۳۷۳ بعد از رحلت حضرت آیت الله العظمی اراکی در کابل اتفاق افتاد یادآوری نمایم و آن اینکه:

در کارته ۳ کابل در شورای مرکزی ایشان مطرح نمودند که سفارت جمهوری اسلامی ایران تماس گرفته است که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مرجعیت مقام معظم رهبری را تأیید نموده است و به دنبال این قضیه رهبر شیعیان پاکستان و تعدادی از شخصیت های داخل و خارج نظر خویش را راجع به تأیید قضیه اظهار نمودند. نظر حزب وحدت را اعلام نمایید. در واقع این موضوع طی تشکیل دو جلسه مورد ارزیابی قرار گرفت

جلسه اول استاد پس از استماع نظریات و آراء دوستان حاضر در جلسه آن را جمع بندی نمود و شخص خودش صحبت نکرد. نتیجه جلسه اول این شد که مسئله مرجعیت و تعیین و تشخیص آن مربوط به اهل خبره است و مربوط به اعضای شورای عالی نظارت حزب است و اکثریت آنان در ایران می باشند و نظر و موضع حزب با آنان خواهد بود. در جلسه دوم استاد اعلام کردند که سفارت نظر حزب را علناً می خواهد بداند صحبت هایی در اطراف این قضیه رد و بدل شد و علت آن هم این بود که تعداد زیادی از اعضای شورای مرکزی مثلاً نظامی بودند و قضیه را از دید و تحلیل صرف سیاسی بررسی می کردند. در انتهای جلسه استاد چند جمله ای بیان فرمودند و گفتند مسئله تقلید از حضرت آیت الله خامنه ای یک مسئله صرف تقلید و مقلد نیست بلکه مسئله بیعت با نظام و حفظ نظام اسلامی است.

از زبان یار

□ شهید مزاری از زبان حجت الاسلام جناب آقای شفایی

دیدگاه انسان به هر مسأله اعتقادی، سیاسی و مبارزاتی بر مبنای نگرش و باورش به مکتب و آگاهی از وضعیت و شرایط دیگر مسلمانی می‌باشد.

شهید مظلوم استاد مزاری، از هنگامی که اسلام ناب را شناخت. و از لحظه‌ای که از حال رقت بار ملت‌های دربند فلسطین، کشمیر، چین، بوسنی و ... آگاه می‌گردید، نمی‌توانست بی تفاوت باشد، لذا با تمام توان در راه تبلیغ و ترویج اسلام ناب گام برمی‌داشت و برای جلوگیری از بد جلوه دادن آن و ستیزه با ستمگر تا پای سر و جان آمادگی

داشت که سرانجام در آن راه، زندگی و حیاتش را نثار نمود، چه اینکه او چنانچه زیر بار اسلام آمریکایی می‌رفت و از برچیده شدن بساط تبعیض و تعصب، جهل و جور سخن نمی‌گفت و برای برپایی حکومت اسلامی اصرار نمی‌ورزید، قدرتهای استکباری از او استقبال می‌کردند.

دیدگاه انسان در مسایل سیاسی متفاوت است، بعضی رنگ پذیر و سازشکارانه، طبق اقتضای زمان و شرایط مکان حرف می‌زنند، گام بر می‌دارند و در تمام جهات خود را با محیط

وفق می‌دهند. و بعضی دیگر ایده و آرمان مشخص و راه روند معین دارند و دنبال تحقق آن هستند و برای دستیابی آن استراتژی و خط مشی مقتضی را بر می‌گزینند.

شهید مزاری که دنبال ساختار حکومت اسلامی بود، استراتژی‌اش انقلاب و نهضت مبتنی بر دستور مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین بود، و بدین دلیل در زمان ستمشاهی در ایران در مبارزات بر ضد طاغوت همگام با مبارزین ایران سهم داشت، و به طور طبیعی به ره آورد آن مبارزات که

جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، به دید قداست می‌نگریست.

با توجه به اینکه شهید مزاری فرد عصیانگر و مبارز بود و در میان مراجع عظام تقلید عصر ما تنها مرجعی که دارای مفکوره مترقی، بینش سیاسی و مبارز بود، حضرت امام خمینی بود، به طور قهری وی مانند هر مسلمان متعهد دیگر که می‌خواست بر ضد ستمگران دست به مبارزه بزند، به سراغ خط فکری امام می‌رفت و از روشن اندیشی امام بهره می‌جست. لذا شهید مزاری از هنگامی که در وادی مبارزه قدم نهاد و با اندیشه امام آشنا گردید، مرید و شیفته امام امت بود و تاوانش را هم زیر شکنجه ساواک پرداخت. و پس از امام به مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای دام ظلّه که از دیر زمان با هم آشنا بودند و تماس و ارتباط نزدیک داشتند، بسیار علاقه‌مند بودند.

انسان از نظر خصلت، روحیه و سجایای اخلاقی ناهمگون

می‌باشند، از میان صفت‌های پسندیده انسانی: استقامت، ایثار، امانت داری، پایداری، پشت کار، تعهد، تواضع، جرأت، صداقت، عفو، گذشت، همت بلند و ... هرکس به تناسب شخصیت خود از آنها برخوردار هست.

از بارزترین ویژگیهای شهید راه عدالت استاد مزاری این بود که دارای تعهد و تعبد، جرأت و جسارت، شجاعت و شهامت، حق گوئی و حق خواهی، صداقت و صراحت لهجه، پاکی و پارسائی و ... بود. و همین خصیصه‌ها باعث گردید که توانست در طی جهاد و انقلاب، از تمام میدانهای سنگر و سیاست، پیروزمندانه بیرون شود، نمونه‌اش سه سال رهبری و مقاومت در غرب کابل است که در طی این مدت برای ملت از نظر افتاده ما «زندگی نوین» را رقم زد.

دو خاطره:

۱ - در نوروز ۱۳۵۶ بنده به اتفاق استاد شفیق بهسودی

تصمیم گرفتیم در مزار شریف برویم، استاد مزاری برای تربیت طلاب جوان منزلی گرفته بود، ما از کابل تلفن زدیم که آدرس منزل را بده که آنجا بیاییم، ایشان فرمود همانوقت که ماشینهای کابل می‌رسد در مند وی کسی را می‌فرستیم که شما را بیاورد تا سرگردان نشوید، هنگامی که مزار شریف رسیدیم، دیدیم خودشان منتظر، ایستاده‌اند که با این تواضع ما را از تلفن زدن پشیمان ساخت.

۲ - در روزگاری که ایشان در حوزه علمیه قم مشغول فراگیری دانش و خودسازی بود، بنده سفری به ایران داشتم و در قم رفتم و در مسافرخانه اتاق گرفتم، ایشان مطلع شد تشریف آورد مرا به اتاق خود در مدرسه سحاوت بود، و با اینکه ماه رمضان بود و خود روزه داشت، برایم غذا تهیه می‌فرمود، هر قدر اصرار می‌ورزیدم که خودم غذا فراهم می‌سازم یا می‌پزم اجازه نمی‌فرمود.

از زبان یار

□ شهید مزاری از زبان حجة الاسلام ناصری اورزگانی

۱- مزاری شهید و شاهد

سخن گفتن و نوشتن در مدار یک تعهد و وظیفه در قبال شهداء کار آسان و ساده‌ای نیست. و تحریر حکایت سبک پرواز این افق‌های بیکرانه جهاد حماسه آفرین ملت مسلمان افغانستان و تحریر کارنامه آن شهید و سردار آن سامان خون‌رنگ و شهید پرور بغایت مشکل و دشوارتر است.

مشکل از آنجا آغاز می‌گردد که افق محدود قلم چگونه میتواند خویش را با افق نامحدود و گستره مرز ناشناس آن دلاور مرد و ظلم ستیز که با خون خود

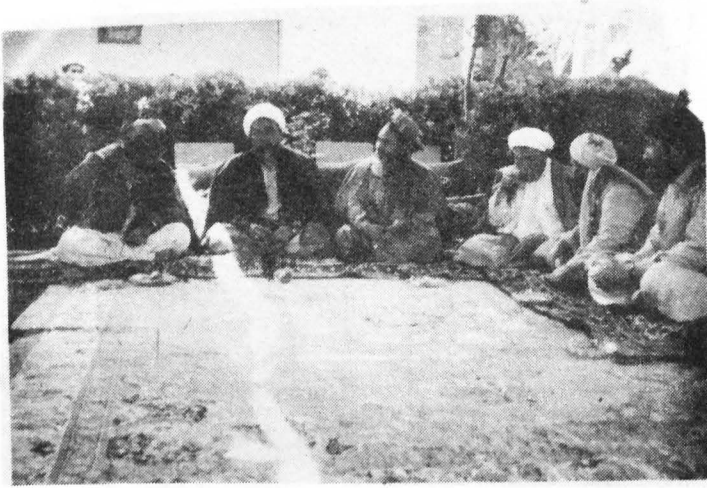
نام خود را بر جبین تاریخ رقم زده وفق و انطباق دهد. و دشواری از آنجا راه می‌یابد که چگونه میتوان آیات عزت و ایثار و جوانمردی شهید را در تنگنایهای بسیار تنگ زمان و مکان گنجانیده و آرزوهای آن دریادل شهید را در برابر دیگران و نظاره گران و بسا غافلان مجسم کرد و الحق که شهید ما شاهد همه زمانها است و از اینرو است که آرمان یک شهید هرگز در یک زمان چون دریایی در پیاله نمی‌گنجد.

و رهبر شهید ما استاد کبیر حضرت حجة الاسلام والمسلمین

عبدالعلی مزاری (ره) نیز از آنگونه رهبران و رهگشیان و قائدانی است که یادش و نامش و راهش و رهروانش هرگز تمامی نخواهد داشت.

۲- مزاری و انقلاب اسلامی

به دور از هر شائبه‌ای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و بروز آن به شکل پرافتخار جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگترین حوادثی است که در پایان قرن بیست پدیدار شد. عظمت و عمق این انفجار نور در حدی است که امروز کمتر حادثه‌ای در جهان وجود دارد که بدون تأثیر از جذر و مد اسلام



کابل وارد نبرد شدند، همه با امکانات و توپ و تانک و دندر و از سوی بیگانگان تجهیز شده بودند.

اما این مزاری بود که حسین وار در برابر همه ایستاده بود و به دهان یاوه گویان مختلف النوع و الجنس میکوبید. مزاری تا آنجا نام انقلاب اسلامی و مظلومان و محرومان تاریخ را مطرح کرد که محمود مستیری نماینده یکصد و هشتاد و اندی کشور جهان هزاران کیلومتر را با هواپیما و جت و زره پوش، سواره و پیاده طی کرد و در کارته در مقرر

از شکست استعمار بریطانیا و تا انهدام و نابودی اتحاد جماهیر شوروی که ثمره مستقیم جهاد مسلمانان بود. بدون اغراق، رجلی سیاسی و قائد خردمند و شجاع به حد مزاری (ره) نداریم. سر سختی که رهبر شهید در غرب کابل از خود نشان داد دنیا را در حیرت فرو برد. کسانی و احزابی که به دستور اجانب با مزاری و شیعیان غرب

باشد و شهید بزرگوار استاد مزاری خود یکی از آن رجالی بود که در کنار سایر مبارزان در مبارزه مستمر با رژیم طاغوتی در ایران تحت قیادت حضرت امام خمینی (ره) بود و از کسانی بود که تا حد زندان و در بند شدن را هم پذیرفت. مزاری عزیز پاکبخته‌ای در راه خدا و اسلام بود که دوست و دشمن به این حقیقت گواهی داده‌اند. و از اینرو رهبر شهید ما در افغانستان خود شاخصه و میزان و معیاری برای انقلاب اسلامی بود و برای شناخت میزان وفاداری افراد به اسلام و انقلاب و آرمان شهدا و راه امام خمینی (ره) مزاری خود یک شاخصه است و لازم به تذکر است که طلاب کینه توز و هتایی عداوتی و کینه‌ای را که نسبت به مزاری مظلوم بروز دادند از قبل یک عملکرد و کالتی از سوی عربستان سعودی و دیگر مزدوران استکبار جهانی بر علیه آرمان مقدس انقلاب اسلامی بود.



تسخیر ناپذیر او زانو زد و شیعه را به رسمیت شناخت. و در کجای تاریخ کدام معمار سیاسی را سراغ داریم که با استفاده از هیچ، بدون کمک خارجی بزرگترین جریان سیاسی را از لحاظ سیاسی و نظامی اعمار و تجهیز و تدارک ببیند.

راز بزرگ عظمت شهید مزاری در تقوا و اخلاص وی نهفته است. رهبر شهید، یک

انسانی بود که آنقدر خلوص و تقوی در وی تجلی کرده بود که خویش را فراموش کرده و زندگی خود را در راه ایمان خود فدا کرده و عاشقانه فدا شد. از این رو مزاری از باب خدمت به محرومان و ستمدیدگان و شلاق خوردگان عاشقانه و مخلصانه در این راه قدم زد و مردم خود را دوست می داشت و عشق می ورزید و متقابلاً مردم هم عاشقانه وی را دوست می داشتند. اخلاقیات انقلابی این بزرگمرد شهید چیزی نیست که در چند

سطر گفته شود. استقبال و تشییع جنازه آن شهید در طول پانصد کیلومتر در زمستان سوزان و یخ بندان افسانه ای هزاره گواه این دوستی متقابل رهبر و مردمی است که شیفته اخلاف انقلابی و تقوا و گذشت و ایثار وی شده بودند. و در وصف وی همین بس که برای خود دیناری نیاندوخت و برعکس آنچه داشت در راه خدا قربانی کرد. خداوند انشاءالله او را در اعلی علین در کنار دیگر اولیاء و بزرگان جای دهد. والسلام علیکم

از زبان یار

□ استاد مزاری از دیدگاه حجة الاسلام محمد ناطقی

انسان به علت ترکیب دوگانه در تکوین خود، در فعلیت حیات فردی و اجتماعی به گونه‌های متفاوت تبارز می‌نماید حالت اعتدال، شاخص‌ترین نماد انسان در عرصه می‌باشد. رشد متعادل استعدادها و تجلی قابلیت به فعلیت متناسب در واقع هدف خلقت بوده است و فقط در مکتب وحی بارور می‌شود.

منظور ما قویاً رشد ابعاد، صفات و خصلت‌های انسان در چارچوب مکتب وحی است. تکامل انسان رابطه ارگانیک با الله را برقرار می‌سازد. در همین

تعامل انسان - الله و مکتب است، که ماهیت اصلی انسان در بستر حیات در ابعاد فردی اجتماعی هویدا می‌گردد. خصوصیات مزاری به عنوان یک انسان در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، درست در تفسیر انسان، الله و مکتب ارجاع داده می‌شود. استاد شهید عبدالعلی مزاری در حیات نیم قرنه خود یکی از نادرترین رهبران مذهبی و سیاسی افغانستان به شمار می‌آمدند. ایشان در محیطی کاملاً مذهبی تربیت یافته بودند. پدر متعهد به مذهب،

مادری متدین، محیطی هالم و مذهبی در واقع بستر رشد معنوی و اخلاقی مزاری را همزمان با رشد فیزیکی، کاملاً مساعد ساخته بود. استاد شهید در قالب تحصیلات حوزه‌ای و ارتباط با مرجعیت دینی، مفاهیم و قواعد مکتب را در زندگی قم با این استدلال که من استطاعت مالی دارم و پدرم حاجی خداداد از ثروت لازم در سمت شمال افغانستان برخوردار است، هرگز از سهم امام و شهریه معمولی حوزه استفاده نکردند. مزاری مردی بسیار مومن و معتقد بودند.

اعتقادات مزاری شهید، به مذهب و اسلام و مرجعیت مذهبی فوق‌العاده بود و تزلزل در استاد هرگز راه نداشت. وی بعلت تقلید از حضرت امام عمیقاً برای استقرار حکومت اسلامی وارد مبارزه و پیکار اجتماعی و سیاسی شدند. اعتقادات سیاسی مزاری برخاسته از باورهای دینی استاد بود. در برابر تعهدات سیاسی و اجتماعی خود و در مبارزه با ظلم و استبداد تا مرز شهادت حرکت کردند. استاد شهید مرزهای جغرافیائی را در نور دیده بودند و برای اسلام در تبعیت از مرجع دینی خود حضرت امام آمادگی ایثار و شهادت و شهامت را داشتند و به همین علت زندانی می‌شود و شدیدترین شکنجه‌ها را در کنار سایر رهبران انقلاب اسلامی متحمل شدند.

ساواک مزاری را به علت اعتقادات مذهبی و به علت عقاید سیاسی مبارزه بر ضد رژیم

فوق‌العاده شکنجه نمود. نشانه‌های شکنجه در صورت و پشت و پهلوی مزاری وجود داشت.

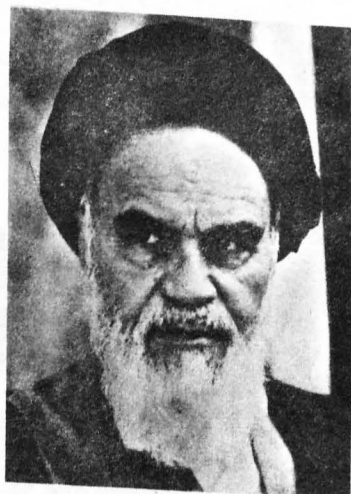
شجاعت، صداقت، ایمان، تقوا، جهاد و تعهد و ... شاخص‌ترین صفات استاد شهید بود و در این صفات عجین شده بودند. ایمان و تقوای ایشان فقط اسلام و ارزشهای مذهبی بود. ریاکاری و تقلب و تظاهر به اسلام و دیانت در وجود مزاری دیده نمی‌شد. ایشان شخصیتی بودند که در برابر اعتقادات خود هرگز انفعال و عقب‌نشینی نداشتند و «جبل راسخ» بودند.

صداقت در موضع مذهبی و سیاسی ایشان، موج می‌زد. در موضع‌گیریهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی خود، قاطع، صریح و صادق بودند. استاد شهید بارها به ما گفته بودند که: «در مبارزه باید به افراد ایمان و انگیزه داد؛ در جریان تعینات جنجالی حزب وحدت در کابل استاد در برابر

برخی اقدامات دیگران می‌گفتند که با پول نمی‌شود کسی را معتقد کرد، مبارزه یک اعتقاد است و با پول ملوث نمی‌شود.

استاد شهید دارای چنین ویژگیهایی در مبارزه، عقیده، تشکیلات و در حزب وحدت بودند. و درست همین اوصاف باعث گردید که مزاری چهره قاطع، صادق و نیرومند سیاست در تحولات اجتماعی و سیاسی افغانستان بماند.

اما در مورد انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام و رهبر معظم انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی و ... مزاری بعنوان یک رهبر عمیقاً مذهبی و متعهد به احکام اسلام و مذهب تشیع بودند. قویاً نگرش حاکمیت اسلام را پذیرفته بودند و درست به همین دلیل حضرت امام مرجع و مقلد ایشان بودند. با اعلام



مرجعیت مقام معظم رهبری
استاد شهید به علت قبول ولایت
فقیه و حکومت اسلامی مقام
معظم رهبری را مناسب‌ترین
مرجع دینی و رهبر سیاسی
می‌دانستند در یکی از مقالات
در خصوص حکومت اسلامی و
اسلام ناب محمدی (ص) مطلبی
به این مضمون نقل شده بود که:
«استاد شهید مزاری در افغانستان

با قبول ولایت فقیه و نظام
فقاہت شیعی در افغانستان این
تفسیر را ارائه داشته بودند که
ولایت فقیه در تفکرات شیعی
همان ولایت امری است که همه
مسلمانهای مبارز طبعاً آن را
قبول دارند. هر مجاهد اسلامی و
متفکر اسلامی که حکومت
اسلامی را بخواهد ناگزیر باید
بدیهی‌ترین اصل حکومت
اسلامی را که همان ولایت امر
باشد قبول نماید. حال شیعه آمده
و ولایت امر عام و مورد قبول
همهٔ مسلمین را در قالب سیستم
ولایت فقیه که در واقع بلا برین

و منزہ‌ترین ولایت امر خواهد
بود را مطرح نمود» و این
برداشت منسوب به استاد شهید به
نظر کاملاً درست است. بهر حال
امکان تشکیل حکومت اسلامی
در افغانستان و استقرار صلح و
عدالت در سایهٔ اسلام ناب
محمدی، یکی از عمیق‌ترین
باورهای استاد شهید بود. فرق
نمی‌کرد که مخالف سیستم
ولایت فقیه و ولایت امر شیعه یا
سنی باشد. استاد شهید قویاً در
برابر آنها موضع داشتند. اگر
صادقانه بخواهیم شعار طرح
ولایت امر و سیستم ولایت فقیه

را در فرهنگ اعتقادی و سیاسی
جامعه افغانستان بررسی نمائیم
بدون تردید استاد شهید مزاری
پرچم دار صادق این رسالت در
افغانستان بوده است. حساسیت و
تعهد استاد شهید در نشر افکار
حضرت امام در افغانستان در
جدی مطرح شده بود که
دسته‌های مخالف سیستم ولایت
فقیه شدیداً از ایشان در اشاعة
این تفکر اعتراض داشتند.
شخصیت مزاری، تشکیلات
مزاری، سیاست مزاری لازم و
ملزوم ولایت فقیه در افغانستان
شده بودند. این نهایت بی‌انصافی



اسلام بودند و درست به همین دلیل است که استاد شهید توسط عمال اسلام آمریکائی در افغانستان به شهادت می‌رسند .

استاد شهید ، یگانه چهرهٔ مومن در مبارزه و سیاست افغانستان بودند، که اعتقاد راسخ به تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان را داشتند. حضرت امام و مقام معظم رهبری علل اعتقادات استاد شهید و مرجع دینی ایشان در این نوع تفسیر از

و اجحاف خواهد بود که بعد از استاد شهید که قربانی جنایت عمال اسلام آمریکائی شد. کسانی معتقدتر از مزاری شهید در ولایت فقیه و مرجعیت حضرت امام و مقام معظم رهبری قلمداد شوند .

از زبان یار

□ شهید مزاری در مصاحبه با حجة الاسلام استاد فیاض

قدرت‌های استکباری می‌باشد در حالیکه در اسلام انقلابی دین و سیاست به هم آمیخته شده و از آن برای حل مشکلات امت اسلام در کلیه زمینه‌ها استفاده می‌شود. این اسلام قدرت‌های استکباری را به مبارزه می‌طلبد و اقدامات سیاسی و انقلابی را در برابر فساد، بی‌عدالتی، خودکامگی و هر نوع انحراف و وظیفه مسلمانان می‌داند و بدنبال تحقق حاکمیت خدا بر امور بشر است. در اسلام انقلابی ملاک قرآن، سنت پیامبر ائمه معصومین و سوابق کسانی که دنباله رو قرآن و تعالیم آن بوده می‌باشد. با ایمان به این اسلام است که جلو تهاجم استکبار گرفته می‌شود، و زمینه‌های فکری و عملی برای حاکمیت خدا و طرد طاغوت‌ها مساعد می‌گردد. وضعیت نامطلوب که در جهان اسلام مشاهده می‌شود از این رهگذر است که اسلام اشرافی در

اصولاً شهید مزاری معتقد بودند دو نوع طرز تفکر در جهان اسلام وجود دارد:

اسلام اشرافی - اسلام انقلابی

اسلام اشرافی دارای خصلت طاغوتی بوده و نهایتاً تسلیم قدرت‌های استکباری می‌گردد، در سایه این اسلام منافع ابر قدرت‌ها تأمین می‌شود و مستکبرین رشد می‌کنند، جامعه از نظر فکری و اخلاقی به انحراف و ابتذال و به لحاظ سیاسی و اقتصادی به اسارت کشانده می‌شود، دین از امور سیاسی دور نگاه داشته می‌شود، و اسلام فقط بعنوان رابطه شخصی بین انسان و خدا تفسیر می‌گردد که بر مبنای آن دین از سیاست جدا است، و مسلمانان نباید در سیاست دخالت کنند. در واقع، اینگونه اسلام ساخته استعمار و برای اسارت مسلمین است و به همین دلیل مورد حمایت و پشتیبانی

جهت از بین بردن رهبریت منافقین و کفر الهام دهد لازم است. استقرار حکومت جمهوری اسلامی به مسلمین نشان داد که اسلام در کلیه شئون حیات بشری می‌تواند پاسخگوی نیازمندیها باشد و آنچنان استعدادها را رشد دهد که در کلیه زمینه‌های سیاسی، نظامی - فرهنگی و توان مقابله با معاندین را به بهترین وجه به نمایش بگذارد، به وجه احسن جامعه را بسوی تکامل واقعی هدایت نماید و به هرگونه ستم خاتمه دهد. لذا می‌گوییم جمهوری اسلامی برای مسلمین یک الگو است و همه کشورها باید تلاش کنند تا چنین نظامی را حاکم گردانند.

شهید مزاری در مورد حضرت امام راحل معتقد بود که امام همان راهی را طی کرد که تمام انبیاء طی کردند. زیرا او اسلام ناب محمدی (ص) را که فراموش شده بود احیاء کرد، افکار خفته جهان اسلام را بیدار نمود، بذر حکومت جهانی اسلام را پاشید، انقلاب را با قلم و بیان از صفر شروع نمود، نموداری از اندیشه‌های خود را در مسئله حکومت و نظام اسلامی به دنیا نشان داد، راه حقیقت و عزت را برای همه مسلمین و مستضعفین باز و هموار ساخت و مسلمین را از دیده‌های بی اساس فرقه گرائی و نژاد پرستی بر حذر داشت. او را نه ثروت، نه قدرت، نه تهدید و نه تطمیع نتوانست فریب دهد. معصوم وار مبارزه کرد، با چشم انداز وسیع و تعبد عملی انقلاب اسلامی واقعی را معرفی کرده و پرچم توحید را به اهتزاز در آورده و لذا ما معتقد به

سایه قدرت‌های ارتجاعی در اذهان مسلمین جا گرفته است و تنها راه نجات جهان اسلام در این است که به اسلام ناب محمدی (اسلام انقلابی) پناه آورند و بر مبنای آن عمل کنند.

دیدگاه شهید مزاری در مورد انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران بدین نحو بود که:

انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (ره) عصری طلایی را برای اسلام ارمغان آورد و نمونه‌ی تسلی بخش برای تمام مسلمانان شد. اسلام ناب محمدی (ص) را بعد از قرن‌ها خاموشی احیاء کرد و به آن هویت بخشید و در تاریخ جهان اسلام دگرگونی عظیم بوجود آورد عظمت و بزرگی ملل اسلام را اعاده نمود، منافع ابرقدرت‌ها را در جهان به خطر افکند و جلو گسترش سلطه آنها را در جهان اسلام گرفت. از این رو پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تنها پیروزی ملت مسلمان ایران نیست بلکه پیروزی مسلمانان سراسر جهان است و به همین دلیل حمایت از آن وظیفه همه مسلمین است.

شهید مزاری بر این باور بود که برقراری جمهوری اسلامی بدون اتکاء به قدرت‌های استکباری این پیام را به مسلمانان می‌دهد که:

ایجاد حکومت اسلامی در هر کشور مسلمان ممکن است. در درجه اول گرایش فکری و تعهد عملی به اسلام ناب محمدی (ص) و حضور رهبریت انقلابی متعهد که به توده‌های مسلمان در

خط او و ادامه دهنده‌ی راه ایشانیم. مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، بیشک نقطه نظرهای امام راحل (ره) را در کلیه زمینه‌ها بیان و در برنامه ریزی جدید اعمال می‌نماید و از این رو پیروی از ایشان پیروی از امام است.

در رابطه با ویژگیهای استاد شهید مزاری

شهید مزاری تحقیقاً شخصیت استثنائی بود. متدین و متعبد، صادق و قاطع و صریح، دور اندیش و آرمانی و با بینش سیاسی بود که با شخصیت جذاب خویش ملت خود را بیدار کرد. او حاصلی کمیاب از جامعه ما بود که چون معلم بزرگ در ایده اسلامی و رهبری پرورش یافته بود او به مردم فهماند که جهاد در راه صلح و عدالت و رفع تبعیضات مذهبی و نژادی و ... اساس زندگی است و تنها راه آزادی و موفقیت است. او همواره با ملتش از نزدیک در تماس بود. به تمام خواسته‌ها و آرزوهای اشتیاق‌ها و محرومیت‌های آنها آشنا بود. شهید مزاری یک زندگی روحانی خالی از زرق و برق و تجملات دنیوی داشت و به بهترین وجه دریافته بود که هدف نهایی یک مسلمان این است که برای انسانهای محروم کار و تلاش کند و در جستجوی عدالت باشد. رها بودن از بند نفس و آمادگی او برای بالاترین فداکاریها در راه انقلاب و عدالت خصوصیت دیگر ایشان این بود که در دشوارترین شرایط، علیرغم خطرات، آزار و اذیتها و مخالفین بیشمار نه از خط عدالت خواهی عدول

کرد و نه تسلیم ظلم و کذب شد و نه ملت خود را تنها گذارد. او بدون ترس، توده مردم را از معانی و مفاهیم اسلام و عدالت و روشهای حق طلبی آگاه می‌کرد و پیروان خود را تشویق به پیشتازی می‌نمود. او هرگز بخاطر سود شخصی و دست یابی به موفقیت شخصی تن به مصالحه و سازش نداد. او دو هدف را شتابان دنبال می‌کرد: یکی آزادی محرومین و ستم دیدگان با از بین بردن روشهای غیر عادلانه، و دیگری، جامعه عمل پوشاندن به آرزوی ملت جهادگر افغانستان (که حکومت اسلامی است) و در این راستا با فرقه گرائی - نژادپرستی، تجزیه طلبی مخالفت می‌کرد. او با قدرت معنوی و بینش سیاسی که داشت میلیون‌ها مردم محروم، ستم دیده، ترسیده و غیرمتشکل را برای ریشه کن کردن ظلم متحد کرد. بعلت شخصیت او بود که هزاران مرد و زن پیر و جوان جان خود را برای اقامه عدالت در جامعه در طبق اخلاص گذاشتند. خلاصه ترکیبات عالی کیفیات معنوی، سیاسی، فکری در شخصیت شهید مزاری او را بعنوان رهبر مقاومت و سمبل انقلاب اسلامی در افغانستان ظاهر ساخت، آنچنانکه وقتی از مردم می‌خواست در راه انقلاب و دفع تعرض فداکاری کنند، مردم درخواست او را بعنوان یک ندای الهی تلقی می‌کردند.

والسلام

از زبان یار

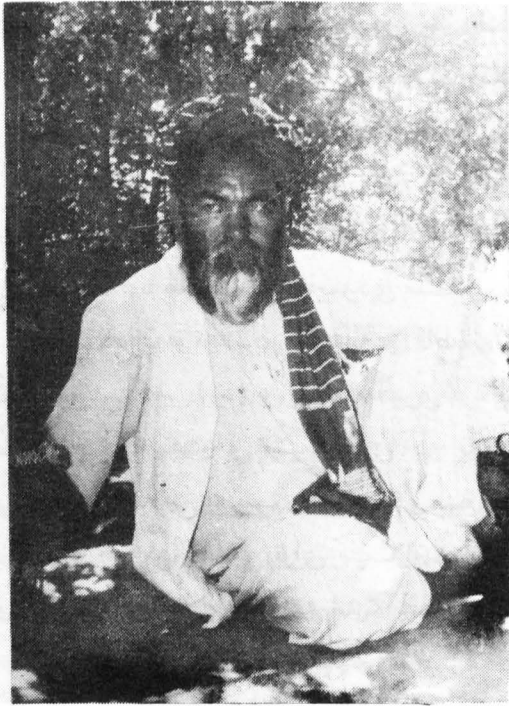
□ دیدگاه حجة الاسلام والمسلمین سید محمد سجادی

بعنوان یگانه مکتب نجاتبخش، تعالی آفرین و راهنمای عمل جهادی و مبارزاتی خود دریافته، باور کرده و تبلیغ می نمودند و معتقد بودند که در روزگار حاکمیت کفر و استکبار جهانی، تنها با تکیه بر اسلام و اصول و ارزشهای عزت آفرین آن می توان مبارزه کرد و جوامع اسلامی را به سوی قله های عظمت، پیروزی، سربلندی و بازیافت هویت اصیل انسانی و در نهایت سعادت مادی و معنوی رهنمون گردید.

در نگاه استاد شهید، اسلام یک مجموعه اوراد و اذکار نیست که تنها به تنظیم رابطه فرد با خداوند پردازد و کار قیصر را به قیصر واگذارد بلکه یک سیستم تام و کامل اعتقادی است که به منظور سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی بشر، و سازماندهی حرکت مجموعه منظم و معتقد انسانی به سوی خالق یکتای جهان و در نتیجه حاکمیت ارزشهای الهی و

قبل از هر صحبتی، به ارواح پاک و مطهر شهدای مظلوم مقاومت خونبار تشیع در کابل و بامیان و مخصوصاً شهیدان گلگون کفن افشار، چنداوول و غرب کابل درود می فرستیم و برای استاد شهید مزاری سیدالشهدای نهضت اسلامی افغانستان و پیشوای کبیر شیعیان این کشور، حجة الاسلام والمسلمین ابوذر غزنوی، حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی، دگر جنرال الحاج سید علی علوی، دگر جنرال حاجی جان محمد ترکمنی و ... علو درجات از درگاه حضرت حق مسئلت می نمایم. نگرش رهبر شهید ما نسبت به اسلام ناب محمدی و

وضعیت مسلمانان جهان بدین نحو بوده است از آنجا که او درس آموز مکتب انقلابی قائد فقید نهضت جهانی اسلام حضرت امام خمینی (ره) و یکی از فعالین و پیشتازان این نهضت در افغانستان و منطقه بودند، به همین دلیل اسلام را



خدایی در جامعه انسانی برنامه دارد. از اینرو این مکتب دربردارنده اصول و معیارهای مبارزه با طاغوتها، نفی حاکمیت‌های شرک، ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی، برابری انسانی و برادری اعتقادی نیز می‌باشد.

بر اساس همین باور او شدیداً رنج می‌برد و در راستای تغییر آن به سمت ایجاد یک وضعیت نوین بر پایه ضوابط اعتقادی اسلام مبارزه همه جانبه می‌کرد. او حاکمیت‌های موجود در سرزمینهای اسلامی را برخاسته از باورهای استعاری و فرهنگ وارداتی استکبار جهانی می‌دانست و همانسان که امام جهت نهضت جهانی اسلام، اقیانوس بی‌کران توده‌های مسلمان را به قیام و مبارزه علیه طاغوتها فرامی‌خواندند، وی نیز بر این باور بود که یگانه راه نجات از این وضعیت رقت بار و اسارت‌آور کنونی، مبارزه همه جانبه اسلامی و گسترش آن در سراسر سرزمینهای اسلامی و در نهایت سرنگونی رژیمهای الحادی، وابسته، ضد مردمی و ایجاد حکومت‌های اسلامی براساس تفکر اسلام ناب محمدی (ص) در این سرزمینها است.

استاد شهید در این راستا کمتر شعار می‌داد. وی در جهت تحقق اسلام اصیل و اهداف برین نهضت جهانی اسلام با تمام وجود تلاش می‌کرد و در این زمینه قوی‌ترین ارتباطات را با نهضت‌های اسلامی ایجاد کرده و خود بعنوان یکی از مطمئن‌ترین نیرومندترین و محمدی‌ترین پیشگامان نهضت

اسلامی در افغانستان عمل می‌نمود. تمامی طرحها، تلاشها، مقاومتها و فداکاریهای استاد شهید در طول حیات مبارزاتش و مخصوصاً در دوران مقاومت سه ساله کابل حول این محور و جهت ایجاد یک حکومت اصیل اسلامی بر اساس عدالت اجتماعی در افغانستان متمرکز بود. به همین دلیل و براساس همین باور هدف‌کینه و شیطنتهای استکبار جهانی و اذتاب آن قرار گرفته و سرانجام به چرم عدالتخواهی، و تلاش جهت ایجاد حاکمیت اصیل اسلامی، همانند مقتدایش حضرت علی (ع) با توطئه‌های ناکشین، قاسطین و مارقین زمانش روبرو شد و سرانجام بدست ابن ملجم‌های زمان در خون خویش وضو کرد و در محراب «عشق» به نماز

«شهادت» ایستاد و جاودانه شد.

□ نگرش استاد شهید مزاری به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران چگونه نگرشی بود؟

□ استاد شهید انقلاب اسلامی را حاصل مبارزات خونبار تمامی مسلمانان مجاهد و مبارز جهان می‌دانست که با مجاهدت و پایمردی ملت مسلمان و انقلابی ایران و رهبری داهیان و قاطعانه امام امت خمینی کبیر (ره) و با الهام‌گیری از تفکر اسلام ناب محمدی و تشیع علوی در یکی از سرزمینهای اسلامی به پیروزی رسیده و منبع الهام، حرکت و خیزش انقلابی برای کلیت امت اسلامی در وطن بزرگ اسلامی خواهد شد.

استاد شهید مزاری خود یکی از فعالین انقلاب اسلامی بود و در حقیقت حلقه‌ی واسطه میان رهبری انقلاب در نجف اشرف و هسته‌های اصلی آن در ایران بود به همین خاطر از سوی رژیم سفاک پهلوی دستگیر و زندانی شد و شدیدترین شکنجه‌ها را به جان خریدند ولی حسرت یک «آخ» را هم بر دل جباران شاه فرونشانند. او در زندان هم بند و هم زنجیر شهید محمد علی رجایی رئیس جمهور شهید کشور انقلابی ایران بود و این سخن شهید رجایی است که «ما در زندان از مقاومت و پایداری این روحانی افغانی در برابر شکنجه گران ساواک روحیه می‌گرفتیم...»

بر این اساس استاد شهید سخت معتقد به انقلاب اسلامی و رهبری سازش ناپذیر و قاطع آن بود و جمهوری اسلامی در ایران را اولین ثمره شیرین

انقلاب اسلامی می‌دانست، یگانه نظامی که بر پایه اسلام و ارزشهای انقلابی اسلام شکل گرفته و در حقیقت بعنوان مظهر مال و آرزوهای امت اسلامی به شمار می‌آید. هرچند در این اواخر برخی از سیاستها که توسط برخی از کارگزاران در قبال مسایل افغانستان ناراضی بود ولی موضع‌گیری حتی در برابر سیاستهای یاد شده را جایز نمی‌دانستند.

□ دیدگاه استاد شهید نسبت به حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای چگونه بود؟

□ او مقلد و مرید حضرت امام بود و همانسان که اشارت رفت باورهای اعتقادی اصول مبارزاتی و خصلتهای خود را از مکتب امام دریافته و فرا گرفته بود. او امام را فراتر از یک رهبر سیاسی و یک مرجع تقلید می‌دانست و معتقد بود که امام تجسم عینی مکتب و یگانه الگوی انسان بودن، مبارز بودن، رهبر بودن، مسلمان بودن، شیعه بودن و... بعد از ائمه معصومین «صلوات الله علیهم اجمعین» است و بدینترتیب اکثر خصلتهای برجسته و متعالی حضرت امام (ره) در وجود استاد شهدی تجلی داشت. او تعبد، زهد و پارسایی، ساده زیستی، مردم دوستی، اصول گرایی، قاطعیت، مقاومت، عزت نفس، تواضع با فرودستان و غرور در برابر زور مردان و بسیاری برجستگیهای دیگر را دقیقاً از امام و مرادش آموخته بود.

او هرگاه از امام سخن می‌گفت، عاشقانه می‌گفت

افغانستان اعلام نمایند که متأسفانه حضرات به دلیل ملاحظات که داشتند از این امر سر باز زدند!!
 □ برخی از ویژگیهای استاد شهید مزاری را بیان فرمایید؟

از مهمترین بزرگیهای استاد شهید توکل و اتکای بی مرز او به حضرت حق بود که این خود ناشی از همان ایمان عمیق و آگاهانه‌ی او به خداوند و خواست و مقدرات او بود. و همین توکل و تکیه‌ی او به خدا از وی کوهی استوار ساخته بود که بی هراس از هر قدرتی سنگر مبارزه‌ی عدالتخواهانه‌ی خود را با کمال مردانگی و سربلندی حفظ کرده و در دفاع از حق و عدالت لحظه‌ای درنگ نکند. او جز قدرت پروردگار از هیچ قدرت دیگری هراس به دل راه نمی‌داد. در امر پاسداری از دستاوردهای جهاد و مقاومت مردم مقاومت استوار بود و شائد و نامالیقات کمترین تزلزلی را در او باعث نمی‌شد. در اوج جنگها و آتشباریها و تهاجمات دشمن و در حالی که نیروهای تحت امرش با شدیدترین کمبودها و مشکلات مواجه بودند و بسیاری از همکاران و یارانش را اضطراب و ترس فرا می‌گرفت از نگاه نافذ او تنها رقه اطمینان و امید می‌بارید گویی که هیچ مسئله‌ای پیش نیامده است و همین، به یاران و سربازانش امید و نشاط می‌بخشید هرگاه می‌گفتی: استاد! شرایط دشوار است. به آرامی در جواب می‌گفت: هرچه خدا بخواهد همان می‌شود. و البته این توکل با هوشیارانه‌ترین تدبیرها همراه بود که

و به تعبیر زیبای شهید آیةالله العظمی سید محمد باقر صدر او در امام خمینی «ذوب شده بود». استاد شهید یگانه چهره‌ای بود که در افغانستان از اندیشه‌های والای امام و خط مبارزاتی او سخن می‌گفت و نسل جوان و سرگردان این سرزمین را با چشمه سار زلال و جوشان تفکر انقلابی امام پیوند می‌داد و بهمین خاطر مورد آماج اتهامات و حملات تبلیغاتی از سوی مفتیان درباری از شیعه و غیر شیعه قرار گرفته و تا آخرین روزهای حیات این شاگرد سینه چاک خمینی (ره) از عناد با وی دست برنداشتند.

پس از حضرت امام یگانه شخصیتی که مورد اعتقاد و باور استاد شهید برای رهبری نهضت جهانی اسلام و مرجعیت عامه‌ی تقلید قرار داشت حضرت آیةالله العظمی خامنه‌ای دامت برکاته الشریف بود. او همواره از حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه‌ی مقدّسه قم گلایه داشت که چرا پس از امام مرجعیت معظّم له را اعلام نکردند و هنگامی که در پی ارتحال حضرت آیةالله العظمی اراکی (رض) مرجعیت ایشان اعلام شد، استاد شهید اولین کسی بود که صمیمانه از این مرجعیت پشتیبانی کرده و آنرا به مردم افغانستان اعلام داشت و توسط اینجانب به شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی که در آن زمان اکثریت اعضای آن در شهر مقدّس قم ساکن بودند، پیام داد که براساس وظیفه تشکیلاتی خود مرجعیت حضرت آیةالله العظمی خامنه‌ای را به شیعیان

بیان آنها مجال بیشتری می‌طلبد.

دومین ویژگی استاد شهید تعبد مطلق او نسبت به مسایل شرعی و رعایت کلیه احکام و انجام واجبات و مخصوصاً پرهیز از محرمات بود. در این زمینه او اهل تظاهر و ریا نبود ولی سخت مراقب بود که در حیطه‌ی زندگی فردی و اجتماعی خود در چهار چوب احکام الهی حرکت کند و در این زمینه کمترین سهل انگاری از سوی نزدیکانش را نیز تحمل نمی‌کرد.

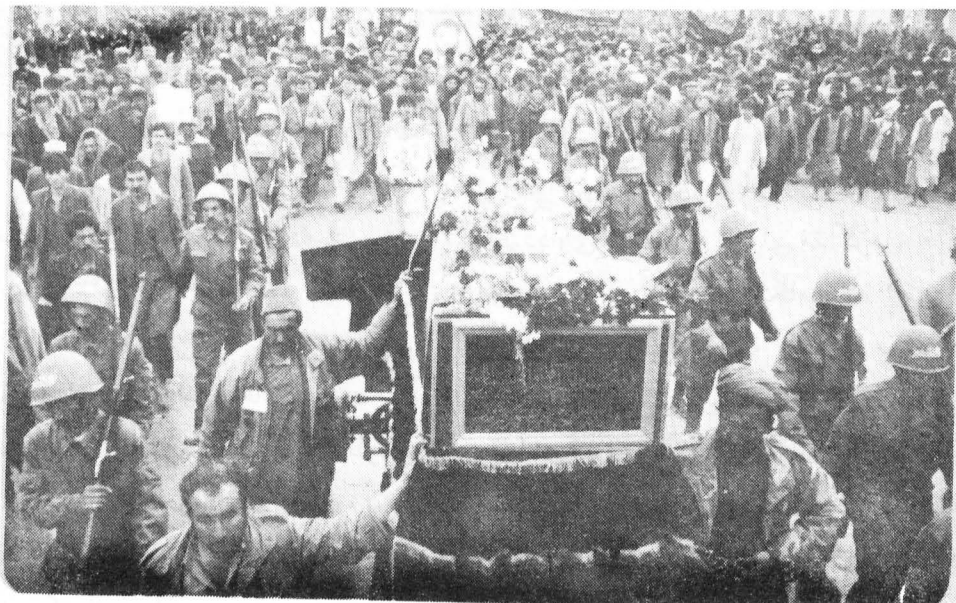
در نمازها از سوز دل با معبودش راز و نیاز می‌کرد، بخشی از ماههای رجب و شعبان را روزه می‌گرفت و در ماه رمضان از افطار تا افطار دیگر امساک می‌کرد و به کمترین غذا اکتفا می‌نمود. از غیبت حتی بدترین دشمنان خود پرهیز داشت و حاضر نبود پشت سر کسانی که بدترین جفاها را در حق او انجام دادند، از آنها بدگویی کند.

از دیگر ویژگیهای او زهد و پارسایی او بود. او کمترین علقه‌ای به دنیا و اهل دنیا نداشت و هیچگاه تحت تأثیر مظاهر دنیا قرار نگرفت. از مال دنیا هیچ نداشت. حتی فرشهای روی اتاقش امانتی مریدانش بد حال و خانواده‌اش و مادر پیرش در قم را همه می‌دانند و او حاضر نبود از امکانات سرشاری که در اختیارش بود حتی دیناری صرف امور شخصی و خانوادگی خود کند.

یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد اوسعه‌ی صدر و گذشت فداکارانه‌اش نسبت به معاندان مخالفان شخصی‌اش بود. او بر خلاف بسیاری

دیگر از رهبران و سرآمدان که خود را معیار حق و باطل انگاشته و در رابطه با افراد دیگر بر اساس میزان انقیاد و اطاعت آنان نسبت به خود برخورد دوستانه یا خصمانه دارند، با تمامی افراد و اشخاص براساس میزان وفاداری آنها نسبت به مصالح مردم، کارآیی و لیاقت شخصی و تعهد مبارزاتی و اعتقادی آنان برخورد می‌کرد و دست همه کسانی را که برای اسلام، نهضت اسلامی و مصالح ملی تلاش صادقانه داشتند می‌فشارد و بهمان نسبت با عناصر خائن و مزدور بیگانه که مصالح مردم را به پای بیگانگان قربانی می‌کردند برخورد قاطع داشت و به هیچ قیمت از آنان نمی‌گذشت. در قضایای اخیر بیشترین گذشت، اغماض و عطف و رانسبت به عناصری که محبوبیت روز افزون او در میان گروه‌های مردم را متحمل نبوده و به مخالفت با شخص وی برخاسته بودند از خود نشان داد اما وقتی که مسئله به موجودیت شیعه مربوط شد سازش ناپذیرترین موضع را در برابر آنان اتخاذ کرد و گذشت نکرد و عظمت شیعه و عزت و عظمت آنرا به رضای هیچ فرد و گروهی ترجیح نمی‌داد.

او برای ایجاد و استحکام وحدت جامعه شیعی و هزاره افغانستان از همه مصائب و مشکلات که به وی تحمیل شده بود چشم پوشی کرد ولی در برابر توطئه گرانی که علیه وحدت مردم قامت راست کرده و برای شکستن این نهال نو پا با دیگران همداستان می‌شدند، قاطعانه ایستاد و به افشای



افغانستان بودند که بارها و بارها برای کسب نظر و جلب حمایت حزب وحدت اسلامی و مردم مربوط به این حزب در مقر این حزب حضور یافته و با رهبری آن به مذاکره نشستند. و او در مذاکره با رقبای سیاسی، هیئتهای صلح داخلی و خارجی و فرستادگان ویژه دشمن با متانت وقار و شجاعت برخورد کرده و از وضع اصولی و بر حق مردم خود دفاع می‌کرد او برای حل اصولی بحران کشور نیز طرحهای مفید و سازنده و راهگشای خود را ارائه می‌کرد و هیچگاه تحت تأثیر جو سازی و شانتاژهای سیاسی و چشم غزه‌های برخی از حامیان قدرت حاکم قرار نمی‌گرفت. همین غرور مقدس برای کسانی که مردم هزاره را به هیچ می‌انگاشتند و از آنها انتظاری جز اطاعت بی چون و چرا نداشته و اصولاً هزاره را در حد فرمانبری و فرمان‌پذیری تحمل می‌کردند بسیار گران می‌آمد و

چهره‌ی کریه و بد منظر آنان پرداخت و در این رابطه هیچ ملاحظه‌ای جز منافع و مصالح مردم نداشت.

از دیگر ویژگیهای استاد شهید عزت نفس و غرور خدایی او در برابر قدرتمداران و قداره‌بندان حاکم بود. او در طول حیات سیاسی‌اش و مخصوصاً سالهای مقاومت کابل هیچگاه به پای بوس اربابان قدرت نرفت و در برابر آنها سر خم نکرد و در مواجهه با آنها جز بر مدار منافع مردم خود و خواسته‌های بر حق و عادلانه آنها حرکت ننمود. درحالیکه سالهای صعب مقاومت تشیع در کابل برای عده‌ای اسباب بهره‌گیریهای رندانه‌ی سیاسی و رسیدن به نام و نان و تنعم را فراهم آورد او تنها سرو سرافرازی بود که مسند گزینان را به پیشگاه مردم حرمان زده و در عین حال بپا خاسته غرب کابل فرا می‌خواند و این مدعیان تاج و تخت

پابوسی وی می‌رفتند.

استاد شهید تنها شخصیتی بود که علیرغم درخواستهای مکرر ربّانی از رفتن به دربار وی خودداری کرده و او را برای مذاکره به مرکز حزب وحدت دعوت نمود. هنگامی که آقای ربّانی به مرکزیت حزب دعوت آمد و مسئله امتیازات شخصی برای استاد شهید را مطرح نمود، شهید با قاطعیت در برابر او ایستاده و از حقوق مسلم سیاسی، مذهبی و اجتماعی مردم خود و نیز مشارکت متناسب همه اقوام و ملیتهای ساکن کشور در قدرت سیاسی آینده سخن گفت و آقای ربّانی را نصیحت کرد که اشتباهات تاریخی دیگران را تکرار نکرده و راه انحصار طلبی را فرایش نگیرد. در این نشست استاد شهید بیش از هر مسئله‌ای دیگری بر روی حقوق ملیتهای محروم کشور و تحقق عدالت اجتماعی تأکید کرد و غرور ربّانی را که به طمع تسخیر موضع سیاسی استاد شهید به مرکز حزب وحدت اسلامی آمده بود شکست و برای او ثابت کرد که مزاری در اندیشه رسیدن به قدرت و کسب امتیازات سیاسی شخصی نیست بلکه او به مردم، وحدت ملی، عدالت اجتماعی و امنیت سراسری در کشور می‌اندیشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

آنان را وادار به تحمیل جنگهای خونین و طاقت سوز علیه شیعیان که عمدتاً از مردم هزاره‌اند می‌کرد.

□ اگر خاطره‌ای از استاد شهید دارید برای خوانندگان ما بیان کنید؟

□ زندگی در کنار آن ابر مرد تاریخ تشیع و نهضت خونبار اسلامی، سراسر خاطره و درس آموزی است. برای من که در سالهای پر مخاطره‌ی مقاومت در رکاب او و جزو سربازان او بودم تمام لحظه‌ها و صحنه‌ها خاطره است که در این فرصت به بیان یکی از آنها می‌پردازم:

در اولین روزهای پیروزی مجاهدین و آزادی شهر کابل اگرچه در ظاهر حضرت صغّه‌الله مجدّی رئیس دولت بود و بعنوان اولین رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان یاد می‌شد ولی عمدتاً قدرت در دست احمد شاه مسعود و برهان الدین ربّانی و تشکیلات جمعیت اسلامی و شورای نظار بود که بیشترین نیروی نظامی را در شهر کابل وارد کرده و عمده‌ترین مراکز نظامی را در اختیار گرفته بودند و از سوی دیگر طبق معاهده‌ی پیشاور قرار بود بعد از ختم دوره‌ی دو ماهه‌ی ریاست آقای مجدّی قدرت رسماً نیز به آقای ربّانی و برای مدّت چهار ماه تحویل شود.

بر همین اساس و با توجه به اینکه ربّانی رئیس بالفصل و بالقوه دولت آینده به شمار می‌آمد، بسیاری از شخصیتهای سیاسی شیعه و سنی در جهت تقرّب به وی به مسابقه پرداخته و هر روز به

از زیاده‌یار

□ خاطرات جناب آقای محمد اسحق محسنی داماد عموی شهید مزاری از استاد مزاری

س: آشنایی جنابعالی با شهید مزاری از چه زمانی شروع شد و ارتباط شما چگونه ادامه یافت؟

ج: آشنایی من با شهید مزاری از سال ۱۳۵۵ شروع گردید. پس از چند سال مبارزه در ایران که به دستگیری و زندانی شدن ایشان در ایران منجر گردید و شکنجه‌های ساواک شاه را متحمل گردید از ایران اخراج شد و در افغانستان من به دیدار او رفتم. آثار شکنجه بر روی صورت او هویدا بود، از استاد در این رابطه سؤال کردیم و پس از اصرار ما گفت که وی را با سیگار سوزانده‌اند و شکنجه کرده‌اند و اگر تبعه خارجی نبودم اعدام میشدم. استاد شهید فعالیت‌های فرهنگی را در منطقه شروع کرده بودند و کتابهای بزرگانی نظیر شهید مطهری و دیگران را با خود داشتند که در اختیار من قرار دادند و من به عنوان یکی از دوستان و علاقه‌مندان استاد تا آخر عمر خود را دوستدار وی و رهرو راه وی میدانم. شهید مزاری در حد توان در رابطه با محرومین و شیعیان افغانستان - بطور اخص - تلاش داشتند تا آنها را از محرومیت نجات دهند. درد او این بود که میگفت ما بایستی این مردم را از زیر یوغ و دستبرد ظالمان رها کنیم، و راه آنرا آگاهی دادن به آنها میدانست تا قیام کرده و حقوق خود را بدست آورند و این بود که به کار فرهنگی پرداخت و با سواد شدن مردم را مد نظر داشت. در سال ۵۶ که ایشان از ایران برگشت ما در مدرسه بحرالعلوم مزار شریف درس میخواندیم و ایشان منزل اجاره نمود و تلاش در جهت بالا بردن سطح آگاهی ما داشت. اتاق او بسیار سرد بود، بدون آنکه وسیله



گرم کردن داشته
باشد در آنجا
زندگی میکرد و به
طلاب افغانی
ماهیانۀ ۵۰۰
همراه با اهداء
کتابهایی در رابطه
با انقلاب اسلامی
ایران میداد. شیوه
استاد این بود که از
کتابهای فارسی
امتحان نیز
میگرفت که برای

طلاب تعجب آور بود. یکسالی پس از روی کار آمدن رژیم کمونیستی در افغانستان و تعقیب وی، مخفیانه و با نامه‌های جعلی و بدلی از طریق زابل وارد خاک ایران شد و از آن به بعد در رفت و آمد بین این دو کشور و همچنین پاکستان بود و به عنوان یک شخصیت مبارز در افغانستان و نیز جامعه بین‌المللی مطرح گردید.

س: نگرش و نحوه تفکر او درباره امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی ایران چگونه بود؟

ج: ایشان در رابطه با امام آنقدر علاقه داشتند که خود را حل شده در امام میدانستند. او انقلاب را متعلق به ایران تنها نمیدانست بلکه متعلق به تمامی مسلمانان میدانست و انقلاب اسلامی ایران را احیاکننده مجدد اسلام ناب محمدی میدانست. علاقه وی به امام به حدی بود که یکی از دوستان نزدیک خود را به خاطر بی‌احترامی به امام خمینی (ره) از سازمان نصر اخراج کرد و در جواب معذرتخواهی او گفت: «هرچه که درباره من بگویی میگذرم ولی حرفی که درباره امام گفته‌ای از یاد من نمی‌رود و گذشت نمیکنم»

یا مورد دیگر اینکه امام درباره افغانستان صحبتی کرده بودند که یکی از رهبران جهادی افغانستان به حرف امام اعتراض کرده و گفت که همین حرف امام باعث کشتن شیعیان میشود و این حرف او باعث شد که استاد شهید تا روز آخر عمر خود با او حرفی نزنند.

ارادت او به حضرت امام ره به حدی بود که وقتی در افغانستان همه امام را آیت‌الله‌خمنی می‌نامیدند وی میگفت آقا و اگر از او میپرسیدند که کدام آقا؟ او ناراحت می‌شد و می‌گفت آقا فقط یکی است و آن هم امام خمنی است. به او مارک‌هایی زدند نظیر مزدور ایران، خمینیزم، ولایت فقیهی‌ها. ایشان خود را منحل در چهره امام میدانستند و امام برای ایشان آینه‌ای بود که فقط خود را در آن میدیدند.

علاقه شهید مزاری به جمهوری اسلامی ایران تا آنجا بود که در هنگام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران میگفتند:

«ایران ام‌القری و مرکز جهان اسلام است و اگر امر دایر شود بر حفظ ایران و یا افغانستان، ما حفظ ایران را واجب‌تر میدانیم». در زمان انقلاب اسلامی، ایشان مقیم قم و در مدرسه دارالشفاء بود، آقای شریفی مسئول امور شهریه مقام معظم رهبری اشاره میکردند که زمانی که ایشان طلبه دارالشفاء بودند شهریه نمیگرفتند. موقعی که طلبه بودند برادر بزرگ ایشان از افغانستان جهت زیارت بیت‌الله‌الحرام آمدند و مقداری پول را از حاجی خداداد پدر ایشان جهت حج برای شهید مزاری ارسال کردند که به حج بروند و ایشان به سوریه رفت ولی به علت عدم ویزا از سوریه برگشت و به عراق رفتند و به محضر امام مشرف شدند.

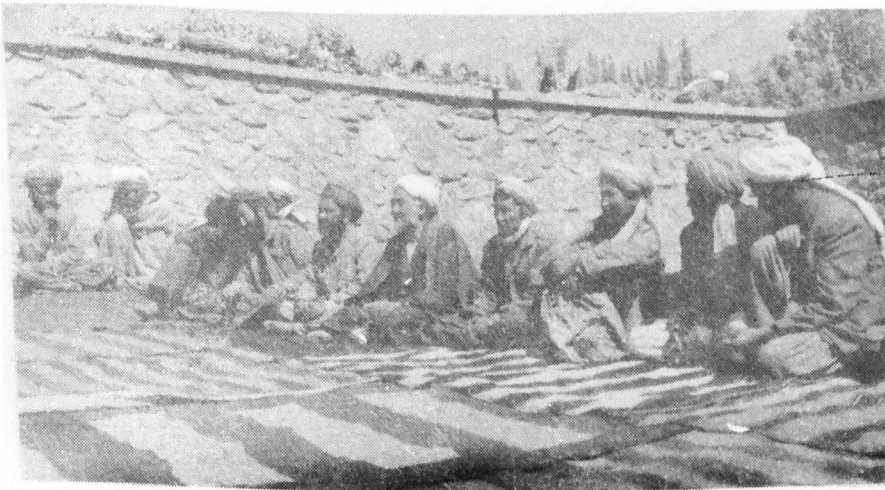
ایشان سخت معتقد به ولایت ائمه معصومین و نیز ولایت فقیه بودند و مخفی‌کاری هم نمیکردند و حرف خود را میزدند. ایشان سعی در آن داشتند که چیزهایی که وارد جامعه اسلامی شده است حذف گردد و عقیده مردم بر آن مکتب ناب اسلامی محکم شود که همان اسلام ناب محمدی است.

س: زندگی خانوادگی استاد چگونه بود؟

شیوه زندگی استاد بسیار ساده بود. او زندگی خیلی پایینی داشت و حتی در زمان جوانی وی اگر دو نوع غذا سر سفره بود نمیخورد و میگفت مگر یک شکم چقدر می‌خواهد. او با اینکه امکانات بیت‌المال در اختیارش بود ذره‌ای استفاده نکرد و هنگامی که پدر ایشان شهید شدند به استاد عرض کردیم که مادر و خانواده شما در افغانستان خرجی ندارند بر ایشان مقداری پول بفرستید که ایشان برآشفند و گفتند که من پولی ندارم و خانواده شهید با گلیم‌بافی خرج خود را درمی‌آوردند. او بیشتر بر خود سخت میگرفت و پیوسته سعی میکرد تا خود را از بُعد رفاهی با فقیرترین افراد جامعه برابر کند.

س: چه خاطرات و ناگفته‌هایی درباره شهید دارید؟

ج: خاطرات زیادی درباره شهید دارم و بطور کلی بسیاری از ابعاد شخصیتی استاد ناگفته مانده است و شهید



را در ۲۰ سال آینده
باید شناخت. در
موقعی که
افغانستان اشغال
شده بود اغلب
اوقات، ایشان
کفش در پا نداشتند
و علت آن در

بخشیدن به مجاهدین پابره‌نه بود. یادم می‌آید موقعی بود که ایشان از تهران به منزل آمد و میهمان زیادی هم داشتند و خانم ایشان هیچ پولی نداشتند و مجبور به قرض کردن پولی از همسایه شدند تا مقداری نان سنگک و ماکارونی خریده برای آنها دادند. پس از رفتن میهمانها خانم ایشان به استاد میگویند که چرا بیرون از اتاق نیامدند تا مجبور به قرض گرفتن از همسایه نشوند و استاد میگویند ما به نان سنگک قانع بودیم نیازی به قرض برای ماکارونی نبود و همسرش به استاد اشاره کردند که حتی پول نان سنگک هم نداشته است و یا ماجرای تهیه کردن لباس برای تنها فرزندشان که استاد پیراهن خود را پاره میکند تا لباسی برای نوزاد خود بدوزند اینها همه در حالی بود که میلیونها افغانی در اختیار استاد بوده است.

- از دیگر خصایل استاد این بود که یکبار صحبت کردن ایشان با شخصی کافی بود تا او را شیفته خود سازد. او از حافظه‌ی بالایی برخوردار بود - از آدمهای ذلیل و خوار و زبون بدش می‌آمد. همیشه از دوستان نادان خود می‌گذشت و خطاها و اشتباهات آنان را نادیده می‌گرفت. هنگامیکه برای استاد خبر آوردند که فلان شخص خیانتکار است او گفت که بگذارید برای خود لقمه نان فراهم کند استاد جهت وحدت و جلوگیری از تفرقه بسیار گذشت و ایثار کرد و از حق خود در این دنیا گذشت و آنرا به قیامت موکول کرد. ایشان همه غمها را در درون خود فرو برد و صبر را پیشه خود ساخت. در عرض سه سال چهره ایشان نزد مردم مشخص شده بود و شیعه و سنی او را دوست داشتند. هیچ کس نمیتوانست عمق عشق او را به ائمه و به امام خمینی ره ببیند. وی مورد بغض بسیاری، از جمله برخی از شیعیان افغانی بود و بالاخره عوامل مختلفی از داخل و خارج دست به دست هم دادند تا طی توطئه‌ای ناجوانمردانه احیاگر امیدها و آرزوهای شیعه را در افغانستان از سر راه بردارند تا شیعه را به راهی جز آن راه که استاد می‌خواست پیش ببرند.

گفتگو با بیت شهید

□ مصاحبه با مادر شهید مزاری:

«مزاری آقا بود»

ای کاش باز هم مزاری داشتم و در راه خدا می دادم
مادر شهید مزاری دنیائی از صبر و استقامت است وی، شیر زنی است که زینب وار شهادت شوهر و تمامی
پسران و دختر و داماد خود را تحمل کرده است. او دائماً در حال ذکر است. اطرافیان وی می گویند: او شبها تا
به صبح در خانه راه می رود و با شهید مزاری صحبت می کند. گویی آنها در پیش او هستند و دائم می گوید که
مرا هم پیش خود ببرید و ای کاش من هم پیش شما بودم.
ای کاش باز هم مزاری داشتیم و در راه خدا می دادم.
خداوند به او سه پسر و دو دختر داد که او هر سه پسر را در راه خدا تقدیم کرده است و یک دختر و نیز
شوهر، داماد و نوه وی شهید شده اند، باز هم حاضر است تا در راه خدا قربانی بدهد.
از مادر شهید مزاری ابتدا فقط درباره مزاری می پرسیم و او چنین می گوید:
شهید مزاری نور بود. او از همان کودکی راه کمال را می پیمود. مرگ او یک طرف بقیه هم یکطرف. شهادت او برای من خیلی
جانسوز بود.

شهید مزاری سه ماه رجب و شعبان و رمضان را روزه می گرفت.
افطار به افطار غذا می خورد بدون آنکه سحری بخورد روزه می گرفت.
نماز شب وی ترک نمی شد، زمانیکه طلبه بود در شبهای سرد زمستان پشت بامها می رفت و آنجا درس
می خواند.
- رابطه او با من بسیار خوب بود مرا بسیار دوست داشت. خدا داده بود خدا او را گرفت.

- موقعی که ما از اسارت دیگران خلاص شدیم، آقای مزاری که به افغانستان آمد ما در شولگره بودیم. او ما را توسط دیگران به ایران فرستاد و بعداً خودش آمد.

- در رابطه با خرج و مخارج زندگی ما ایشان هیچگونه کمکی نمی‌کرد و حتی یک استکان هم برای ما نخرید و حرف ایشان این بود که شما خودتان گلیم ببافید و زندگی خود را اداره کنید زیرا من یک ریال از بیت‌المال را نمی‌توانم بدهیم.

مدتها بود که از او خبر نداشتم و بیتاب بودم به او پیغام دادم که یک طوری با من تماس بگیرد که حداقل صدای او را بشنوم ولی او گفت، تلفن از کابل به قم دقیقه‌ای ۱۱ دلار است و من از بیت‌المال یک چنین کاری نمی‌کنم.

- در موقع جوانی به او پیشنهاد کردم که زن بگیرد ولی او گفت من می‌خواهم درس بخوانم. او نفرِ آقا بود و می‌گفت من آقا را تنها نمی‌گذارم.

- دیگران که رفتند اثرش کمتر بود. مزاری که رفت حال من خیلی بدتر شده و گوشم سنگین شده است. از مادر شهید مزاری درباره دیگر شهدایی که در راه خدا تقدیم کرده است سؤال می‌کنیم و او چنین پاسخ می‌دهد:

در جنگ اول کمونیستها فرزند کوچکم سلطانعلی را در جبهه به شهادت رساندند. بعد، دیگران خبر شهادت او را به من دادند از شهادت او بسیار غصه خوردم و ناراحتی قلبی پیدا کردم و پس از شش ماه بهتر شدم. دختر من که خداوند به او بچه‌ای عطا کرده بود و در بستر زایمان بود، در همین ایام کمونیستها منطقه را بمباران کردند و دختر من را به شهادت رساندند، در حالیکه کودک او هم در آغوش مادر به شهادت رسید. حاجی خداداد شوهرم و حاجی غلام نبی فرزند بزرگم را یکجا شهید کردند که شهادت آنها به وسیله عمال دولت بوده است و از جنازه هر دوی آنها تا امروز خبری نیست و داماد من را هم با آن وضعیت شهید کردند و او را زنده زنده آتش زدند.

پیام من بر مردم ایران و افغانستان این است که:

همه باید در راه اسلام و حق تلاش کنند. آقای مزاری که در راه حق رفت مردم افغانستان هم در راه حق گام بردارند و ما دوست داریم که حکومت اسلامی در افغانستان پیاده شود. ما از مسئولین و ملت اسلامی ایران بسیار راضی هستیم. آنها به ما پناه داده‌اند و ما در اینجا در کمال آسایش زندگی می‌کنیم.

مردم قدر مسئولان اسلامی ایران را بدانند، فکر و ذکر شهیدان من امام و رهبر بودند. شهید مزاری من شهید راه خدا بود. او نفر امام خمینی بود که می‌بایست در راه خدا شهید می‌شد.

گفتگو با بیت شهید

□ مصاحبه با همسر شهید مزاری ره

اینجانب همسر شهید مزاری از اینکه جهت بزرگداشت مقام شهید مزاری تلاش می‌کنید تشکر می‌کنم. کلاً آشنایی من با خانواده شهید مزاری به رابطهٔ دوستانه‌ای که میان پدر و خانواده من با خانواده شهید حاجی خداداد برقرار بود، برمی‌گردد. شهید حاجی خداداد مرا از پدرم برای فرزندش خواستگاری کرد که مورد موافقت قرار گرفت و اگرچه بروز جنگ مشکلات فراوانی را در مسیر زندگی من سبب گردیده است ولی خدا را شکر می‌کنم که به من صبر عنایت کرده است.

پس از شهادت حاجی خداداد و شوهرم حدود ۴ سال در چهارکنت به شکل زندانی به سر بردیم که در این مدت چه زخم زبانها و چه رنجهایی که بر ما وارد نشد تا اینکه هیئتی از سوی جمهوری اسلامی ایران به آنجا آمده و ما را نجات داد و ما توانستیم به مزار شریف منتقل شویم و وقتی شهید مزاری از ایران به شولگره آمدند ما را از مزار شریف به شولگره نزد خود بردند و در آنجا به پیشنهاد و وساطت عمه شهید مزاری با استاد مزاری ازدواج کردم و پس از آن به قم نقل مکان کردیم و ثمره ازدواج ما یک دختر است که نام او را زینب نام نهادیم.

شهید مزاری مرتب در جبهات جنگی و در رفت و آمد بسر برده است و کمتر در منزل بوده است. از خصوصیات بسیار بارز شهید، قناعت و صبر وی بود. چه بسیار اوقات که در خانه با قناعت تمام زندگی می‌کرد در حالیکه دست او بسیار باز بود و این خوف از خدا و اعتقاد بالای وی به روند قیامت بود که باعث می‌شود بسیار محاسبه نقش داشته باشد.

گفتگو با بیت شهید

□ مصاحبه با خانم کبری مزاری

س: خانم مزاری به عنوان اولین سؤال جهت آشنایی خوانندگان محترم درباره خانواده خود توضیح دهید؟
ج: بسم الله الرحمن الرحيم، اینجانب کبری مزاری فرزند شهید حاجی خداداد هستم. سه برادر و یک خواهر داشتم که جملگی در راه خدا به شهادت رسیدند و اکنون تنها فرزند این خانواده هستم که نزد مادر عزیز و بزرگوار خود با دو فرزند بجای مانده از شوهر شهید خود زندگی می‌کنم و خدا را در هر حال سپاس می‌گویم که چنین موهبتی نصیب خانواده ما نموده است و انشاءالله خداوند مرگ مرا نیز شهادت در راه خودش قرار دهد.

کوچکترین برادر ما شهید سلطانعلی اولین شهید خانواده ما بود که در ۲۲ سالگی بدست کمونیستها به شهادت رسید که شهادت وی در سال ۱۳۵۸ بوده است. تنها خواهرم شهیده خدیجه دومین شهید خانواده ما بود که در ۲۴ سالگی در سال ۱۳۵۸ بوسیله بمباران هوایی به شهادت رسید در حالیکه در بستر زایمان بود و باتفاق نوزادش بسوی خدا هجرت کردند.

شهید حاجی خداداد و برادر بزرگم حاج غلام نبی سومین و چهارمین شهید خانواده ما بودند که به اتفاق هم بدست عمال دولت در سال ۱۳۶۱ به شهادت رسیدند که شهادت آنها برای من و مادرم بسیار ناگوار بود. شوهر اینجانب حجت الاسلام آقای محمد امین امینی پنجمین شهیدی بود که در سوگ او نشستیم که در سال ۱۳۶۱ بدست نیروهای دولتی به شهادت رسیدند. نحوه شهادت جانگداز ایشان بدینگونه بوده است که ایشان هنگامی که مجروح می‌شوند و درون انبار خود را مخفی می‌کند که نیروهای دولتی ایشان را گرفته و در حالیکه زنده بود او را آتش زدند.



ششمین شهید خانواده ما که بیش از مجموع پنج شهید داغ ما را تازه کرد شهادت استاد مزاری بود که در واقع سیدالشهداء افغانستان محسوب می‌گردند که طی یک توطئه بدست کوردلان به شهادت رسید که زمان شهادت ایشان ۱۳۷۳ بود. س: خانم مزاری اشاره به چگونگی شهادت عزیزان خود و ملت شیعه نمودید، با توجه به فاصله ۱۲ ساله میان شهادت استاد شهید مزاری و پدر و برادران و شوهر خود و اینکه در این مدت شما به عنوان تنها خواهر و تنها فرزند بجا مانده از پدر و مادر برای استاد شهید محسوب می‌شدید رابطه ایشان با شما به چه نحو بوده است؟

خانم مزاری: برای مدتی ما کاملاً از استاد بی خبر بودیم و در واقع ما در چهار کنت مانند زندانی بسر می‌بردیم و هر روز برای تضعیف روحیه ما شایعاتی را بر سر زبانها جاری می‌کردند روزی می‌گفتند مزاری کشته شده است روزی دیگری می‌گفتند که مزاری با رژیم ایران بد شده است و به زندان افتاده است یکروز می‌گفتند اسیر شده است و به همین نحو هر روز خوراک ما اشک بود از جانب دیگر به ما می‌گفتند کافر و اینکه شما مسلمان نیستید و بعضاً به خانه ما می‌آمدند و بددهنی و ناسزا می‌گفتند و بچه‌های ما را کتک می‌زدند و اینها همه بجای تسلی دادن به ما بود. که همه عزیزانمان را از دست داده بودیم و این وضعیت برای مدت ۴ سال ادامه داشت تا اینکه هیئتی از ایران به اینجا آمد و مسایل ما حل شد و ما را به مزار شریف منتقل کردند. مادر شولگره بودیم که استاد شهید مزاری از ایران به افغانستان تشریف آوردند و ما همدیگر را دیدیم و این موقعی بود که ما ۷ صغیر داشتیم وقتی چشم ایشان به ۷ بچه صغیر من و زن برادرم افتاد فقط یک نگاه به آسمان کرد و دیگر هیچی نگفت و در مقابل گریه بچه‌ها نفس عمیقی کشید. بعد از من سؤال کردند که چی شده است که اینها گریه می‌کنند و من با تعجب گفتم باز هم می‌پرسید چی شده است دیگر می‌خواستید چه بشود؟ و استاد جواب داد که من می‌گویم دیگر هیچی نشده است شما باید رنج زینب را ببینید باز هم هیچی نشده است و در برابر عظمت روح و استواری و هیبت او گریه هم نتوانستیم بکنیم. مدتی که ما مزار شریف بودیم در آنجا گاهگاهی وی را می‌دیدیم تا اینکه در سال ۱۳۶۸ ما را به ایران منتقل نمودند و در قم ساکن شدیم در مدتی که در قم بودیم ایشان ۲۴ ساعت در خانه نماندند و ما ایشان را بسیار کم می‌دیدیم. هنگامیکه به او می‌گفتم نمی‌خواهد برود او می‌گفت نه من بایستی بروم تا انشاءالله بتوانیم افغانستان را آزاد کنیم تا بتوانیم

برگردیم و آنجا را آباد کنیم.

آخرین تماس من با ایشان یکی دو ماه قبل از شهادت ایشان بود که من تلفنی با ایشان در کابل تماس گرفتم و گفتم که استاد زینب بزرگ شده است و بابا می‌گوید و مادر پیر شما هم مرتباً سراغ شما را می‌گیرد و اظهار دلتنگی می‌کند و می‌گوید مزاری کجاست چرا نمی‌آید، او خندید و گفت که ما در را دل آساکن و به او بگو که افغانستان مشکلش حل نشده است تا من بیایم و در رابطه با زینب هم خنده‌ای کرد و هیچ نگفت.

س: نحوه آگاهی شما از شهادت استاد چگونه بود؟

ج: روز یکشنبه‌ای بود که خبر شدیم که شهید مزاری دستگیر شده است و همگی روزه دار بودیم و نذر کردیم که بصورت پیاده، جمکران قم رفته و مادرم هم گوسفندی نذر کرد که مزاری آزاد شود و به اتفاق زینب دختر خردسال استاد عازم جمکران شدیم. غروب که از جمکران برگشتیم و مشغول پخت مقداری از گوشت گوسفند قربانی جهت افطار بودم که دیگران به منزل یکی از اقوام جهت گوش دادن به رادیو بی‌بی‌سی رفتند تا جدیدترین اخبار را بگیرند که دیدند همگی مشغول گریه و زاری هستند و در آنجا بود که فهمیدیم چی بر سر ما آمده است.

س: خانم مزاری در خاتمه اگر پیامی خطاب به مسلمانان و شیعیان دارید بفرمایید.

خانم مزاری: ببینید مردم افغانستان به چه وضعی افتاده‌اند و چگونه مردم به شهادت می‌رسند. همه باید تلاش کنند تا انشاءالله حکومت اسلامی در افغانستان پیاده شود و تمام مردم مسلمان افغانستان با صلح و صفا به خانه و کاشانه خود بازگردند. از حزب وحدت اسلامی هم انتظار داریم که راه شهید مزاری را ادامه دهند و انتقام شهید را از قاتلین بگیرند. از مسؤولین محترم جمهوری اسلامی ایران نیز می‌خواهیم که درباره ما کماکان مسئولانه و دلسوزانه عمل کنند، افغانیها به اینجا پناه آورده‌اند، آنها آواره شده‌اند و نیاز دارند کماکان با آنان با لطف رفتار شود.

ما در این مدت ۷-۶ سالی که از افغانستان به اینجا آمده‌ایم ممنون هستیم که درباره خانواده شهداء رسیدگی کرده‌اند بخصوص از مقام معظم رهبری، از مسؤولین وزارت امور خارجه و دیگر مسؤولین محترم تشکر می‌کنم و به همه مسلمانان خصوصاً به ملت ایران و افغانستان پیام می‌دهم که گوش به فرمانهای آقا داشته باشند و از جان و دل متابعت کنند. فکر و ذکر شهید عزیز ما امام و رهبر بودند. از شما هم که در راه اعتلای کلمه حق تلاش می‌کنید، صمیمانه تشکر می‌کنم.

والسلام علیکم

□ فرازهایی از پیام تسلیت ژنرال عبدالرشید دوستم در رابطه با شهادت استاد مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان :

مزاری قهرمان، متحد راستین، دوست و همسنگر روزهای دشوار ما بود. شهادت استاد مزاری ضایعه بزرگ و جبران ناپذیری است که تنها به حزب وحدت اسلامی محدود نمی‌شود. آن خنجری که قلب پاک مزاری را از حرکت بازماند و خون مقدس او را فرش زمین ساخت، قلب همه مسلمانان کشور بخصوص



ملیت‌های محروم افغانستان را زخمی ساخته است. در قسمت دیگری از پیام ایشان آمده است که: خاطره مزاری قهرمان برای همیشه در قلبهای ما زنده است، مزاری سوگند خود را در برابر خداوند و بندگان محروم و مظلوم خداوند متعال بجا آورد.

□ فرازهایی از پیام تسلیت آقای گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان در رابطه با شهادت استاد مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان :

با تأسف خبر یافتیم که استاد محترم عبدالعلی مزاری، در یک توطئه‌ی استعماری به مقام والای شهادت رسید. شهید عبدالعلی مزاری مسئولیت ایمانی خود را با کمال شجاعت و شهامت و مردانگی انجام داد. مزاری شهید، یک شخصیت سازنده و صالح در تاریخ افغانستان بود. افغانها باید درس شهامت را از مزاری شهید بیاموزند. وفا به عهد، قاطعیت و صداقت از ویژگیهای بارز مزاری شهید بود. قتل ناجوانمردانه‌ی استاد مزاری، یک جنایت تاریخی بود و این عمل را ما شدیداً محکوم می‌کنیم که این عمل مخالف روایات اسلامی و سنن افغانی می‌باشد. در تاریخ افغانستان این قسم واقعه‌ای هرگز رخ نداده است که کسی به این بی‌مروتی و نامردی رقیب خود را به قتل برساند. من در آخرین تماس که با استاد مزاری داشتم، به این نتیجه رسیدم که آنها افراد طالبان را در خطوط اول سنگر، در شرق دهمزنگ و دارالامان مستقر نمودند. وی میخواست با اینها مخلصانه همکاری داشته باشد تا مشترکاً از منطقه دفاع کنند. اگر نیروهای اینها مورد تعرض قرار گیرند، نیروهای حزب وحدت اسلامی با آنها همکاری کنند. ولی متأسفانه طالبان طی یک توطئه خائنانه و ناجوانمردانه‌ای مزاری را به شهادت رساندند.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است :

آنهايي که خواهان جنگ در افغانستان‌اند، تحت عناوین مختلف و تحت نام شیعه و سنی، عمیقاً نفاق را دامن می‌زنند. من باور دارم که اینکار را استعمار کرده، نه طالبان. ولی اینها دستهای خویش را به دامن طالبان پاک می‌کنند و فتنه را ایجاد کرده‌اند به نام طالبان. ممکن نیست کسی که به خداوند معتقد باشد و به آخرت ایمان داشته باشد به چنین جنایتی متوسل شود. این جنایت استعمار است. اینها که با استفاده از این فرصت ظهور کرده‌اند به این شکل میخواهند فتنه ایجا دهند.

در قسمت دیگر چنین آمده است:

عبدالعلی مزاری شهید وظیفه‌ای ایمانی خود را با کمال همت و شجاعت ادا کرد و در زمان اشغال روسها و پس از آن، برای تشکیل یک حکومت اسلامی، با شجاعت و شهامت مبارزه کرد. او یک شخصیت بادیانت بود و روزیکه برایش مقرر شده بود، داعیه‌ی اجل را لیبیک گفت و مایه فخر فرد فرد افغان بود و از وی باید درس شهامت آموخت. وفا به عهد و قاطعیت، از صفات بارز شخصیت مزاری شهید بود.

در آخر این اطلاعیه چنین آمده است: شهادت چنین شخصیتی هم باید به نفع اسلام باشد و نباید دشمنان اسلام از این واقعه استفاده کنند. حزب وحدت اسلامی باید وحدت ملت خود را حفظ کند و به قصد خون‌خواهی برادر شهید مزاری، عوض برادران هزاره، برادران پشتون باید برخیزند و این لکه ننگ را باید از دامن خود پاک نمایند.

من گمان نمی‌کنم با شهادت شخصیتها در یک تنظیم فکری، نهضت صدمه ببیند و متلاشی شود. اکثراً شهادت همچو شخصیت‌هایی روح تازه‌ای را به احزاب اسلامی میدهد. من مطمئن هستم که بعد از شهادت استاد مزاری شهید حزب وحدت اسلامی وحدت فکری و تشکیلاتی خود را حفظ خواهد کرد و نقش فعالش را در قضایای کشور خواهد داشت، اگرچه حزب وحدت اسلامی یک شخصیت بزرگ و قاطع و باشهامت خود را از دست داده ولی من امیدوار هستم که برادران حزب وحدت اسلامی این خلا را به زودی پر کنند.

□ فرازهایی از پیام تسلیت آقای صبغت‌الله مجددی رهبر جبهه ملی نجات افغانستان در رابطه با شهادت استاد مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان:

مقام محترم رهبریت و جبهه نجات ملی افغانستان، شهادت استاد مرحوم عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان و مجاهد سرسپرده‌ای راه حق را با تأثر عمیق، یک ضایعه غیر قابل تلافی برای مجاهدین و کافه ملت مسلمان افغانستان دانسته، از بارگاه ایزد متعال برای مرحومین، جنت فردوس برین و برای بازماندگان شان صبر جمیل و اجر جزیل استدعا می‌نماید. انا لله و انا الیه راجعون

در قسمت دیگر از این بیانیه چنین آمده است:

این عمل ظالمانه گروهی به نام طالبان را، جبهه ملی نجات افغانستان تقبیح نموده و محکوم میکند. غالباً این تعدی و تجاوز از طرف آن اشخاص مستبد و ظالم به نام طالب صورت گرفته که طالبان راه حق و مخلص که اهدافشان اعلاء کلمه الله و استقرار امن در افغانستان است، از این عمل و تجاوز بی‌خبر می‌باشند. اگر همچو اعمال و تجاوزات تکرار شود باعث تفرقه و دشمنی بین سنی و شیعه و پشتون و غیر پشتون خواهد شد.







بسمه تعالی

جناب آقای سید علی موسوی کرم‌رودی شاعر و نویسنده گرانمایه معاصر اخیراً سفری به مزار شریف داشته‌اند. ایشان در ثناء شهید بزرگوار مزار می‌چنین سروده‌اند:

✦ بر تربت سیه مزاری ✦

دیدم مزار پاک تو در جان گزیتیم بر سر نوشت شیعه افغان گزیتیم
سید علی کنار تو آرام خفته بود
بر آن شهید پاک هم از جان گزیتیم
یعنی وفا کنار شرف آرمیده بود بر این سلام گهشم و بر آن گزیتیم
سید علی کنار تو آمد دوباره لیک
آن شاعرم که بر تو ز ایران گزیتیم
سید علی موسوی کرم‌رودی ام آن کر غم تو از بن دندان گزیتیم
آه ای سترگ چون قتل کو به میان
بر دمنت چو چشمه جوشان گزیتیم
یک لحظه خاک آینه شد در نظرها بر قامت رشید تو عریان گزیتیم
آن زخم ما که بر لب از دشمنان
پیش از هزار بود و فراوان گزیتیم
وانگه هزار زخم که بر سینه دشتی یک یک به بوسه شستم و بر آن گزیتیم
دیدم هزار سال ستم تر هزار کا
درین چشم و بادل بریان گزیتیم
از دغ صد سبک خفت دشت لایه ابر بهار شستم و باران گزیتیم
بایادت ای مزاری ستوده ای دلیر
موسیدم ابستاده به پایان گزیتیم
۱- از یاران شهید مزاری که در کنار وی به شهادت رسید و در کنار او در خاک خفته است.

شعبه	یکمیه	دوّمیه	سومیه	چهارمیه	پنجمیه	ششمیه
شعبه	یکمیه	دوّمیه	سومیه	چهارمیه	پنجمیه	ششمیه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					